B-18

رسالة مفتاح رحمانى
فى
تجويد القران

عبد الرحمن بن فقيه ابو الحسن

[illegible]

بسم الله الرحمن الرحیم

حمد [illegible] را بتعلیم [illegible] زبان را قوت [illegible] بخشیده و از جمله [illegible] نوع انسان را

بمزید [illegible] خصوص ارزانی [illegible] و نعمت [illegible] کلام [illegible] قرآن کریم [illegible] تفضیلی

[illegible] این نعمت القرآن [illegible] مکرم گردانیده [illegible] تعلیم

[illegible] القرآن [illegible] القرآن [illegible]

[illegible] الا [illegible] بشارة اقرأ القرآن [illegible]

ادعی القرآن [illegible] بیان [illegible]

[illegible] مکتب [illegible] خویش [illegible]

و کامیاب گردانیده ذلک فضل الله یؤتیه من یشاء والله ذو الفضل العظیم و صلوة نامحدود و تحیات

نامعدود [illegible] بر روح پرفتوح صاحب مقام محمود [illegible] رسل [illegible] سید المرسلین خاتم النبیین محبوب رب العالمین

[illegible] رحمة للعالمین [illegible] نعت و وصف پاکش [illegible]

[illegible] خاتم المرسلین [illegible] لولاک لما خلقت الافلاک [illegible]

[illegible] ما ینطق عن الهوی ان هو الا وحی یوحی [illegible]

... معروف [illegible] سید المرسلین صلی الله علیه و آله و سلم و بعد میگوید افقر عباد الله و احوجهم الی [illegible]

سبحانه [illegible] ابن [illegible] الحسن البنبانی اصلح الله شأنهما و صانهما عما [illegible]

ایده سبحانه و تعالی [illegible] و رتل القرآن ترتیلا بر تالیان قرآن مجید و

فرقان حمید رعایت [illegible] و آداب قرائت [illegible] نموده و حضرت علی صلوات الله علیه در

[illegible] الترتیل [illegible] الوقوف و تجوید الحروف بیان نموده و صاحب کتاب مقدمه [illegible]

بالتجوید [illegible] اللهم [illegible] ایام [illegible] خلافت حضرت [illegible]

مجالس اورنگ سلطنت و کشورگشائی زیب تخت سکندری [illegible] ابی المظفر محی الدین محمد [illegible]

عالمگیر [illegible] اللهم [illegible] واجعل آخرته خیرا من الاولی اکثر انام از خواص و عوام بعبادت ربانی

خصوصا بحفظ و تلاوت [illegible] بسبب حدیث افضل عبادة امتی قراءة القرآن و اشراف امتی حملة

القرآن [illegible] مشغول اند و علم آداب قراءت و ترتیل [illegible] حدیث [illegible]

و کلام [illegible] کرده [illegible] تتبع کتب [illegible] این فن و استماع [illegible]

همت [illegible] علمای کبار [illegible] بالتماس [illegible] در مرتبه توسط با ایضاح تمام [illegible]

[illegible] بزبان فارسی [illegible] آورده تا طالبان این علم را که تحصیل آن موجب سعادت صوری

و معنوی است به سهولت مفید گردد و رجا که این وثیقه موثقه نجات از زمره [illegible] القرآن و [illegible]

[illegible] من قرأ القرآن [illegible] کان له عند الله اجر شهید [illegible]

الهی و توفیق نامتناهی ازین محبس بکلیه بریاضت بسیار برآورده مفتاح کتاب
فی تجوید القرآن نام نهاده پیشکش نمود تا به سبب این رساله با حصول مقصود رواج داده
بجمیع مقاصد دارند لیکن این رساله اختصار قابل توجه نمود و احتیاج بصنع الفاظ و عبارة
نمود و بنا بر عبارات صحیح و حرف گفته بر مبتدی فهم آن دشوار آمد التماس
از خدمت برادران مخلص آنکه بعد از مطالعه به نظر تصویب ببینند اگر سهوی یا خطایی بینند
بقلم کرم اصلاح فرمایند و بدعای خیر یاد نمایند والله الموفق والمعین علی البرکات

مقدمه در بیان اسامی و اقسام باب اول در بیان تعداد حروف تهجی و مخارج
آن مشتمل بر دو فصل است فصل اول در تعداد حروف تهجی فصل دوم در تعداد مخارج حروف
باب سیوم در تعیین مخارج و تحقیق آن: قول اصح مشتمل بر پنج فصل است
فصل اول در بیان مخارج حروف حلقی فصل دوم در بیان مخارج حروف وسطی
فصل سیوم در بیان مخارج حروف شفهی فصل چهارم در بیان آنچه تعلق بحروف
خیشوم دارد فصل پنجم در تصویر زبان و حروف تهجی باب چهارم در بیان
صفات حروف تهجی مشتمل بر چهار فصل است فصل اول در بیان معنی صفات
فصل دوم در بیان القاب حروف تهجی باعتبار صفات متضاده فصل سیوم در بیان القاب
حروف تهجی باعتبار صفات غیر متضاده فصل چهارم در بیان اجتماع صفات در حروف

دربیان اسامی وقف ... اسامی وقف بطریقه امام الدین رحمة الله علیه

دربیان وقف ... الله علیه والا سلم ... دربیان وقف مشکل ... دربیان وقف ... امید دیگر

دربیان وقف معانقه بتقدیمان ... دربیان وقف معانقه نزد مشایخ

دربیان وقف غفران ... دربیان وقف کردن ... دربیان تحسین صوت ولحن

دربیان ... دربیان محاسن قرائت ... دربیان لحن ... فصل ... سنت

دربیان ... دربیان استعاذه و بسمله ... فصل

دربیان ... دربیان اختلافات الفاظ استعاذه ... واخفاء استعاذه

دربیان اختلافات درخواندن بسمله بین السورتین ... مسائل وصل

دربیان ... وقف و وصل بحسب ... بسمله بین السورتین ... وجود

دربیان رموز ... آن ... واقعه در سوره فاتحه ... قراء سبعه

... ابواب آن ... قواعد ... شاطبیه ... سبعه بطریق شیخ

درسائل متفرقه که تعلق بقرآن دارد ... فضیلت حفظ آن ... قرآن و

دربیان ... مزید حفظ ... دعوات ... درادعیات ... قرآن

... امر لازمه ... تصحیح حروف ... مسطور است ... از کتب ... تاتارخانی وغیره ... فتاوی

... قاری را از ادای حروف مصحف مجید ... بجمیع صفات ... قراءت وعرضی ...

لا یعبر قراءة الا بعد تصحیح حروف و آن موقوف بر دانستن مخارج و صفات است

و القرآن مخرج حروف بیست دندان [illegible] از جهت این باب نام مخرج آورده شد بدانکه جمله

[illegible] دندان [illegible] بر چهار قسم منقسم [illegible] اند نام اول ثنایا است و آن

چهار دندان است که متصل [illegible] از هر طرف [illegible] دوم ثنایا [illegible] دو بالا که

آن را ثنایای علیا گویند و دو پائین که آن را ثنایای سفلی خوانند [illegible] سیوم انیاب است و آن

چهار دندان است از هر طرف رباعیه متصل یکی و دو [illegible] که آن را انیاب علیا گویند و دو

آن را انیاب سفلی نامند و آنها را دندان نیش نیز گویند کذا فی ادب الکاتب [illegible]

قسم چهارم اضراس است که بیست دندان است [illegible] از دندان نیش [illegible] قسم

[illegible] ضواحک گویند و آن چهار دندان است متصل از هر طرف انیاب یکی

دو بالا و دو پائین و اینها را نواجذ نیز گویند [illegible] را طواحن گویند و آن دوازده [illegible]

[illegible] دهن [illegible] از جانب [illegible]

و اینها را اخاییر نیز گویند قسم ثالث بالنواجذ [illegible] و آن چهار دندان است که متصل از هر

طرف [illegible] یک دندان [illegible] که [illegible] آورده است که از [illegible]

[illegible] که در آخر دندان است [illegible] مخارج حروف تهجی و مخارج [illegible]

اول [illegible] در شمار مخارج حروف [illegible] اختلاف است و در آن نزد [illegible]

[illegible]

... ساکن را هم دو حرف ادغام کرده ... را الف است انچنانچه ... گردانیدند

از حروف تهجی ... شرح ... و جمهور ... بسبب ترتیب حروف

و الف غیر همزه ست و ... نیست یعنی نیست مقابله و در بعضی کتب آورده است که

لا داخل حروف تهجی نیست زیرا که ... عبارت از مجموع ... یعنی حرف را جداگانه

لفظها کرده و لا مرکب است از لام و الف و در ... احتو ...

خارج نیست یک الف داخل ... لام خارج زیرا که تلفظ الف

با ضم حرف دیگر ممکن نیست لام بما قبل او متصل کرده تمثیل نموده و از جمله

حروف تهجی لام را اختیار کردن باعث آنکه میان لام و الف مناسبتی قوی است

که لام در شکل الف است و الف در شکل لام ... یعنی ... نیست

یا تلک حرف الف کالعدم است ... زیرا که الف ... اول حروف تهجی

همزه است ... که ملفوظ ... بکر

کرده همزه ... تنبیه است ... که همزه گاهی بصورت ... الف

مکتوب نمیشوند و گاهی بکلی ... مکتوب ... همزه

و ... بحسب مخارج و فرق میان همزه و الف آنست که الف حالی است

در ... همزه گاهی متحرک است مثل اذا جاء ...

[illegible] مشکل [illegible] و این [illegible] را [illegible] والله اعلم بالصواب

[illegible] مخارج [illegible] [illegible] اختلاف بسیار [illegible] نزد بعضی [illegible]

مخرج این حروف [illegible] و [illegible] نزد بعضی چهار است حلق [illegible] و [illegible]

محض و [illegible] [illegible] مشترک است [illegible] و نزد بعضی [illegible] مخرج [illegible]

[illegible] حلقیه لهویه شجریه [illegible] لثویه نطعیه اسلیه و شفویه [illegible]

[illegible] [illegible] و نزد [illegible] و [illegible] مخرج [illegible]

[illegible] و [illegible] خیشوم [illegible] و نزد بعضی یازده است که مخرج [illegible]

و امام [illegible] [illegible] خیشوم را مخرج [illegible] و این مختار صاحب [illegible]

و نزد [illegible] هفده [illegible] خیشوم را هم مخرج میداند و این مختار [illegible] است

و نزد [illegible] است [illegible] حروف [illegible] قول اصح است [illegible]

[illegible] القاسم [illegible] حسن [illegible]

و غیره [illegible] مخرجی یک حرف [illegible] بیرون می آید [illegible] عیان خواهد

[illegible] [illegible] است اما [illegible] کدام [illegible]

[illegible] و تحقیق آن [illegible] قول اصح [illegible] جمع مخرج [illegible]

[illegible] و [illegible] عبارت [illegible] حروف [illegible] حروف [illegible]

[illegible]

خلاف معتد است بر قول کسی که اختیار کرده اند این را در [illegible] السنین [illegible] حروف [illegible]

وارد است چنانچه در مقدمه بیان تخصیص از ده که مخارج او سبعه [illegible] الذین یشاء

من الشعر یعنی محل یاد [illegible] حروف معتد است بر قول کسی که اختیار کرده اند این مخارج

کسی است که امتحان خود کرده است کذا فی شرح جزری و این شناختن مخرج هر حرف اسهل

آنست که حرف را ساکن سازند و همزه متحرک در اول او در آورند و تکلم کنند پس هر محل

[illegible] آن قرار گیرد و بند شود مخرج آن همان جا خواهد شد [illegible] بین مخارج

حروف حلقی بدانکه حلق [illegible] لسان است و در آن سه مرتبه قرار داده اند

اقصی و وسط و اعلی مخرج اول اقصای حلق است و در [illegible] اخف [illegible]

بعضی اقصای حلق را سه حروف است یکی از جانب اول اقصا که [illegible]

برآید و آن همزه است و در مرتبه ثانیا از اقصا ها و در ثالث الف و این مذهب سیبویه

و کلام [illegible] ثلث اقصی علی و ان وسط [illegible]

مسما اول الحلق [illegible] و بعضی اقصای حلق [illegible] که آن همزه را باشد فقط

الف را جوفیه قرار داده اند یعنی از کام [illegible] حلق و دهان [illegible] مخارج حروف [illegible]

ندارد زیرا که اعتماد بر عضوی از اعضای فم بی انضمام حرف دیگر نمیکرد و این مختار شیخ

جزری است مخرج دوم وسط حلق است و آن محل عین [illegible] و حای غیر منقوطتین است و دوم تقدیم

و در غیر اختلاف است نزد یکی عیا [illegible] بلغ است و نزد بعضی محل قلل عیان است اما

عمل [illegible] است مخرج سیوم [illegible] که متصل است بیخ زبان [illegible] و آن محل خروج [illegible]

[illegible] طبق است [illegible] برابر است که غین قاف خارج است و بعضی عکس این را گفته

و نزد جمهور [illegible] آن است و این مجمع حروف [illegible] حلقی گویند [illegible] بر قول سیبویه

حروف حلقی هفت باشد و محل خروج آن [illegible] در میان محل خروج [illegible] زبان [illegible]

بدانکه زبان را دو [illegible] است و هژده حروف مخرج اول غلصمه است باید

[illegible] و آن محل خروج [illegible] است مخرج دوم عقد است [illegible] و انتهای زبان اندک [illegible] از

این محل خروج کاف است و اما واضح تر آنست که گوشت پاره ایست آویزان مقدار خرمهره کلان

پیوسته با حرکاه بالا با این غار اعلی مقابل [illegible] که عرب [illegible] نامیده اند و در بار

او [illegible] گویند و ملازه نیز و آن دو طرف دارد یکی محاذی حلق است دوم مقابل [illegible]

حرف اول [illegible] است [illegible] غلصمه [illegible]

با قصی زبان تا قاف بیرون می آید بنابراین [illegible] غلصمیه گویند از حرف [illegible]

[illegible] است [illegible] نامیده [illegible] با قصی زبان فروتر از کاف

قاف بیرون می آید بنابراین [illegible] لهوی عکدی گویند مخرج سیوم میانه زبان است و مقابل [illegible]

از کام بالا و آن محل خروج [illegible] منقوطتین و یای تحتیه است و چنانچه که غیر [illegible]

نجم [illegible]

[illegible] است و نزد بعضی شین مقدم است این حرف [illegible] امام [illegible]

[illegible] بقول [illegible] است [illegible] و چهارم [illegible] زبان است [illegible]

[illegible] جیب [illegible] مخارج [illegible] منقوط است [illegible]

[illegible]

آورده که بعضی [illegible] الا [illegible]

[illegible] ان [illegible] منقول است که حضرت امیرالمؤمنین [illegible]

[illegible] و در آن [illegible]

[illegible] و بعضی [illegible] از وقت [illegible] در [illegible] مخرج [illegible]

[illegible] در [illegible] تعریف [illegible]

[illegible] قول [illegible] صلی الله علیه و آله و سلم [illegible]

[illegible] که ضاد [illegible]

لهذا بعضی این را [illegible] مخرج [illegible] زبان [illegible]

[illegible] باشد [illegible]

[illegible] غیر منقوط است و در حالت ترقیق و از تفخیم باشد [illegible] زبان را [illegible] مقابل [illegible]

[illegible] بالا [illegible] زبان [illegible] مقابل [illegible]

نسبت آورده که تمام لفظ را از سر زبان [illegible] بعد از آنکه دو بار [illegible] مخرج حروف [illegible]

بنابر همین است که گفته اند [illegible] مخرج [illegible] که از سر زبان [illegible]

وقتی که متصل شود با حروف کام [illegible]

مخرج [illegible] با اعلا [illegible] محل است [illegible] محل خروج [illegible]

[illegible] زبان را و آنچه مقابل وی است [illegible] مدخل دارد [illegible] دیگر

[illegible] دخل نداده اند جمیع آن تصریح نموده اند مخرج [illegible]

سر زبان با اندک میل بسوی کناره هر دو جانب [illegible] بالا

[illegible] ساحل کام بالاست و آن محل خروج نون است [illegible] مخرج لام

[illegible] بالا [illegible] در تیسیر التجوید

آورده که مخرج نون میان مخرج لام [illegible] قطرب و جرمی [illegible]

[illegible] یک مخرج است یعنی [illegible]

[illegible] صاحب [illegible] آخر [illegible] مخرج [illegible]

سر زبان [illegible] با علیا را و آن محل خروج ط و د [illegible]

[illegible] مخرج [illegible] اندکی بالاتر از مخرج [illegible]

[illegible] و بعد از آن مخرج [illegible] و بعد از آن مخرج [illegible] مخرج [illegible]

سر زبان

[illegible] بسر زبان [illegible] بشفتی زبان [illegible] ان محل خروج [illegible]

وشفتین [illegible] و بعضی [illegible] یعنی نزد تلفظ طا سر زبان با سر ثنایا [illegible]

سر زبان از [illegible] بست [illegible] سر [illegible] مخرج [illegible] سر زبان و سر ثنایا [illegible]

اندک فاصله باشد [illegible] زبان [illegible] این محل [illegible] مفتوحه [illegible]

که زمین [illegible] و [illegible] یعنی [illegible] علیا [illegible] و این [illegible]

[illegible] محل خروج حروف [illegible]

دو مخرج است [illegible] سر ثنایا سفلی که [illegible] ده [illegible] اسب [illegible] آن

محل خروج فا است مخرج دوم میان هر دو لب است و آن [illegible]

موحده [illegible] است و در شاطبیه [illegible] مضموم قوله و للشفتین [illegible]

[illegible] که واو [illegible] هر دو لب [illegible] یعنی [illegible]

[illegible] از درون [illegible] در حالت [illegible] لب [illegible]

[illegible] باشد [illegible] حسن بن شجاع میگوید [illegible]

دو لب بر هم منطبق میشوند [illegible] و این چهار [illegible] گویند

بیان حرفی که تعلق بخیشوم دارد و مخرج شانزدهم حروف است و آن

مخرج [illegible] است درحالیکه مدغم باشند و حروف هوای حلق و دهن [illegible]

بنابراین این حروف [illegible] گویند مثل چهار حروف مبانی [illegible] [illegible] کما [illegible]

[illegible] و شرح عقدة الفرید آورده است بعضی استادان متاخرین عراق [illegible]

[illegible] مجهول و معروف اند که الف [illegible] از هوای [illegible] است و ساکن با ما قبل مفتوح از هوای [illegible]

و از ساکن با ما قبل مضموم از هوا [illegible] است و [illegible] حرکت ما قبل او موافق او

باشد هم اگر ما قبل او مفتوح است از این [illegible] و هم چنین [illegible] است یعنی میان زبان

و کام [illegible] آن مضموم است در کلام [illegible] مستعمل نیست بلکه یا رجیمی [illegible]

مثال [illegible] واو ساکن که حرکت ما قبل او [illegible] ما قبل او مفتوح است پس او [illegible]

[illegible] شود و او متحرک است [illegible] او ملفوظ است این نیز در کلام عرب معمول نیست

[illegible] چنان باید [illegible] میان زبر [illegible] مخرج معدوم خیشوم است و آن محل خروج [illegible]

حرف [illegible] است یکی از [illegible] ساکن در [illegible] که مظهر و مدغم [illegible] نباشد کما [illegible]

[illegible] و [illegible] خیشوم [illegible] را گویند که [illegible] الف

و دماغ است [illegible] که آوازی بیرون می آید آن را غنه گویند بنابراین این حروف را غنوی [illegible]

[illegible] حروف چون خارج حروف حلق و لسان و شفت و دندان

[illegible] از قبیل [illegible] شفقة علی اخوان الاسلام هر یک را [illegible] تا [illegible]

[illegible] متعلق مخرج آن [illegible] شکل واضح و صورت [illegible] مبانی [illegible]

[illegible]

[illegible]

باحسن الوجوه از اتم مشتاق و در یافت مطالب قاعده مرتب است ادا از تلاوت کتاب الله [illegible]

[illegible] بخواند کتابت [illegible] حرف [illegible] حدیث نبوی [illegible]

و القرآن [illegible] حسنه [illegible]

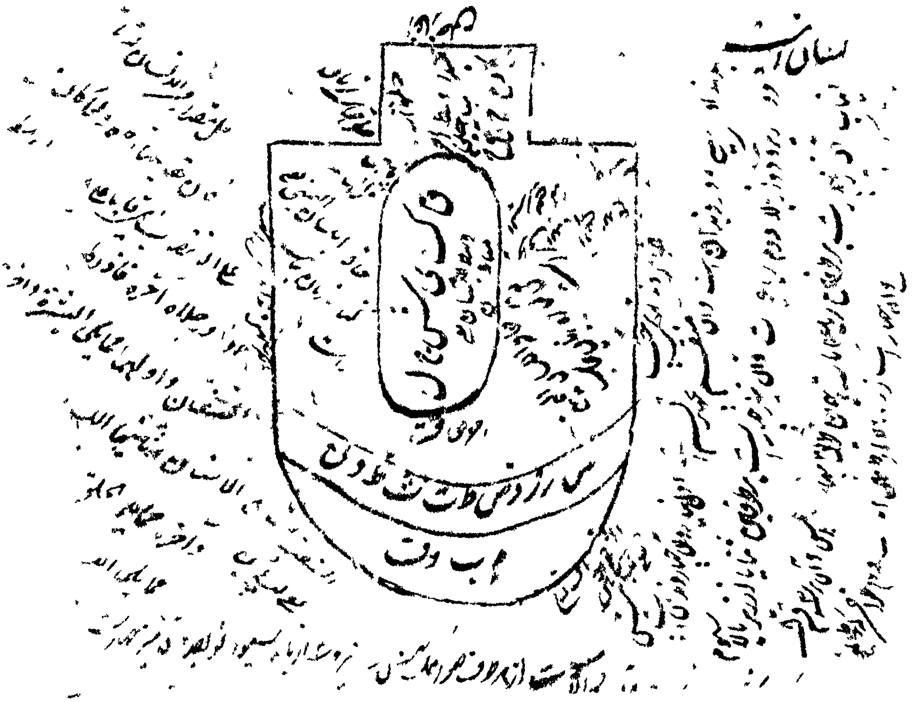
از [illegible] بخواند [illegible] ثبت و نیز حسنه [illegible]

[illegible] درجات که قرب الهی نیز پدید آید [illegible]

[illegible] باشد [illegible]

[illegible] حاکم [illegible] قرآن کلام [illegible]

[illegible] هر طوری که باشد [illegible] مفتاح الجنان و [illegible]



باب چهارم در بیان صفات حروف تهجی عرب مختلف [illegible]
حروف بسیار بود چنانچه محمد احمد خلیفه مصنفت [illegible] ده صفت
حروف تهجی و در رسائل [illegible] از آن تمام زیاده آمده پس این ضعیف از خود
[illegible] تطویل نموده به بیست و هشت [illegible] که مشهور و مستعمل اوست
[illegible] قرآن [illegible] احتیاج بدانها [illegible] اتفاق نموده بعضی مفید گردد
در بیان صفات بدانکه بعضی از آن صفات با خود متضاد [illegible]
[illegible] بدانکه [illegible] هر صفتی را [illegible] ضعف او نیز یاد کرده
[illegible] صفات متضاده اطباق است که التصاق [illegible] را گویند و ضد آن انفتاح
را فراخ و گشاده گویند دوم استعلاست یعنی طلب بلندی کردن و ضد آن
[illegible] سفل و پستی است یعنی آواز کردن به فرود [illegible] پستی سیوم تفخیم است یعنی
[illegible] تلفظ کردن و ضد آن ترقیق است یعنی تنک و خورد [illegible] چهارم
[illegible] قلقله است یعنی بانگ کردن و جنبانیدن و ضد آن سکون است یعنی
استقرار پنجم استطالت است یعنی طلب درازی کردن و کردن کشیدن [illegible]
ضد آن قصر است ششم همس است یعنی نرم و پست گشتن آواز است [illegible]
[illegible] که نفس جاری باشد و ضد آن جهر است یعنی بلند گشتن آواز [illegible]

در

ست بود چون کلامس ... در جریان نفس چهارم خفی است که ... پوشیدن باشد را گویند

و عدد آن بیست و ... ششم شدت است یعنی سختی و ضد آن رخوه است یعنی سستی

... را ضعف ... گروه باشد چنانکه یکی از آن صفات

متضاده بیان رخوه و شدت ... هشت نوزدهم ... هم صحیح دوم تفشی است

که توسعت و انتشار را گویند سیوم صفیر است و آن در لغت صوت است که آواز

... است ... انحراف است یعنی میل بجانب دیگر در ساختن و گشتن

... اعاده ... یعنی دوباره گفتن ششم نبر است که ارتفاع

... را گویند هفتم خبر است که قسم آواز را گویند هشتم بحت است یعنی افشردن

حلق ... که در لغت ... را گویند و نهم غنه است که در لغت آواز را گویند که از

خیشوم بیرون می آید مانند اصوات ... یازدهم لذت است که معنی آن ست

دوازدهم هوائی است ... در بیان القاب حروف تهجی بعقب صفات متضاده

مطبقه چهار حرف است ... گویند که مجتمع اند درین قول صطضظ و این حروف مطبقه

برای آن گویند که زبان در وقت ادای آنها همچو طبق بر طبق منطبق و متصل میگردد و کام

بالای پوشیده و آورده اند ... الا الاطباق فیها فصارت الصاد سینا والطاء دالا

والظاء ذالا والضاد خرجت من جنسها ... و بیست و پنج حروف باقیه را گویند ...

[illegible] ع ح خ [illegible] ز س ش ص ض ط ظ ع غ ف [illegible] ک ل م ن و ه ی

یعنی حروف منفتحه برای آن گویند که زبان از کام وقت ادای اینها جدا ماند و نمی پوشد کام

را و مستعلیه [illegible] را گویند که

ط و ظ و ص و ض مطبقه اند و مستعلیه برای آن گویند که [illegible] حروف ادای این حروف

مرتفع شده میرود بسوی غار دهن بیخ زبان و در دهست کل مطبقه مستعلیه اند [illegible]

و مستفلیه هست و دو حرف باقی را گویند که مجتمعا درین کلمات [illegible]

خص ضغط قظ و این حروف را مستعلیه برای آن گویند که در وقت تلفظ اینها زبان

بجانب بالای دهان و دار الحنک برود آید و مفخم علی الاطلاق حروف مطبقه را گویند و مرققه

بیست حروف را گویند که ماسوای مطبقه و ماسوای حروف مفخم و راست و در میان

آنها هست که حروف منحرف که گاهی مفخم و گاهی مرقق [illegible] لیکن اصل در [illegible]

و اصل [illegible] تفخیم و گاه بیشتر که از اصل خود به سبب عارض تغیر [illegible]

[illegible] مذهب حروف مفخم [illegible] مرققه [illegible] مولانا شیخ

در [illegible] القاری فرموده که هفت حروف مستعلیه مفخم اند یعنی پر [illegible]

خالی از فکر [illegible] مستفله [illegible] کلمات [illegible]

و ظاهر ترتیب این حروف [illegible] چنانچه در شاطبی [illegible] القاف

[illegible]

بعد آن چو [illegible] دیگر بود یا نزدیک است و بعضی [illegible] و قلقله را نیز از قسم

شمرده اند و ظاهر همین است و این حرف را مقلقل بجهت آن میگویند که در وقت

ادای ایشان صوت قوی چنانچه ظاهر میشود گویا که حبس قرار ندارد در مخرج اما این صفت

در حالت سکون ظاهر تر است [illegible] مثل انهما [illegible] لم یلد و لم یولد خاصه در حالت

سکون [illegible] وقف [illegible] و بعضی افاضل میگویند که مذهب

متاخرین [illegible] تخصیص القلقلة علی حال الوقف تمسکا بظاهر ما [illegible] من عبارت المتقدمین

(15)

ان [illegible] تظهر فی هذه الحروف فی الوقف و ساکنه بیست و چهار حرف باقی مانده را

[illegible] ح ب ذ ز س ش ص ض ط ظ ع غ ف ک ل م ن و ه ی [illegible]

نیز گویند زیرا که در وقت [illegible] اصلا حبس ندارند و منقلبه بجهت آن گویند

که در وقت ادای وی در مخرج [illegible] ابتدای مخرج کام تا انتهای [illegible] زبان حاصل شود و دیگر

[illegible] استعلا [illegible] یعنی [illegible]

[illegible] ادا کردن [illegible] تعلیم استاد ماهر [illegible] ظاهر [illegible] باشد

و بیست و هشت حرف را [illegible] ادای این حروف باید مخرج [illegible]

[illegible] حرف را گویند [illegible] تدریج اند [illegible] ترکیب [illegible] فصیحه [illegible] و حروف

[illegible] برای آن نام نهاده اند که ضعیف اند [illegible] بلفظ نرم [illegible] ادا میشوند [illegible]

نفس را باز نمیدارند از جریان و مجموع آنها در لفظ فحثه شخص سکت است و معنی مهموسه در وقت

که ملفوظ خوانده شود و مجهوره نوزده حرف باقیه را گویند که مجموع آن در این کلمات

ظل قو ربض اذ غزا جند مطیع است و اینها را مجهوره از آن جهت گویند که قوی اند در مخرج

... دارند و در وقت تلفظ این حروف ... بر ورا ... ممنوع ... و جهر که نفس

از جریان باز میمانند و شدیده هشت حرف را گویند که مجموع آن در این مثالست ... از جهت

و خفا و اینها در وقت تلفظ این حرف را ... در عالم

سکون و بینیه هفت و پنج حرف باقیه را گویند از جهت آنکه مهموسه در وقت تلفظ و شدیده

هشت حرفست منحصر درین کلمات انه اجدک قطبت شدیده برای آنکه هر ...

در وقت ادای این حروف آواز سخت می برآید ... میمانند از جهت قوت اعتماد

به مخرج خصوصا در حالت وقف و رخوه شانزده حرف که مجموع آن در این کلمات

حس شخص ... برای آن ... از اینها آواز سست

برمی آید از جانب ضعف اعتماد اینها بر مخارج با بقاء جریان آواز

در بیان القاب حروف تهجی باعتبار صفت غیر متضاده بدانکه بینیه یعنی

و شدیده هشت حرفست که مجموع است درین مثال لم یروعنا و بعضی ...

واو و یا و الف را ... بین شدیده و رخوه ... شمرده اند بلکه از ...

[illegible] آورده است [illegible] و اشدیده عرض [illegible] وری حرف

[illegible] گروه [illegible] ازین صحیح تر [illegible] پس [illegible] از حروف [illegible] شانزده باشد

جامع آن ترکیب حسن [illegible] خاص [illegible] است و حروف [illegible]

است و اینها را حروف [illegible] برای آن گویند که اعتماد اینها بر مخرج [illegible] شده و [illegible]

یعنی [illegible] سخت اند که آواز [illegible] ابجد [illegible] دارد [illegible] آواز [illegible]

[illegible] آواز در [illegible] کمال جاری [illegible] در حین ادای اینها و متفشیه یک حرف است و آن شین [illegible]

[illegible] و در مقدمه جزری نیز تصریح باین معنی شده است قوله و للتفشی الشین [illegible]

[illegible] و نزد بعضی حروف تفشی چهار است [illegible] در بین قول است [illegible]

چنانکه در عمدة [illegible] است قوله حروف التفشی [illegible] ساکن [illegible]

این حروف را متفشی برای آن گویند که آواز [illegible] پریشان [illegible]

[illegible] حرف [illegible] بعضی [illegible]

جمله حروف تفشی [illegible] ظاهر آن مینماید که میم [illegible] از جمله متفشیه [illegible] زیرا که

پریشان شدن آواز است در حین [illegible] و در ادا [illegible] اینها [illegible] صفیر

سه حرف است که مجتمع اند در [illegible] صفیره برای آن گویند که در حین ادای اینها

[illegible] زبان [illegible] مثل صفیر از میان دندان [illegible] آواز [illegible] است

... حرف را ... نیز قول ... که آن لام ... سی بعد

لام تنها منحرف است و اعتقاد را منحرفه بنا بر آن گویند که او وقت تلفظ لام از کنار

زبان میل کرده بسر زبان و ... مایل ... بسیل کردن سر زبان بجانب

درون کام ... مکرره حرف راست ... زیرا که ... آن مثل حروف منحرفه

... حرف زبان ... منحرف ... میکند اما ... انکشت ... که دارد ...

شیخ جزری در مقدمه تصریح نموده است ... و مهموسه حرف همزه است زیرا که همزه ... حروف

مجهوره ... است ... و حرکت حاء ... مخلوط است زیرا که در وقت

تلفظ وی صوت در حلقوم ... میشود گویا که قاری را ... کرده اند و ... حرف

حاء ... مخلوط است و ... در درة الفرید آورده است ... از حاء ...

... میشود زیرا که ... اگر صوت ... اند و ... حرف ... و او

و یا و الف ... در ... که ... یعنی ... باشند و حرکت ما قبل ...

اینها باشد ... صورت از هوای دهن بیرون می آید ... حرف را گویند

... جامع ... است زیرا که در وقت تلفظ اینها ... میشود

و ... را ... نامیده اند از جهة باد بر آمدن از ... اینها نزد ...

... اند ... حرف نیز از حروف ... خوانده اند و ... حرف ...

نوعیکه ان غنه [illegible] نون ساکن و تنوین است [illegible] قاری [illegible]

در صورتی که حرف [illegible] ان نون ثابتة تنوین واقع نحو اظهار است پس [illegible] غنه [illegible]

هنگام [illegible] مانند [illegible] اولی است کذا فی [illegible]

در [illegible] بعضه نون [illegible]

در [illegible] سعد [illegible] شرح مقدمه [illegible]

[illegible] من الغنة صفة [illegible] للنون والتنوين والميم تحركن او سكنا [illegible]

[illegible] و هي [illegible] اکمل [illegible] . و فی [illegible]

[illegible] من المحقق [illegible] میگوید که غنه نون [illegible] است [illegible]

میم و بعضی [illegible] اند میان غنه نون و میم کذا فی شرح [illegible] لابی [illegible]

[illegible] حروف [illegible] حرف [illegible]

[illegible] ازان حروف

[illegible] همزه را تسهیل

[illegible] تسهیل [illegible]

[illegible] اصطلاح قراء همزه [illegible]

[illegible] امام حمزه و [illegible] قیل [illegible]

... و این ... روایت ... چهارم آنکه ... دمشقی ... بعضی از ...

مسموع ... صغرا ... نشدن فتحه ... بسوی ... مکسوره و ... نشدن ... بسوی

بالا ... صغری ... از ... کبری ... برای آن ...

... و در حرف ... نشانه ... منطبقه ...

... حروف ... منطبقه ...

باید نهمید ... که کتب درک آنها بسیار مشکل ... صفات ...

صفات در هر حرف ... و شمار آن بدانکه در هر ده صفات ... انفتاح و استعلا و

تفخیم و سکون و قصر و جهر و بیان و شده و تنبیه و ... در ...

انفتاح و تسفل ... قلقله قصر جهر بیان شدت و در ... ده صفات ... انفتاح

... نشده ... بیان ... به بعضی ... و

جیم ... صفات انفتاح ... بیان شده و در ...

صفات ... انفتاح تسفل ... بیان ... و در ...

صفات ... انفتاح استعلا ... قصر ... بیان ... و در ...

... صفات ... تسفل ... قلقله قصر جهر بیان شدت و در

صفات ... انفتاح ... تفخیم سکون قصر ... بیان ... و در ...

یازده صفت است انفتاح استعال تفخیم قلقله جهر سکون شدت جهر شیه اصمات تکرار ... و

و در دال ده صفات است انفتاح استعال ترقیق سکون قلقله جهر بیان رخاوت صفیر نفخ و در ...

انفتاح استعال ترقیق سکون ... رخاوت صفیر و بقول بعضی نفخ نفخ و در شین

انفتاح و استعال ترقیق سکون ... نفخ و در صاد یازده صفات است اطباق

صفیر تفخیم سکون قلقله ... رخاوت و بقول بعضی نفخ و در ضاد ... صفات است استعلا

... بیان ... و در طا ... صفات است اطباق استعلا تفخیم قلقله جهر بیان ...

شدت و در ظا ... صفات است اطباق استعلا تفخیم سکون جهر بیان رخاوت نفخ و در عین

صفات است انفتاح استفال ترقیق سکون جهر بیان بینیه و در غین ... صفات است انفتاح

ترقیق سکون جهر ... رخاوت و در فا ده صفات است انفتاح استفال ترقیق سکون ... همس

رخاوت و بقول بعضی نفخ و در قاف ... صفات است انفتاح ... قلقله ...

جهر بیان شدت و در کاف ... صفات است انفتاح استفال ترقیق ... همس ... شدت

و در ... صفات است انفتاح استفال ترقیق سکون جهر بیان بینیه انحراف و در میم ... صفات

انفتاح استفال ترقیق سکون جهر ... بیان بینیه ... غنه ... و در نون ... صفات

... استفال ترقیق سکون جهر بیان غنه و ... و در ... ده

صفات است انفتاح استفال ترقیق سکون ... خفی بینیه ... و در ها ...

صفات است ... انفتاح استفال ترقیق ... و ... همس ... و در یا ... صفات ...

[illegible] مکسور [illegible] حرف بعد او [illegible] درو [illegible] حروف [illegible] تفخیم [illegible]

[illegible] بسبب [illegible] مقصود القادر [illegible] وغیره [illegible] الو [illegible]

[illegible] از [illegible] قبل او مفخم است مثل [illegible] او [illegible] کرده [illegible]

[illegible] رقیق [illegible] مثل [illegible] الف را [illegible] اما باید [illegible] ملفوظ

[illegible] است ما قبل [illegible] حروف [illegible] بطریق [illegible] خواهد [illegible] در رسالهٔ تفخیم

[illegible] ترقیق الامات و [illegible] معنی تفخیم [illegible] تغلیظ [illegible] کردن است [illegible]

[illegible] والصاد در [illegible] تفخیم است و آن [illegible] حرف [illegible] ترقیق بسبب [illegible]

[illegible] در لام ترقیق است و تفخیم [illegible] تعظیم [illegible] خواننده [illegible] کلام

[illegible] الله [illegible] الله [illegible] واقع [illegible] لام [illegible] خوانند [illegible] الله

[illegible] واذ قالوا اللهم سبحانک اللهم [illegible] خوانند [illegible]

[illegible] الله [illegible] اللهم [illegible] از [illegible] قراء

[illegible] خوانند [illegible] تفخیم خوانند [illegible]

[illegible] کرده [illegible] در رسالهٔ [illegible] جلاله [illegible]

[illegible] است [illegible] مثل [illegible]

[illegible] مثل [illegible] حرف [illegible]

[illegible] خوانند مثل [illegible] والطلاق [illegible] مطلع [illegible] ظلم [illegible] اطلع

قرات بدانکه را دو وجه [illegible] صوت [illegible] کنند اگر [illegible]

حرکت دارد یا فتحه یا کسره یا ضمه اگر مضموم یا مفتوح باشد مفخم باید خواند خواه در اول کلمه باشد یا در

وسط یا در آخر کلمه مثل ورد [illegible] رسول [illegible] الموءودة [illegible] قرآن [illegible] و اگر را

مکسور باشد مرقق ادا باید کرد هرجا که واقع شود مثل رب الناس [illegible] والعصر [illegible] بالکلیه

مطلوب و اگر را ساکن [illegible] باید [illegible] [illegible] یا عارضی [illegible]

را هیچ سهو نظر بما قبل باید کرد اگر ما قبل [illegible] فتحه دارد یا ضمه پس در این صورت

تفخیم [illegible] خوانند هرجا که باشد [illegible] و اگر ما قبل را ساکن [illegible] دارد [illegible]

[illegible] عارضی [illegible] متصل [illegible] منفصل اگر کسره اصلی و متصل [illegible] حرفی از حروف

مستعلیه در یک کلمه [illegible] مرقق خوانند هرجا که باشد مثل ام [illegible] فرعون و مریة

تفخیم باید خواند یعنی اگر ما قبل را [illegible] عارضی [illegible] دیگر عارضی است که [illegible] حرکت [illegible]

[illegible] مثل [illegible] همزه وصل [illegible] فقط [illegible] مثل ارجعی [illegible] ارجعوا [illegible] یا ما قبل را

ساکن [illegible] [illegible] مثل من ارتضی و ان ارتبتم [illegible]

یا اصلی باشد مثل الذی ارتضی و رب ارجعوا و لمن [illegible] آنکه یاد [illegible] بعد کسره

در کلمه دیگر باشد یا بعد آن را حرفی از حروف مستعلیه باشد که جامع آن قخط ضغط است

قخص [illegible] در لبالمرصاد و لصاد [illegible] قرطاس و [illegible] فرقة [illegible]

[illegible] لام ... صاحب ... و رضاع [illegible]

مضموم باشد و مجموع کسره ماقبل باید خواند زیرا که کسره عارضی در قوت نبودن آن است پس

وقت رجوع باصل کرده شد که آن تفخیم است با زبرای آنکه تا الیه شود میان کسره عارض و اصلی

بعضی [illegible] جواب است و در صورت سیوم اگرچه کسره اصلی است اقتضای ترقیق میکند لیکن

حرف استعلا منع [illegible] تفخیم است پس اینجا رجوع ماقبل [illegible] و در کلمه فرق [illegible] است

و در [illegible] بعضی تفخیم است بجهت حرف استعلا و بعضی ترقیق است بجهت آنکه میان دو

[illegible] است و در قواعد القراء و زبدة التجوید وغیره میگوید معمول میان مردم تفخیم است و در

درة الفرید میگوید که [illegible] قول معمول معروف است [illegible] از کلام [illegible] سلطانی [illegible] مفهوم است [illegible]

[illegible] را ساکن عارضی باشد یعنی وقفی بعضی حرکت ادرا [illegible] را [illegible] اند و بعضی حرکت

ماقبل او را اعتبار کرده اند اما عمل بر قول ثانی است که [illegible] پس اگر ماقبل را وقفی

مضموم یا مفتوح باشد تفخیم باید خواند مثل فعلوه فی [illegible] الکفر [illegible] و اگر ماقبل

[illegible] مکسور باشد ترقیق است مثل [illegible] و لقادر [illegible] ناصر [illegible] ماقبل [illegible] ساکن باشد

[illegible] اعتبار میکنند پس اگر مضموم [illegible] مفتوح است مثل الامور و کور و اخر

تفخیم باید خواند و اگر مکسور است باید دید اگر حرف ساکن ماقبل یا باشد ترقیق باید خواند مثل

[illegible] بجهت آنکه [illegible] و اگر [illegible] ساکن [illegible] باشد [illegible] ماقبل [illegible] کسره است

است تفخیم باید خواند مثل الفجر . و الانهار و بالاسحار مستوره کلمه [illegible]

بدانکه در سوره حجرات دو وجه دارد اول ترقیق او [illegible] است زیرا که بعد از را یا محذوفست

(15) ادا الف کنند بعد حذف یا دوم آنکه قبل ساکن [illegible] زیرا که [illegible] کسر را میان [illegible] و یا واقع

و اگر ما قبل ما قبل را [illegible] کسره [illegible] در بست تفخیم باید خواند مثل بکر [illegible] [illegible]

و حجر [illegible] در [illegible] مصر و نظر [illegible] در حالت وقف [illegible] دو وجه است لیکن در

مصر تفخیم اولی است [illegible] در حالت وصل مفخم است [illegible] و در کلمه [illegible]

ترقیق اولی است [illegible] فائده بدانکه در وقف به روم یا [illegible]

را باید تفخیم و ترقیق کرد [illegible] حکم حرکت دارد [illegible]

[illegible] اما در حالت وقف ترقیق است [illegible]

که اماله خوانده اند مثل الفجار و الابرار و النار باب [illegible] در بیان احکام نون [illegible]

بدانکه [illegible] نون ساکن [illegible]

و حرف [illegible] باشد خواه در آخر کلمه [illegible] تنوین [illegible]

[illegible] کلمه که اسم است [illegible] کلمه [illegible]

[illegible] تنوین تابع اعراب است و نون ساکن تابع اعراب نیست [illegible] همچنین در وقف [illegible]

[illegible] تنوین [illegible] دوم آنکه نون ملفوظ و مکتوب است [illegible] متحرک [illegible]

... مخرج [illegible] عبارت از بعضی گفته اند که تنوین همان نون ...

اما نون و تنوین ساکن را چهار حالت است و اصل [illegible] و بعضی [illegible] ...

[illegible] اظهار و ادغام و اخفا و قلب [illegible] که نون و تنوین را [illegible] از حروف [illegible] ...

مخرج [illegible] بعد مخرج یا بعید است [illegible] اگر [illegible] مخرج [illegible] ادغام است [illegible] اظهار ...

و اگر [illegible] اخفا است [illegible] اخفا حالتی است میان ادغام و اظهار

[illegible] بدون [illegible] آنست که [illegible] متوسط میان نون و بالعکس [illegible] مخرج و صفت

[illegible] تسفل و جهر [illegible] مخرج غنه و صفت انفتاح و تسفل و جهر موافق است با نون

و اگر نون موقوف علیه شود در جمیع [illegible] اظهار است که تا اخفا نشود [illegible] در [illegible] ...

[illegible] اخفای نون در حالت وقف مانند للعالمین و [illegible] نون [illegible] ...

اظهار آن [illegible] از [illegible] اما اظهار [illegible] در [illegible] صورت [illegible] ...

[illegible] در [illegible] نون ساکن [illegible] ...

[illegible] حروف حلق [illegible] ...

[illegible] شرح [illegible] مسطور است [illegible] اظهار [illegible] ...

[illegible] ...

[illegible] ...

[illegible]

اما اظهار النون [illegible] که کلمه در آنجا [illegible] کتاب اللباب شیخ [illegible] بر عکس در یک جا مثل دنیا و بنیان و در آن

اثنا عشر [illegible] من و ان امر [illegible] ان و نزد [illegible] مثل ینهون و ینأون

[illegible] البعض من [illegible] نزد [illegible] مثل ینحتون و من [illegible] و نزد [illegible] مثل [illegible] و من

غیرهم و نزد [illegible] مثل [illegible] و [illegible] بار [illegible] نزد [illegible] العید [illegible]

و کلمه [illegible] نزد [illegible] مثل [illegible] آخر [illegible] مثل [illegible]

خرج

و ع مثل عنوا [illegible] مثل [illegible] در اظهار نون ساکن و تنوین [illegible] کرده اند چهار

که حروف حلق چنانچه [illegible] اظهار [illegible] در [illegible] و

ارسلنا [illegible] حروف حلق بعید المخرج باشد از نون و تنوین اظهار [illegible] خوانده

شرح عقدة الفرید و المفید [illegible] که نون ساکن [illegible] در چهار کلمه که [illegible]

[illegible] باتفاق جمهور [illegible] اظهار است در جمیع قرآن اگرچه بعد نون حرف حلق [illegible]

[illegible] است چونکه [illegible] پس [illegible] و دیگر آنکه بعضی [illegible]

ثقل [illegible] کرد [illegible] نقل است [illegible] شیخ شاطبی [illegible]

[illegible] مثل اظهر [illegible] محافظت [illegible] و دیگر آنکه [illegible]

[illegible] منایح التلاوة [illegible] قاری [illegible] مذکور [illegible] اظهار کند [illegible]

[illegible] سکون [illegible]

[illegible] سکون و تنوین را اشد [illegible] غنه بین و غنه محض [illegible] الا [illegible] الاصطلاح

[illegible] فرق شود و آن نیکن غنه و لغنه تا اظهار روایت کرده اند الا [illegible]

[illegible] ادغام و آن داخل کردن حرف بود در حرف جنبانیده [illegible]

کالادغام [illegible] مخرج القرب [illegible] در شش حرف [illegible] الاحرف

یا نون ساکن [illegible] حروف [illegible] جمع [illegible] مکینه

[illegible] اول الادغام با غنه [illegible] و [illegible] ازیرا که [illegible] بدید آید [illegible]

[illegible] ادغام [illegible] یعنی نون [illegible] پنهان باشد [illegible] باقی نماند [illegible]

[illegible] معنی میگویند که نون و تنوین [illegible] میکنند از جنس [illegible]

[illegible] ادغام [illegible] اربعه نون و تنوین از حروف ملون لام [illegible] جمع [illegible]

[illegible] شده [illegible] این را ادغام محض [illegible] کامل التشدید [illegible] مثل من لقائه

[illegible] و [illegible] من ربک غفور الرحیم و مانند آن [illegible] امام یعقوب [illegible] امام جعفر [illegible]

[illegible] اظهار [illegible] اند در لام و در ادغام با غنه [illegible] در حرف یا [illegible]

[illegible] آن کلمه [illegible] ادغام [illegible] مثل من یقول و عظیم لو [illegible]

[illegible] واسع و من [illegible] عذاب مقیم و [illegible] و لو [illegible] خلف که راوی امام حمزه [illegible]

[illegible] ادغام [illegible] چونکه در ادغام متقارب [illegible]

[illegible]

[illegible] اسکنه [illegible] نمی کنند و فته [illegible] یعنی در تنوین بعد او دریا [illegible]

خواه بعد و ولی [illegible] اسکنه و دریا بعد اللام و را مخرج نقاربست [illegible]

16

[illegible] در نون [illegible] جاریست [illegible] مدغم فیه [illegible] حروف [illegible] اند کذا فی [illegible]

التوفیه [illegible] پس [illegible] و که [illegible] در یا و در واو نیست [illegible]

و در یا ادغام بی غنه [illegible] حلول و صاحب نهج مطلق آورده و گفته [illegible] و از نسب [illegible]

بعدم [illegible] متاخرین [illegible] امام سخاوی میگوید که در واو [illegible] اخفا [illegible] ادغام [illegible] اصل

ادغام [illegible] اکر [illegible] غنه مانع [illegible] اخفا ادغام [illegible] جاریست [illegible]

و هو حذف [illegible] گفته اند که [illegible] اخفاء ما [illegible] الغنة الصحیح من [illegible]

ناقص من اجل [illegible] الموجودة معه فهو بمنزلة صوت الاطباق [illegible] الادغام

[illegible] والسبب [illegible] و در اخفا و معنی اخفا در لغت پنهان کردن [illegible]

التوفیه میگوید که اخفا [illegible] بر دو نوع [illegible] اخفاء حرکت [illegible]

تا تمام گذاشتن آواز [illegible] حرکت و اخفاء نون ساکن و تنوین [illegible]

[illegible] اظهار شود [illegible] ادغام [illegible] دخل باشد زیرا که در این حالت مخرج [illegible]

[illegible] زبان را در [illegible] عمل [illegible] المصری گفته که [illegible]

[illegible] الاظهار والادغام [illegible] التشدید [illegible] و هو صوت [illegible] الالف [illegible]

بلسان [illegible] پانزده حرف [illegible] است که [illegible] بشد مخصوص صفت

است بعضی را اظهار تنوین یا نون ساکن یکی از این حروف پانزده آید باتفاق جمیع قراء اخفا

کنند [illegible] پانزده حروف [illegible] باعتبار قرب مخرج و این مخرج [illegible]

[illegible] و نون [illegible] پس [illegible] مخرج [illegible] جانب اظهار [illegible]

[illegible] این حسب تجوید [illegible] مشکل [illegible] موقوف بر

[illegible] مثال من بعد از نون [illegible] کلمه همچو [illegible] و در دو کلمه همچو من

[illegible] و مثال [illegible] بعد از تنوین همچو [illegible] سلیم [illegible] یا نون [illegible] کلمه همچو [illegible]

و ینتهون و در کلمتین همچو لن تنالوا و مثال ت با تنوین همچو جنات تجری و مثال

جیم با نون [illegible] همچو انجیناکم و در کلمتین همچو من جاء و مثال ج با تنوین همچو

صبر جمیل و مثال د با نون در کلمه همچو سندس و در کلمتین همچو من دخل و مثال

با تنوین همچو [illegible] و مثال ش با نون [illegible] همچو ینشرکم و در کلمتین

[illegible] و مثال ش با تنوین همچو [illegible] اشکورا و مثال ذ با نون در کلمه همچو

تنذیر و در کلمتین همچو من ذا الذی و مثال ذ با تنوین همچو [illegible] اذاک و مثال

[illegible] با نون در کلمه همچو [illegible] الذی و مثال [illegible] و در کلمتین همچو فان [illegible] و مثال

[illegible] با تنوین همچو [illegible] و مثال [illegible] با نون در کلمه همچو منضود

در کلمه

تمات ہم تکلم وسمیع بصیر وہنیا بالتسم لدیر نقل عن مولانا عماد
الدین دورة الفرید والاختیارات فایدگاه میباشد کہ نون ساکن و
تنوین را حرکت میدهند در صورت بعدلیلنا الف وصل واقع شود لام صمم
بود سمحرکات کسرمیدهند بجهة التقاب لینی للالتقاء الساکنین اذا
حرکت حرکت کسره و فراد باقی حرکت ضم ہہذا مثل فمن اضطر والن حکم
ولکن انظر وان اعبدوا الله ولوح ن ابنه والایمان الذي ولغلام ن اسمه
علیم ن الذي دجاء ن القلب و منیب ن ادخلوها محظوران
الخ و بدانکہ نون کہ کاهی کرمشده باشد محافظت نماید کہ غنه از دو فوت
نکردد ان الله ومن الله والجنة والناس والله روي شدہ
در مسائل تا نیاید را بده بلکہ باید کہ غنه بر وجه اکمل ادا شود چنانکه
در مقدمه است و اظهر الغنة من نون ومن میم اذا ما شددا او اخفیا
نظر ہر یکی از غنه را از نون میم وغنه مشدد باشند آن ہم
یا مخفف باشد در شناختن احوال میم ساکن و آن بر دو
قسمت میم جمع و میم غیر جمع اما میم جمع اگر موقوف
باشد مثل وعلی سمعهم و ہم و بکم در روی اشعار باشد است

مثال صاد بانون ... ساکن با تنوین در سیزده حرف اخفا ومثال قاف بانون فی کلمه

نحو ینقضون وفی کلمتین نحو من قبل ومثال قاف باتنوین نحو شهاب قبس ومثال صاد بانون

فی کلمه نحو ینصرون وفی کلمتین نحو من صلح ومثال صاد باتنوین نحو عملا صالحا ومثال طا

(18)

بانون فی کلمه نحو ینطق الطیر وفی کلمتین نحو من طیبات ومثال طا باتنوین

کلمة طیبة ومثال [illegible] بانون فی کلمه نحو [illegible] وفی کلمتین نحو من [illegible] ومثال [illegible]

باتنوین نحو ماء ثجاجا ومثال زا بانون فی کلمه نحو منزل وفی کلمتین نحو من زکوة و

مثال زا باتنوین نحو [illegible] ومثال کاف بانون فی کلمه نحو ینکثون وفی کلمتین

نحو ان کان ومثال کاف باتنوین نحو رسول کریم ومثال ظا بانون فی کلمه نحو

ینظرون وفی کلمتین نحو من ظلم ومثال ظا باتنوین نحو ظلا ظلیلا [illegible]

قلب نون ساکن وتنوین ومعنی قلب گردانیدن بود از حالی بحالی و در اصطلاح

قراء گردانیدن حرف بود بحرف دیگر و آن قلب نزدیک [illegible] بود که آن [illegible]

چنانچه در رساله [illegible] مسطور است وقلبهما میما لدی الباء [illegible]

و تنوین با آید باتفاق جمهور قراء آن نون و تنوین را بمیم بدل کرده باخفا میم با غنه

باید خواند خواه آن نون [illegible] بود [illegible] کلمه باشد مثل منبعثنا و انبئهم وانبتنا خواه

در دو کلمه چنانچه من بعد [illegible] در [illegible] کلمه [illegible] است

مثل علیهم الذلة [illegible] وقوف حالت بعضی بقایا بداند که بعد میم جمع اگر ساکن است یا متحرک

اگر ساکن است متصل است به ضمیر مثل علیهم [illegible] امام ابو عمرو [illegible] ما قبل گفته

در تمام قرآن و قراء باقیه بالضم و [illegible] یعنی میم را حرکت ضمه با وصل یا حرکت ان که واو

بخوانند و بعضی [illegible] لفظ اشباع مذکور است یعنی که ضمه میم را [illegible] یعنی چهار [illegible] دراز بکرد و

۱۹

بتمام چنانچه آید ابن کثیر در حفظ و امام نافع بروایت قالون مخیر است در ضمه و [illegible]

در اسم [illegible] اگر بعد وی همزه قطع باشد [illegible] یا مد خوانده است و الا با سکون چنانچه امام عاصم

و قراء باقیه بالسکون خوانده اند فقط کذا فی النشر والهدایه والمبسوط [illegible] مذکور

بر مذهبی که میم جمع را با سکون محض خوانند اگر بعد آن میم میم دیگر آید بالاتفاق ادغام باید کرد

مثل ما لکم من اله و علیکم ما کسبتم و هم من بعده و اگر بعد آن میم با آید مثل و ما هم بمؤمنین و انتم

و بینهم بالقسط اختلاف است و این مذهب ابی بکر بن مجاهد و غیره از اهل مصر و شام و اندلس

و سایر بلاد غرب است اختیار کرده است ابن [illegible] ابو عمرو [illegible] ابن [illegible] از محققین

و جماعه از قراء کابی الحسن احمد بن منادی و احمد بن یعقوب التائب و غیره با اظهار

بر بعضی اهل فن [illegible] اند چنانچه نزد او [illegible] اختیار کرده است ابن [illegible] مکی القیسی

از اهل عراق و سایر بلاد شرقی کذا فی شفاء القاری و در عمدة المفید [illegible]

قول [illegible] است یکی را بر دیگر ترجیح [illegible] متاخرین اختیار اظهار کرده اند چنانچه در [illegible]

مسمی است شفویه [illegible] المیم [illegible] الباء [illegible] من [illegible] الاداء [illegible] [illegible] عنه

الجمهور و عند البعض لانه لیس [illegible] خفا [illegible] دیگر [illegible] [illegible] ادغام [illegible]

[illegible] قابل کسر و اخفا [illegible] [illegible] عبارات حاشیه [illegible]

آن میم ساکنه [illegible] رسد [illegible] اظهار واجب است [illegible] و وقت اظهار واجب است مثل علیهم ولا الضالین

و کیدهم فی تضلیل [illegible] از اکثری [illegible] واقع میشود از جهت [illegible] مخرج و باس [illegible]

مقابل [illegible] استادان [illegible] علیحده یا اظهار [illegible] بعضی از آن میم [illegible]

[illegible] در شرح [illegible] میگوید که اظهار میم نزد واو و فا واجب است [illegible] قاعده

ادغام و اخفا [illegible] در دره الفرید وغیره میگوید که آن اظهار [illegible]

[illegible] اظهار [illegible] آید و در شرح [illegible] اذا کانت المیم ساکنة و بعده واو

او فاء [illegible] اظهار [illegible] ساکنة من غیر [illegible] علیها [illegible] ینطق [illegible] ساکنة

[illegible] من [illegible] من [illegible] النطق بها متحرکة

[illegible] التلاوة [illegible] در [illegible] بعضی اخفا

[illegible] اظهار [illegible] اخفا [illegible]

[illegible] تجوید [illegible] [illegible]

[illegible] میم ساکن [illegible] اظهار [illegible]

شیخ نور الدین و شهاب الدین [illegible] بنا بر این است میگویند در رسالهٔ [illegible] غایت [illegible] که [illegible]

لوجه ما یشتمل که در باب [illegible] الشفتین در زبدة القاری فقط لوجه [illegible]

اختیار کرده است اما میم غیر جمع که در پارهٔ هیچ کس باشبه نگفته که با سکان نوشته اند فقط

درین مقام اگر بعد آن میم میم آید ادغام واجب است از جهة ایجاد شرایط ادغام که اول

ساکن است و ثانی متحرک است و دوم مثل ام من یکون و کم من قریة و ازو

نحو خلق و اگر بعد آن میم ساکن بنا آید یا غیر آن اعم از ین که سکون وی اصلی

باشد مثل ام لظاهر یا عارضی مثل و من یعتصم بالله نیز اظهار است و بعضی

در بیان میگوید که ان الاظهار فیه احوط زیرا که در اخفا التباس می آید در

مغلوبه که در مثل منهم وان بود کسانی در زبدة التجوید میگوید که اظهار شرط

یا ابر علی است که ماقبل میم ساکن همزه مفتوح باشد نحو ءانذرتهم ام لم [illegible] الا اخفا است

دریغا که محافظت نماید تا شده ادا انکرد و این حفظ بسیار لازم است اگر آن میم پیش

حروف [illegible] اظهار است باب ششم در بیان ادغام متفق علیه بدانکه هر دو حرف

متماثلین و متجانسین [illegible] هرگاه حرف اول ساکن باشد و ثانی متحرک نزد جمیع قرا ادغام جایز

است بشرط آنکه حرف اول مده نباشد اعم از ین که اجتماع در یک کلمه باشد مانند یوجهه و یدرکم

[illegible] در دو کلمه مانند اذهب بکتابی و عصوا و کانوا و اذ [illegible] یجعل لکم [illegible]

و اول مده باشد مثل یا یا لمو ظا گانزد بعضی ادغام جایز نیست مثل قالوا و اتبکوا و الذی
یوسوس در صدور الناس و مده حرف علت ساکن را گویند که حرکت ماقبل موافق او باشد
در نوع مده الف که ماقبلش مفتوح باشد و واو ساکن ماقبلش مضموم و یاء ساکن ماقبلش مکسور چنانچه
گذشت و اگر دو حرف متجانس جمع شوند و شرط مذکور موجود باشد نیز ادغام هست
متماثل اگر گویند که دو حرف متفق باشند در مخرج و مختلف در صفت در صورت چنانچه
طا در تا ادغام شده هست در این کلمات اربع احطت و بسطت و فرطت
فرطتم لیکن جمهور قرا با وجود ادغام صفت اطباق و استعلا را نیز مرعی دارند
زیرا که مدغم فیه ضعیف هست قوت جذب ندارد بخلاف [illegible] طایفه که در یک
مدغم فیه اقوی حرف هست پس قوی ضعیف را جذب خواهد کرد و چهار حرف
دیگر که جامع آن لفظ [illegible] هست در متجانس و متماثل هردو مدغم میشود چنانچه بیت
[illegible] ساکن هست در طا و تا و دال نزد جمهور مدغم میشود مثل اذ ظلموا و اذ ذهب
واعلم [illegible] باید [illegible] قد اماد [illegible] در متجانس و متماثل هردو مدغم میشود
مثل [illegible] و قد دخلوا و دال [illegible] مثل [illegible]
[illegible] واعدتم و [illegible] و [illegible] مانند آن و لام
[illegible] قل بل [illegible] لام [illegible] اینکه لام التعریف [illegible]

چهارده حرف شمسیه اند در این کلمات دلنص بعض بقال طهر تمتش ادغام میکنند مثل الرحمن

والدواب والنهار والا ... والصدق والظالمین والظلمات والليل والزمر

والطیبات والذنوب والثواب والتائبون والسائلین و در چهارده حرف باقی قمریه

نمیشود الف خارج مبحث نیست اگر بعد از لام ساکن آورده الف متعذر است چه

21

التقاء ساکنین علی غیر حده مثل بالآخرة فی العشاء والجبال الحمد لله هو الله

الخالق رب العالمین بالغیب الذی نزل ان هذا القرآن ذلک الکتاب منه الماء

ترک الهمزة ... هو الهدی بالیوم و لام قل و هل و بل چون بعد از آن را در لام و را

ادغام میکنند مثل قل لهم و هل لنا و بل له و قل رب اغفر و بل ربکم مکرر کلمه

بل ران حفص که راوی امام عاصم است ادغام نمیکند بلکه سکته میخواند و مثال ادغام لام

هل باراء در قرآن نیامده است در کلام عرب بسیار آمده است چنانچه هل رأیت و هل [illegible]

و مانند آن و لام غیر اینها یعنی لام که غیر لام تعریف است مثل قل هل [illegible] هر جا که باشد [illegible]

سکون باید خواند و اظهار لام وسط کلمه کرده مثل ملجا و [illegible] علیهم

جعلنا و فضلنا و انزلت ساجد [illegible] امثال است فائده بدانکه در قول

الم نخلقکم در سوره مرسلات [illegible] اکثر قرا قاف را در کاف ادغام کرده و در ابقاء

استعلاء اختلاف است بصریان ابقاء ... و شامیان بر عدم ابقا [illegible] شیخ محمد جزری

... گفته و لهذا حسن است اما تا خیر بهتر است که ادغام بی اثر صفت است ...
... کرده ادغام جایز داشته لیکن این قول ضعیف و غیر ... و گفته اند که اما
... الله بهر دو روایت در غیر این مواضع که ادغام نکرده مگر ... در ذال ...
قول ... در سوره ... در میم ... در قول ... ابنی ...
... طسم که در فواتح سوره شعرا و قصص ... نون را در میم ادغام کرده ...
... یس را در واو و القرآن و ... در ... و اخذتم ... در تا ادغام کرده ...
اتخذتم و اخذتم ... در بیان قواعد عربیه و ادای چند الفاظ و معنی ...
در معرفت ادای ... لفظها و چند الفاظ ... ابوهریره روایت می کنند
که پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرموده است اعربوا القرآن والتمسوا غرائبه و گفته اند که یکی از جمله ...
... که ... علم عرب ...
... علمای کبار ...
... کرده اند ...
... معنی ...
... ما ...
... اخبار ...

مثلا ما تعجبون ... بعضها بعض للاستفهام ... بمعنی جعلت الاستفهام للانکار

... ملفوظ انه حرف ... تعجبا ... با یکدیگر ... من جمیع الوجوه ...

در ... اسلوب ... بعض ... ما ... تمام ... بالاستفهام

22

... بعض ... ما تعجبون ... وما تحت ... الا النفسهم ...

فما ربحت تجارتهم وما جاء بعده ... بالکفر سلیمان ولکن الشیاطین ...

قالوا ابن ... وقسم ... ابا ... اداء ... باید کرد ... ما ... استفهام ... ما غرک بربک الکریم

وما تلک بیمینک یا موسی ومالنا الا نقاتل فقال هؤلاء القوم وما ... مالا تعلموا

من خیر یعلمه الله ما یفتح الله للناس من رحمة ابن ... قسم ... مبارک ...

ادا باید کرد ... تعجب ... در تمام کلام الله ... فما اصبرهم علی النار

در ... باللغة ... ادا کند ... در ... تعجب ...

... باید کرد لفظ کیف در کلام الله ... استفهام ...

حالت شی واین ... دوم ... در ... آیت ... ذی الارحام

کیف یشاء ویداه مبسوطتان ینفق کیف یشاء ... فی السماء کیف یشاء ...

واین ... فبهدیهم اقتده ... ما ... کیف ...

... کیف ... وان یظهروا علیکم ... تعجب ... کیف ... [illegible]

ولفظ ان مکسوره مخففه بمعنی ما نافیه شرط ان کنتم فاعلین شرط مثل ... استفهام مثل من
عندکم من سلطان بمعنی اذ مثل ان کنتم ... بمعنی قد مثل ... کبیرة الا علی الخاشعین
وان ... مثل ان یوتی احد ولفظ من در کلام الله بمعنی آمده استفهام مثل من
یوتی ... شرط مثل من کان یرید ثواب الدنیا ... مثل من یقول آمنا بالله ولفظ هل ... بمعنی
آمده نفی مثل هل ینظرون الا ... استفهام ... مثل هل فی ذلک قسم لذی حجر
بمعنی قد مثل هل اتی علی الانسان ... هل اتیک حدیث موسی و جمیع الفاظ مذکوره کلم
... الا ... لفظ ما ... ملاحظه نمود دراد ...
... لفظ لولا در کلام الله بر ... معنی آمده یکی بمعنی لعل ... مثل فلولا
فضل الله علیکم ورحمته ... بمعنی هلا ... در آیه مثل ولولا یکلمنا الله ... انا
... آن ... بر عکس ...
... [illegible] ... وصل آید ... لفظ ...
... الا قلیلا در ... آن لام باواز ... اد ... ولام ...
باواز ... مبالغه باشد ... مبالغه ... اول مراد باشد باواز ...
... مثل ... در ... الفاظ
... الا ... باواز ...

دربارهٔ وقف بیان کرده میشود و لفظ لکنا که در سورهٔ کهف است حفص عن عاصم ...

خوانده است بجهت وقف عاده ... لفظ لکنا در این آیه ... هو الله ربی که در سورهٔ

کهف است که در رسم خط با الف نوشته اند چونکه در اصل لکن انا بوده است ...

بعد تغییر از جهت اصحاب اثبات ... چنانچه امام ابن عامر در حالتین یعنی باثبات الف ...

امام عاصم و ... در حالت وصل بی الف میخوانند و در وقف با الف و ...

همچنانکه در وصل بی الف و در وقف با الف میخوانند امام نافع در صورتیکه بعد از ان همزه

باشد مثل انا اتیک انا ابنکم در وصل با الف و مد میخوانند ... لفظ لشیء بلا الف ...

با یتعالی ولا تقولن لشیء انی فاعل که در سورهٔ کهف است در رسم الخط بعد از شین الف نوشته ...

للهمزه اما در تلفظ اعتبار ندارند که هیچکس از قراء سبعه و عشره با الف نخوانده ...

... از محمد بن عیسی اصفهانی نقل کرده که در ... مصحف عثمانی لفظ مذکور با الف

... بعد از لفظ اسم در قول باریتعالی بئس الاسم الفسوق که در سورهٔ ...

... در حالت اثبات همزه و وصل نوشته اند از جهت ...

تعریف در اصل ساکن است اینجا متحرک میخوانند بسبب آنکه همزه وصل ... اسم در درج ...

شد بعده التقاء ساکنین شد میان لام و سین اسم لام را حرکت کسره دادند ...

حرکت ... در قول باریتعالی ... ما نقول ... که در سورهٔ یوسف است

[illegible] ساکن [illegible] اشتمام اخفا اشارت باید [illegible] [illegible] فصول [illegible]

و [illegible] حرکت نکند. بلکه [illegible] آنست که نقطه [illegible] او را باید [illegible] و در قول ایشان

[illegible] که [illegible] بعضی [illegible] غنه در [illegible] برابر [illegible] ساکن [illegible]

واجب [illegible] یکی از ایشان [illegible] [illegible] [illegible] او از [illegible] و در [illegible]

[illegible] اشارت باشد [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] آید که آن میم و نون ساکن [illegible] باید نمود که حرف [illegible] از هوای دهان و [illegible]

از [illegible] بر جلوت تمام الا [illegible] و در [illegible] غنه بسبب مجاورت حروف [illegible] از [illegible]

پس باید که الف [illegible] و امام و اصنام و ثمار و جمال و علام و کان مثل الف اغلال

[illegible] از [illegible] اکال و علال و کال [illegible] دو واو [illegible] و [illegible] و [illegible]

و معلوم [illegible] و اعلموا و امثاله [illegible] و زبور و مغلوب [illegible] و محبوب [illegible] مکروب

[illegible] اکنده [illegible] میم و [illegible] و [illegible] و [illegible] [illegible]

[illegible] قبل [illegible] [illegible] [illegible] آید [illegible]

باید داشت [illegible] حرکات [illegible] تمام [illegible] اشباع [illegible]

اگر اندک [illegible] [illegible] در [illegible] آید [illegible] خفا [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] ضمه [illegible] او [illegible] فتحه [illegible] الف [illegible]

مثل شوند که باید در تمام القرآن ... ها کنایه همزه ساکن ... بعد   بعد از فونی ... با

۲۳

خود بشد بعد از آن اختتام با شباع ... یعنی   واو آن که کلوا و ... واو

ده اند همین قسم الا ... سلف الله ... تخواهد بود بین ... کسره ده   ... ما ...

(۷۶)

... از ... هم ... در بیان ها و واحد ...

... بیان ... که ... قرا ها کنایه ... در رساله وصل در تمام کلام الله ارجیا ...

... یا آنکه میان دو متحرک واقع ... اتباع و ما بعد ها متحرک است یا میان ده ...

واقع ... ما بعد آن متحرک است و ما بعد آن ساکن یا ما قبل ساکن است

آن متحرک است ... اول از آن صور مذکوره اتفاقی است و صورت دوم اختلافی

در صورت اول که ها کنایه میان دو متحرک واقع شود جمیع قرا ادراج ... آن ... ه

... که ... را چنان ... باید خواند اگر ... شود ... آید اگر ... بیه

در تلفظ ... مثل به ذکر با و ... در ... و ما ... شود ... در ... الحمد

... منفصل باید خواند نزدیک ... که منفصل ... و قلیل ...

حرف ... ملاقی همزه شده است باعتبار تلفظ هر چند که در کتابت ... نفخ

سوره ... و ... الم ... در سوره مریم ... هلق ... آن ... خواندم اگر ... با

... کلمه ... در سوره ... میان دو ... و ...

و در سوره ... که ما قبل آن متحرک باشد و ما بعد آن ساکن مثل لله الملک

الموت جمیع قراء و حفص ... آن الفاف است یعنی کوتاه نخوانند بسبب اجتماع ساکنین

... که ما قبل آن ساکن ... ان متحرک ... مثل فیه آیات

... ایاه ولن یتمنوه ابدا والنجم انهم ... اند از

... در حالت وصل ... یعنی ...

... وصل میکنند و اگر مکسور ... وصل ... خوانند باقی همه قراء در تمام جاها کوتاه ...

... امام عاصم ... فیه مهانا فقط ... در سوره فرقان است

... کسره ... وصل یعنی دراز میخوانند بر خلاف قاعده خود و دیگر

... در سوره ... یعنی کوتاه است نزد امام عاصم و بعض قراء

... اصل آن ... شرط افتاده است ... کلمه از ...

... اگر از قسم ... امام عاصم و حمزه ... خوانند

... جزم مختص ... سخن کرده ...

... اصل آن ... چون یا را حذف کرده

اند ... قائم مقام ... دلالت کند بر حذف یا ... و دیگر

آنکه در لغت بعضی از عرب ... که ما قبلش متحرک باشد نیز ... است

از قبیل فصل [illegible] یک یا دو سکته [illegible] حمزه و حفص رحمهما الله و از جهة [illegible]

بغیر یا خوانند [illegible] نقص [illegible] مراد [illegible] اصحاب [illegible] بکلوا [illegible]

را افتاده که در کلام الله [illegible] یقول بعضی [illegible] یقول بعضی سکته به جهت [illegible] و [illegible]

اهل کثیر و ابو عمرو [illegible] وصل [illegible] تا سکته داشته در وصل [illegible]

و ابن عامر [illegible] بکر [illegible] در روایت بدون صله در روایت [illegible]

و دیگر [illegible] در سوره کهف و علیه الله [illegible] حفص [illegible] خوانند از جهة آنکه اصل

را در کنایه ضمه است [illegible] بکر میخوانند [illegible]

مد است [illegible] مد در لغت کشیدن است و در اصطلاح قرا بر دو گونه است طبیعی و غیر

طبیعی عبارت از امتداد [illegible] که از ذات حرف [illegible] آید مثل [illegible]

و آنرا اصلی و ذاتی نیز گویند [illegible] عبارت

از امتداد [illegible] و بعضی نیز گویند و لفظ [illegible] که در [illegible]

از قدر زیادتی امتداد [illegible] الف [illegible] زیادتی [illegible]

ناچار او را سببی باید و سبب آن همزه است یا سکون [illegible] و بعضی تعظیم [illegible]

را نیز سبب گفته اند چنانچه در [illegible] الله [illegible] وقت دعا و استعاذت [illegible] مقدار

الف یا زیاده میکشند بجهة تعظیم و امام حمزه [illegible] لا [illegible] نفی [illegible] در دیگر روایت [illegible]

قصر ... مثل ... است ... در روایت حفص ... نزد جمهور معمول است و در تقسیم

مدود ... [illegible] ... الله ... سلیمان ... نکته است

... صاحب التشکیلات نزد ... بعضی پانزده و بعضی ... دوازده قسم ...

... کامل ... نزد ابو ... ثم مدود

... جمیع اقاویل را ... بطلب ... و مقصود ... قراء ...

... در بلاد ... اما مد که در روایت حفص ... مد که تعلق ...

... [illegible] ... مد که تعلق ... [illegible] ... طور دارد ...

... یکی مد متصل است که حرف مد و همزه در یک کلمه باشد و این نوع بر ... قسم

... بعد ... در موضعی است که حرف مد و همزه در وسط کلمه ...

اولئک ... آن که حرف مد و همزه ...

... [illegible] ... سوم ...

در آخر اسم باشد مثل دعاء و نداء و ... این ... قسم مد

متصل را ... قاری از قراء سبعه ... است ...

... در مصحف ... تا دلالت کنند بر آن که آن

... ماضی ... کلمه سواء ...

[illegible] مد او را [illegible] جمیع قرا [illegible] که در [illegible] جمله [illegible] والمختار [illegible]

۳۵

قرا [illegible] که [illegible] مثلنا [illegible] الله [illegible]

عاصم [illegible] امام [illegible] مقدار چهار [illegible] شیخ [illegible]

[illegible] است [illegible] امام ابن [illegible] الف است [illegible]

و امام ابو عمرو [illegible] الف [illegible] صاحب [illegible] چهار [illegible] امام

شاطبی [illegible] بدو [illegible] ورش [illegible] است و [illegible] برای [illegible]

[illegible] است [illegible] قالون [illegible]

[illegible] امام عاصم [illegible] مقدار چهار الف [illegible]

[illegible] و سوسی [illegible] قالون [illegible] ابو عمرو مقدار دو الف [illegible]

[illegible] ورش و حمزه پنج الف و ابن [illegible]

و در [illegible] در ذیل [illegible] آورده [illegible]

[illegible] استحباب [illegible] امام [illegible]

[illegible] منفصل [illegible] سیوم [illegible]

[illegible] حمزه [illegible]

[illegible] الف [illegible] است [illegible]

[illegible] بعد الف [illegible] جمع [illegible]

[illegible] باز [illegible] خود را در [illegible] حرف [illegible]

[illegible] القرآن [illegible] [illegible]

[illegible] جمع [illegible] است [illegible] دو [illegible]

[illegible] و یکی [illegible] اللام [illegible] یکی [illegible] است [illegible]

[illegible] موضع است [illegible] آمده [illegible] یکی السحر [illegible]

[illegible] وجه دیگر نیز معروف [illegible]

کالف [illegible] القصر [illegible] الآن [illegible] تسهیل [illegible] دانند که [illegible] واقع اند [illegible]

[illegible] و معروف است که [illegible] تسهیل و بعضی [illegible] مثل [illegible]

[illegible] موقوف [illegible] استماع است [illegible]

[illegible] معلوم [illegible] وجه اول که [illegible] الا بدال [illegible]

[illegible] التسهیل [illegible] [illegible]

[illegible] حرف [illegible]

[illegible] مثل [illegible]

[illegible] الف است [illegible]

١٣٥٧ [illegible]

[illegible] بعد [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] الف [illegible] و [illegible] اعلم بالصواب

بیان وقف [illegible] ابوجعفر نحاس و زجاج و دوانی [illegible]

بسیار زده اند و سخاوندی وقف فرموده وقف را [illegible] و نوشته اند [illegible]

[illegible] علی صلوات الله [illegible] التنزیل [illegible] و تجوید الحروف

[illegible] زده اند و [illegible] مسکو [illegible]

[illegible] قرآن [illegible]

[illegible] وقوف قرآنی [illegible]

[illegible]

[illegible]

وقف [illegible]

[illegible]

چهار متفق علیه [illegible]

[illegible] و مد [illegible] [illegible] آن [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] حروف [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] دوم آنکه [illegible]

و این نیز دو قسم است یا آنکه متحرک است [illegible] [illegible] در [illegible]

[illegible] [illegible] و این نیز بر دو قسم است یکی آنکه ساکن [illegible] مده است [illegible] [illegible] و قاف

۲۶

[illegible] ساکنست و صاد درین صورة باتفاق جمیع قرا مد [illegible] الف لام است که در اول سوره آل عمران

[illegible] میم [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] که آن [illegible] [illegible] [illegible] میم [illegible] الله [illegible]

[illegible] داده بلفظ الله وصل کرده میخوانند و در تحفه میگوید که در اینجا همه قرا قصر [illegible] و

[illegible] [illegible] از [illegible] زیاده کرده اند بواسطه [illegible] و این [illegible] [illegible] [illegible] حرف

[illegible] [illegible] در سوره مریم و شوری که [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] آنکه حرف [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] داشته اند دوم [illegible] بنا بر آنکه یک [illegible] موجود است [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] داده اند [illegible] [illegible] است [illegible] [illegible] ابو [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] الف

در سوره یوسف

اول در سوره ... بیس ... الف ... عوجا

(27)

... سوم در سوره ... نون ... راق ... سوره ...

دوم ... آنست که ... یک بوقف باشد از بوقف گویند ... و در ... چند ... بوقف

کرد ... و قف ... باشد و بعضی البته که ... و بعضی ... میانه

و ... جزری ... وقف ... ست اختیاری است ... اضطراری ... اما

... کلمات بر کلمه قرآن که ابتدا از ما بعد او صحیح باشد توقف کنند ...

... اما بعد آن ... اضطراری آنست ... نفس ...

... کلمه و میان ... وقف کنند ... معنی فاسد میشود ... باشد ... کلمه ... ایستاده شود ...

... ابتدا از ... وجوه وقف اختیاری ... که ...

... اما آنچه نزد ... قرار ... مستعملات ...

و در ... ادغام و حرف ... است ... چهار وجه اول از آن متفق علیه

جمیع قراءت ... چهار ... و ... وجوه باقی ... قراءت ...

... [illegible] ...

[illegible] انزل ما انزل من قبل [illegible]

... [illegible] ...

يعذب عظيم [illegible] در حالت نصب حكم [illegible] وارد [illegible]

[illegible] چنان [illegible] اعراب [illegible] و قطع كلمه حاصل [illegible]

[illegible] است با [illegible] [illegible] الواقعة [illegible] بان [illegible] بالعلوم [illegible]

[illegible] حرفت است [illegible]

[illegible] با سقاط حركت [illegible] از جهت [illegible] اگر در [illegible] قرآن [illegible]

[illegible] باشد و [illegible] وقف [illegible]

[illegible] در [illegible] موضع است [illegible]

[illegible] باشد [illegible] عليها [illegible]

[illegible] الانسان و دوم [illegible] حرف [illegible]

[illegible] و دوم [illegible] حرکت [illegible]

[illegible] الف [illegible]

الروم [illegible] است که [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

ول وقتی [illegible] [illegible] حرکت کامل و الی [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] یعنی [illegible] حرکت [illegible] بودن [illegible]

را خواندن [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] وحرکت [illegible]

بن منصوب کلام [illegible] که در [illegible] الروم تصعف الصوت بالحرکة

(٢٨)

[illegible] معظمها [illegible] اتی [illegible] [illegible] [illegible] باشمام است که در لغه کو بابدن [illegible]

و در اصطلاح قراء [illegible] اشمام بر چهار نوع است نوع اول ضم الشفتین

[illegible] [illegible] [illegible] ولب [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] کردن [illegible] [illegible]

۲۸

[illegible] علیه بعد از اسکان و در [illegible] السلام و [illegible] [illegible] [illegible] و اوردن [illegible]

[illegible] بعد از سکون [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

مانند لسوی [illegible] [illegible] باد ای آن [illegible] [illegible]

مذکور گذشت [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

نوع [illegible] غایت و نابینا در نمی یابد [illegible] از اشمام در وقف [illegible] [illegible] چهار

[illegible] [illegible] [illegible] الاشمام [illegible] الطباق الشفتین [illegible] [illegible]

نوع دوم خلط حرف بحرف [illegible] در نقط [illegible] [illegible] وکیف

[illegible] [illegible] [illegible] القرآن که [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

... [illegible] نقطه [illegible] حمزه [illegible] اشمام کسب [illegible] مثل اصدق حدیث

باب [illegible] اشمام [illegible] الوقف [illegible] اشمام [illegible]

[illegible] بحرف [illegible] الصاد [illegible] ثابت [illegible] امام

[illegible] و اشمام در [illegible] ضمه خوانده اند نوع چهارم اشمام

در مثل قیل و غیض و مانند این [illegible] شعبه [illegible] و ابو عمرو [illegible] اشمام نیز گفته اند و آن

بودن حرکت [illegible] که اثرش باقی ماند و بعضی ثلث [illegible] حرکت را قرار داده [illegible] در

[illegible] نوع پنجم اشمام [illegible] است در سکون [illegible] در کلمه تامنا و اخفاء حرکت

[illegible] مثل [illegible] اشمام نیز گفته اند لکن مشهور نزد اهل اداء [illegible] است

در یوسف است این است که از [illegible] شعبه رحمه الله دو وجه مرویست [illegible] تامنا

[illegible] یکی شبه ساکن کردن با فصل [illegible] حالت

[illegible] تامنا [illegible] و این وجه اولی گفته اند چراکه مذهب اکثر است

[illegible] ادغام [illegible] اشمام [illegible] اشمام [illegible] اشاره [illegible] نون

[illegible] در حالت ادغام و این مذهب [illegible] است [illegible] آسانست [illegible] اهل [illegible]

را اختیار کرده [illegible] ان [illegible] غیر [illegible]

[illegible] تامنا ادغام محض [illegible] کرده اند [illegible]

[illegible] و این قول بعضی است و بعضی بر آنند که در جمیع وجوه [illegible] وقف [illegible]

و این مختار [illegible] محققان است [illegible] در [illegible] و جمیع [illegible] کرده است و جماعتی از [illegible]

تفصیل کرده و [illegible] مخصوص بفعل [illegible] چنانچه [illegible] یا مکره باشد مثل

[illegible] یا با واو و یا باشد ساقطه علاقه [illegible] علیه وقف بروم [illegible] جایز

و در غیر این جا صورت [illegible] لیس در جایی که ما قبل آن حرف [illegible] ساکن

مثل [illegible] یا مستعمل [illegible] باشد مثل [illegible] یا الف باشد مثل [illegible] جایز

قسم چهارم آنست که موقوف علیه میم جمع باشد مثل [illegible] قیهم و منهم و ابهم

[illegible] آنست که موقوف علیه متحرک باشد بحرکت عارضی مثل [illegible] لین

انفصل و من [illegible] و مجزوم [illegible] حرکت [illegible] و حینئذ که از جهت تنوین عوض عارض

شده [illegible] چه [illegible] در اصل [illegible] اوکان [illegible]

و حینئذ در اصل [illegible] وقت تنوین [illegible] می شود و باز

بسکون [illegible] و نوع ثانی آنست که وقف بروم و اشمام باشد فقط

و این در [illegible] است که در حالت وقف محذوف [illegible] مثل [illegible]

یا موقوف علیه [illegible] باشد مثل [illegible] اختلاف این فرع [illegible]

[illegible] وقف بروم [illegible] لغت [illegible] بعضی [illegible] روم [illegible]

چهارم ... النبا من حیث لم ... ادغام ... حمزه که بوجه ... قالون باشد ادغام محض بدون اشمام ... بدانکه

29

... اینکه ... شده ... غالب نمودیم است کذا فی ... العرب ... پس از روی ... مشهور وعشره

... یغلب ادغام بغیر اشاره ... یعنی ... که اول ... مضموم باشد بضم ... ثانی بحال خود

... شده ... بسبب انکه خلاف ... است و تنغلب ... شود تکرار ... و ابو عمرو

امام عاصم و عیسی و ... بفک ادغام ... اشاره خوانده اند کذا فی مجمع البیان

(249)

و تعیین محل ... با اسکان و روم و اشمام بدانکه وقف عبارت از اسکان و روم

و اشمام بر چهار نوع است نوع اول آنست که وقف باسکان جائز است فقط بروم و از

جائز نیست و این نوع بر پنج قسم است قسم اول آنست که موقوف علیه مفتوح ... باشد

مثل و لا الضالین و لا ریب ... قسم دوم آنست که موقوف علیه ساکن باشد ...

... مثل فلا تنهر و لا تمنن فلیقل او یغلب ... جز ... قسم ... آنست ... که موقوف علیه ...

باشد که در حالت وصل وقف ها گردد مثل رحمة ... و نعمة و بحجة و الملائکة و نحوه ...

با ها و ضمیر باشد و آن ها یا عبارت ما قبلش ... قسم ... است زیرا که ما قبل وی خالی ... ساکن نیست

... حرکت است ... متحرک است ... یا مفتوح است مثل ... یا مضموم مثل اسمه یا مکسور مثل ...

خالی از ... است ... صحیح است مثل ... باشد صحیح و آن ... باشد مثل اجتباه و خذوه

... است مثل ... و نشروه و ... والیه ... که در ... اقسام مذکور وقف بروم و اشمام ...

حروف روم غیر متعدد در روم لکن کیفیت آن اشکال ندارد
آرد که در صورت اول وقف بروم از بهر آن قابل اند که روم قائم مقام حرکت و الا
حذف یا در صورت ثانی اگر وقف باسکان کنند موجب حذف حرکت
در روم حذف نیست
اختلاف است بعضی میگویند که در مفتوح مشدد وقف بروم واجب است چنانکه در
میگویند و یجب الادغام علی کلمة آخرها حرف مشدد در مکان مفتوح کذا فی شرح المقدمة
الشیخ محمد بن شریف سمرقندی و بعضی میگویند که نه بروم در مفتوح مشدد و غلط خطا است
نص علما وارد است بلکه صواب در مفتوح مشدد وقف باسکان است با تشدید و
جمیع النشر و جعبری و شرح شاطبی این را با اطلاق گذاشته و لفظه
و لم یره فی الفتح والنصب قاری و عند امام الجزری فی النشر علامة فی التعبیه
والطیبت و بعضی گفته اند که در صورت صواب وقف باسکان است اگر ما قبل آن
موقوف علیه مفتوح مشدد حرف مده باشد مثل صواف والدواب والاقطار
مضار در درة الفرید میگوید که بعضی از حذاق این فن در مشدد و منصوب بتشدید
کرده وقف باسکان میکنند و تلفظ آن بغایت مشکل است خصوصا در حروف قلقله
و شدیده که مشکل تر است چرا که جزم این حروف سخت است و نفس آن

بان کشیده ممنوع . نوع ثالث . آنست که وقف باسکان و روم هر دو جائز باشد

این در دو موضع آنست که موقوف علیه در حالت وصل مجرور باشد یا مکسور چنانکه اصلی مثل الذی

... و من الناس و هؤلاء ... فارهبون و علیهم و ربهم و سموات ... باشند

نوع چهارم آنست که وقف باسکان و روم و اشمام و هر سه جائز باشد و این در یک موضع آنست که موقوف

علیه در حالت وصل مضموم باشد یا مرفوع چنانکه اصلی مثل السماء و ... صالح و عذاب عظیم و الله الذی

... در بیان مد و قصر قبل وقوف علیه بدانکه در وقف ... و اشمام هر دو اگر

ما قبل موقوف علیه حرف مده باشد مثل سریع الحساب و ترون و طالعین ... فراوری

... خوانده اند در ... وجه جائز داشته اند مد طول یعنی سه الف و توسط یعنی دو الف

و قصر یعنی یک الف ... طول یا توسط باشد اصل است چنانچه در ... علیه مدوعه

سکون الوقف ... اصل ... وقف بروم ... قصر است ...

در سراج القاری ... لا بالسکون ... الروم ... العصر ... فی الابن شریح ...

بتوسط ... مالک یوم الدین که مکسور ... چهار وجه

... طول و توسط و قصر باسکان محض چهارم قصر است با روم و اگر ... الف ...

... منصوب

... یعنی دو الف و ... الف ...

... ...

و باب العلم و جاءنا العلم با اشمام و یک وجه با روم و آن قصر است و طول آن که در توسط با روم نیز
نیز روا داشته است هفت وجه می‌شود و در کلمه و ما آتیان نیز در حفص و لغم ها خوانده است و در حالت وقف
سه وجه باشد بقول اکثر که توسط با روم نیز روا داشته هفت وجه باشد و در بعضی ... خوانند
با قصر و مد بر مذهب ... نیز خوانده اند و در مثل و لا الضالین و ...
آن که مفتوح الاخر است ... بعد ... تا روایت ... مفتوح اند
روم و اشمام جایز نیست بنا بر آنکه فتحه ... و اگر ما قبل موقوف علیه حرف
مد باشد طول و توسط جایز است پس اگر موقوف علیه مضموم است ... قصر درست که
آن ... با قصر و اشمام با قصر و روم است و اگر موقوف علیه مکسور است مثل ...
از ... وجه جایز نیست که آن سکون بقصر و روم است و اگر مفتوح موقوف علیه است مثل کفر
... یک وجه جایز است که آن سکون بقصر است و اگر قبل موقوف علیه حرف لین
مانند موت و خوف و میت و خیر جمیع قراء در حالت وقف و اسکان و اشمام ...
آن قصر و توسط باشد جایز و محقق علیه است و طول آن نیز خوانده اند جماعه در نحو او ... است
... حرف مد اولی است در لین اضعف و اگر بعد آن واو و یا همزه باشد مجوشی و سوء
در وصل جمیع قراء است فقط ... وقف با اسکان و اشمام نزد ... طول ... و توسط
قصر است ... که آن توسط و قصر است و در ... حال ... در لفظ که ...

و خواندن آن در حالت وصل از روش شمس مشغول است و در مثل البغضاء و لستم و الیمی نزد جمهور

در حالت وصل بخلاف جز اول وجه دیگر جایز است یعنی اگر موقوف علیه همزه باشد و قبل او مد لازم

شود و باشد [illegible] تسهیل [illegible] و در [illegible] یک الف نیست از برای آنکه سبب مد در وصل همزه

بود که در حالت وقف نیز جایز و موجود است پس در لفظ [illegible] در حالت وقف [illegible] جایز باشد

مد با سکان و روم و اشمام در لفظ [illegible] پنج وجه که آن مد با سکان و روم است و در لفظ [illegible]

یک وجه که مد با سکان باشد فصل پنجم در بیان مراتب وقف بعد [illegible] و علامات

آن بدانکه قدوة السالکین شمس العارفین مقتدا از اهل الیقین امام عصر امام دهر شیخ ابو جعفر

طیفور السجاوندی قدس سره وقف را بر پنج مرتبه قرار داده است لازم مطلق و جایز و مجوز

و مرخص و هر یکی را علامتی واضع نهاده است چنانکه میم علامات وقف لازم است یعنی

باید وقف البته باید کرد و اگر وصل خواند معنی متغیر میگردد و تشنیع میشود نزد [illegible]

در مثل و ما هم بمؤمنین اینجا وقف لازم است اگر بر مؤمنین وقف نکند یعنی با یخادعون

متصل بخواند پس تقدیر چنان میشود که ما هم بمؤمنین یخادعون زیرا که لفظ مؤمنین [illegible]

و جمله که بعد نکره واقع میشود صفت نکره میگردد و در تقدیر است معنی چنان مفهوم میگردد

آن قوم مؤمنان مخادع یعنی ایشان مؤمن اند مخادع هستند [illegible] آنکه مراد نفی ایمان

از ایشانست و اثبات [illegible] مر آنها را [illegible] آن وقف میم در سوره بقره هشت موضع است [illegible]

و از اد و ... بعد از مشاره ... انک اذاً لمن الظالمین و ... یستخرجون من الذین امنوا

فی اسرائیل ... بنی موسی ... فضلنا بعضهم علی بعض ... ان اتیته الله ...

مثل الزبد ... و در سوره آل عمران ... موضع ... و ما یعلم تأویله الا الله ... و نحن ...

و نحن اغنیاء و در سوره النساء ... موضع ... ان یکون له ولد ...

... موضع ان تعتدوا ... و ان ... اولیاء

... علی ... و در سوره انعام ... موضع و ای ...

کما یعرفون ابناءهم ... احق بالامن ان کنتم تعلمون و در سوره اعراف ... موضع و

الی ثمود اخاهم صالحا و لا یهدیهم سبیلا ... کانت حاضرة البحر و در سوره ...

موضع و لا یهدی القوم الظالمین بعضهم من بعض اولیاء بعض و در سوره یونس ... موضع

و لا یحزنک قولهم و اتل علیهم نبأ نوح و در سوره هود ... موضع ... اولیاء

و الی ثمود اخاهم صالحا و در سوره الحجر ... موضع عن ضیف ابراهیم ... ننقصها ... و در

سوره نحل یک موضع ... الاخرة اکبر و در سوره بنی اسرائیل ... موضع و ان ... عذابا ...

... و در سوره کهف یک موضع هنالک الولایة لله الحق و در سوره مریم ... موضع و اذا ...

مریم ... الامر ... عند الرحمن عهدا و در سوره طه ... موضع هل اتاک حدیث

موسی ... و در سوره حج یک موضع من بهیمة الانعام و در سوره مومنون دو موضع

علی صورتهم یا فطون من تحلیل اعناب و در سوره بنی اسرائیل [illegible] موضع و اضرب [illegible] منها و اتل علیهم

نبأ ابراهیم و در سوره قصص یک موضع و لا تدع مع الله الها آخر و در سوره عنکبوت سه موضع

[illegible] لبیت العنکبوت و ان الدار الآخرة لهی الحیوان و در سوره یس [illegible]

موضع اصحاب الجنة و من نعمره فلا یحزنک قولهم و در سوره والصافات یک موضع و ان من شیعته

لابراهیم و در سوره ص یک موضع و هل اتیک نبؤا الخصم و اذکر عبدنا ایوب و در سوره زمر دو موضع [illegible]

والعذاب الآخرة اکبر و در سوره مومن دو موضع انهم اصحاب النار ذالکم الله ربکم [illegible]

و در سوره زخرف یک موضع قوم لا یؤمنون و در سوره دخان سه موضع رب السموات والارض و

ما بینهما و قالوا معلم مجنون [illegible] عائدون و در سوره ذاریات یک موضع ضیف ابراهیم المکرمین

و در سوره طور یک موضع فی خوض یلعبون و در سوره قمر دو موضع فتول عنهم فی ضلال و سعر و [illegible]

رحمن یک موضع یکذب بها المجرمون و در سوره واقعه یک موضع لوقعتها کاذبة و در سوره حشر یک موضع [illegible]

العقاب و در سوره منافقون یک موضع انک لرسول الله و در سوره تحریم یک موضع امرأت

فرعون و در سوره ملک یک موضع و یقبضن و در سوره قلم سه موضع العذاب الآخرة اکبر [illegible] صاحب الحوت [illegible] انه

لمجنون و در سوره نوح یک موضع لا ترجون و در سوره نازعات چهار موضع [illegible] خاسرة

حدیث موسی و در سوره عبس یک موضع من شاء ذکره و در سوره غاشیه یک موضع [illegible] و در سوره [illegible]

علیه احد و در سوره [illegible] که وقف لازم [illegible] اصح [illegible] موضع [illegible] علامت [illegible]

نیز معتبر باشد و هم جایز است بلکه از برای تمامی کلام اولی است اگر وقف کند و ابتدا از ما بعد موقوف

۳۳

نماید [illegible] تر باشد از جهت عدم اسباب اتصال و از متصل نمودن [illegible] (در نحو قوله

تعالی مالک یوم الدین چه وقف مطلق است چونکه [illegible] تمام شد و ایاک نعبد ابتدای نوع

دیگر است [illegible] علامت وقف جایز است [illegible] ایستادن و از نشستن [illegible] بود جائز

وقف [illegible] و الیه المصیر و وصل نیز نیکو [illegible] باشد و اینجا وقف کردن اولی است مثل [illegible] ما انزل

من قبلک وقف جایز نماید زیرا که واو [illegible] وصل است [illegible] بر ما عطف [illegible] قطع است و علامت وقف

مجوز است و وصل [illegible] بود هم وقف اما وجه وصل ظاهر [illegible] مثل [illegible] اولئک الذین اشتروا [illegible]

بالآخرة فلا یخفف [illegible] جواب [illegible] وصل است [illegible] فصل [illegible] و علامت

وقف میکنند [illegible] وصل اولی است [illegible]

[illegible] اگر [illegible] شود جایز است که وقف کنند [illegible]

باشد [illegible]

[illegible] مثل قوله جعل لکم الارض فراشا و السماء بناء [illegible] وقف [illegible] عطف است

بر جعل [illegible] الذی [illegible] تمام دارد و وقف [illegible] مختلف [illegible] نوشته

باشد [illegible] علامت [illegible] آیه است در وقف بر [illegible] مسنون است [illegible] میگویند که وارد شده

در حدیث ام سلمه رضی الله عنها که نبی صلی الله علیه و آله و سلم چون قرائت میکرد قطع میکرد و قرائت را آیة آیة و [illegible]

واحمد و غیر ایشان نیز همین قسم روایت کرده اند و نیز در شرعة الاسلام از کتب سجاوندی نقل است
و ابو عمرو نیز اختیار کرده است نزد من و اختیار کرده است این را بیهقی در شعب الایمان و غیره
و گفته اند که افضل وقوف بر رؤس آیه است اگرچه باشد مر او را تعلق با بعد و گفته اند که اتباع
رسول صلی الله علیه و آله و سلم اولی است و هم او را گفته اند که الا اتفاق و در مقصود ... میگوید اگر آیه
خبر باشد بخصوص ... تابع آن حرف است و در ... العزیز ...
که آیه از لازم یا مطلق جمع شود توانند بود که ... وقف و اگر آیه مجاز جمع شود وقف
کند یعنی منع جواز وصل و اگر آیه مجوز جمع شود اتحاد مساوات کند و اگر مرخص جمع شود وقف جایز نیست
و اعلم ... وقف ... هیچ وجه وقف نباید کرد اگرچه اضطراری باشد و اگر ... کلمه
و بیش از آن ... وقف کند و عود آن کلمه لازم دانند و در قواعد القرآن میگوید که فرق میان آنکه
لا باشد و میان آنکه هیچ نباشد آنست که ... هیچ وجه روا نیست که توقف کند در وی
هیچ جهت وقف اضطراری میتوان کرد یعنی اگر ... شود باید ایستادن و اعاده و بوصل کردن
یعنی ابتدا از ما بعد آن نکنند و اگر آیه و لا باشد بخصوص لا که ضد یکدیگر است ترک وقف
اولی است فاما ... اگر وقف کند ضرورة و در ... وقف جایز جهت اعاده است
بوصل جایز مروی است از ابن عباس رضی الله عنهما که روزی نماز گذارد و خواند در رکعت نماز
اول ... الم ذلک الکتاب لا ریب فیه هدی للمتقین و در رکعت ثانی سوره ... والذین

بوقف الی آخره و در دیره الوقف بد مسلکوید بعضی گفته اند اگر آیه سیاتی از علامات وقف با عدم و

بیشود آیه تمام آن علامات است و آن کلمه نیست چرا ... از ... شود لیکن اگر تعیف ... در

لا جمهور ... که حاجت اعاده نیست اگر ... بر ... اعاده لازم بود ... شنیم

در بیان رمز لا وقف متاخرین زیاده کرده اند آن ... و فرنو ... بعضی ...

ند اند ... در وقف ... قبل است ... بعضی آیه ما وقف قایل شده ... بعد بیان ... وصل

در متاخرین میگویند که بواسطه قبل ... اولی است که علامت کذالک است یعنی این محل ...

بان دارد هر چه از علامات وقف مطلق یا لازم و جایز و غیر آنها که پیش از وی کذشته ...

اینجا نیز همان علامت ... باید چراکه دلایل ایشان با یکدیگر مطابق است ... علامت ...

ست یعنی از روی ادب توقف اند ... نفس بایر کرد و ما بعد ... از ... وجه ...

و من وجه متغایر میباشد چنانچه در قول الله تعالی ربنا ظلمنا انفسنا ... است چراکه ...

انقطاع حجه است و آن لم تغفر لنا و ترحمنا ... سکت است و سکته برای آن کرده اند که من وجه وصل است

و من وجه وقف و وقف عبارت از آن است که توقف ... از سکته بقطع نفس شود چنانچه مذکور

کرده شد و گفته اند که سکته بوصل اولی است و در وقفه توقف ... در متاخران ... بر توقف یعنی

... اولی است و نزد ... معنی ... عبارت از قبیل ... است یعنی نزد بعضی ...

بوصل ... بعضی لا یوقف اما در قول مختار ... است بعضی بآن قایل شده اند در اینجا که ...

وصل است وصل علامت شبه وصل است یعنی اولی ترک وصل است صیغ علامت اولویت وصل
بعضی گفته اند که وصل و صلح هر دو جایز است اگر شان است وصل علامت بیان رمز و دیگر خصوصیت قصد
ندارد فاما در مصاحف برای آنکه کتب [illegible] در دیار منسوخ شده بود و لیکن [illegible]
نداشت ایمه کبار و الا تبار این چند رمز را وضع کرده بر سر آیتی که در عدد اختلاف بوده تا علم بود
تا آیتی که مجاز درباره عدد آیا کوفی یا شامی یا بصری یا غیر ایشان باشد مشخص کرده و آن رموز این است
کوفی [illegible] بدانکه در عدد آیات
بعضی سور کوفیان و بصریان اختلاف کرده اند اگر ایشان در ده آیه متفق اند بر علامت
آیات عشر بر این شکل ع می نویسند و نزد بعضی ی را می نویسند زیرا که بحساب ابجد
ده عدد [illegible] اگر ایشان متفق در پنج آیه اند بر سر آنها بدین صورت ه می نویسند
که بحساب ابجد ها پنج عدد است و اگر در میان کوفیان و بصریان اختلاف واقع شود
در عشر کوفیان [illegible] بر سر عشر آیات می نویسند و در عشر بصریان
عب می نویسند که عین علامت عشر است و با از عشر بصریان و در خمس بصریان خب
که خا علامت خمس است و با بصریان و در یک آیه تب می نویسند که تا علامت آیت
و با علامت بصریان حاصل معنی آنکه این [illegible] بصریان است لیس علامت [illegible]
نزد کوفیان باشد که کلام عبارت [illegible] است و تب [illegible] بصریان است یعنی این آیه [illegible]

نیست چه برای آنکه ایست نزد مدنی اول بنا بعضی شش صد و بیست و ... برای ... منسوب بشدندان آنچه

نزد بعضی هر که مدنی منسوب بشدند مکه مراتی که نزد دیگران شمار مراتی که منسوب بود شش مراتی که نزد

شیخ بود هم مراتی که نزد حمصیان بود جمیع آن را هم معاینه و ابو شریح و ابو الحسن ... اسعد

اسمعیل بن عباس عفیهم رحم الله رحمة شیخ ایوب بن متوکل که نزد کاتبان علامة ابیات ایست ... مرقط

که او نیز معتبر علامت است و در بعضی مصاحف ... نوشته اند که خمس ... کوفیان جمع ... است

و در عشر کوفیان ... است ... خمس ... بصریان ... است و در عشر کوفیان و بصریان

است فاید بدانکه در هر جایی که بر سر الف یک نقطه سرخ باشد حذف و اثبات آن مساوی است و اگر بر سر آن

دو نقطه باشد حذف از اثبات آن راجح است فصل ششم در بیان وقف بطریق امام الدین

علیه الرحمة والغفران بدانکه امام مذکور وقف بر شش مرتبه قرار داده است وقف تام و کافی و مفهوم و صالح

و حسن و قبیح اما وقف تام آنست که در کلام تام باشد بعد از ما بعد خود مستغنی باشد بلفظ و معنی و در

آورده است که وقف تام اکثر در رؤوس آیه می باشد مثل قوله تعالی اولئک هم المفلحون و گاه در اثنای کلام

مثل قوله تعالی اعزة اهلها اذلة و این وقف تام را شرح گویند و وقف کافی آنست که در کلامی باشد که کلام

تام باشد ... در معنی متعلق است و در لفظ منقطع چنانکه با بعد خود مذکور دیگر باشد و هم از مذکور سابق

علیهم ام لم تنذرهم ... اینجا وقف کنند ابتدا از ... با بعد ... وقف مفهوم آن باشد که هر کلامی بود مفید و مفهوم ...

مسلم بر طریق سؤال و جواب ... قوله تعالی و اذ قال ربک للملائکة انی جاعل فی الارض خلیفة در اینجا وقف مفهوم است

و نقدس لک نیز وقف مفهوم است و امثال این و وقف صالح آن بود که هر کلامی باشد مفید اگرچه ...

تمام بود از سبب آنکه اثبات سبب آن میرسد قوله تعالی وقالوا اتخذ الله ولدا سبحانه در اینجا وقف صالح است
و وقف حسن آنست که اگرچه بر آن وقف اختیار کرده‌اند میان کلام مختلف یا میان الفاظ مختلف از جمله
تمام نشده باشد یا بر ما بعد مشتبه شود وگفته‌اند قوله تعالی ختم الله علی قلوبهم وعلی سمعهم اینجا وقف حسن است ما در یکی
ختم بر قلوب و سمع واقع است نه بر ابصار و در قول او تعالی غشاوة اینجا وقف حسن است و بعضی گفته‌اند
و وقف ... وقف بیان گفته‌اند و بعضی وقف جایز گویند و وقف قبیح آنست که وقف بر کلمه کرده شود
که در معنی فساد واقع باشد و سبب آن وقف معنی متغیر شود و در الفاظ مکتوب که القبیح هو الذی لا یفهم منه مراد
پس اگر بضرورت وقف کرده شود در غیر آن البته رجوع بما قبل کرده شود که کلام متصل شود و فایده او
بجهة آنکه منع کرده‌اند اگر اعتبار نکند آثم گردد و اگر بقصد وقف کند نعوذ بالله منها واین وقف
مشروع نیز گویند چنانچه در قول او تعالی بعد الذی جاءک من العلم وقف کند و ابتدا کند از ما لک من الله
من ولیّ ... و اگر وقف کند بر قوله تعالی من بعد ما جاءک من العلم و ابتدا کند از انک اذا لمن الظالمین
خطای عظیم وارد و اگر بر قوله تعالی هیهات هیهات وقف کند و ابتدا کند از لما توعدون لغایت
قبیح است و بر قوله تعالی ان الله هو المسیح ابن مریم ولقد کفر الذین قالوا وقف قبیح است و علی هذا القیاس
امثال این مواضع بمعنی وقف نکند خواه اختیاری باشد خواه اضطراری لیکن قاری قرآن باید که این معنی
را محافظت نماید و اگر نتواند رجوع باستاد نماید و در موافق وقوف سجاوندی وقوف ... عمل
نماید تا از این اثم خلاص شود بدانکه گفته‌اند وقف کردن بر نفی که بعد او اثبات باشد چنانکه لا اله
الا الله و ما خلقت الجن والانس الا لیعبدون و امثال این مواضع قبیح است و گناه عظیم است نعوذ بالله

کذا فی الاتقان و در سورة القمر ما تقصا ... و بیان اقسام وقف ... اند ... لسان

... بدانکه وقف نوع است تنفس و اسکان و روم و اشمام و قصر و اتمام و اضافه تنفس مثل لوامه ... ما

و لتجالب ... و ... بینه و حافظه ... اللّه ... ده و مانند اینها و این وقف ...

آن ... که ... از حروف ... وقف ... آنچه ... جریان و وقف اسکان

... مستطرا کذبا قولا قیلا ... لیلا و ... آنکه عبرت ... و ازکار

و در ... مد ... و وقف ... مثل ... الضالین و المفلحون و عذاب عظیم و ما تعبدون ...

و ذو انتقام و الارحام و مانند آن وقف ... بر ... که اگر ما قبل موقوف علیه لین باشد

مثل حرف ... و سبب او ... مد ... و اگر قبل موقوف علیه لین باشد مثل

حرف آنرا وقف لین گویند و وقف همزه مثل ... و السفها ... و مانند اینها

وقف همزه بجهت آن گویند که در وقف بر همزه کرده می شود و وقف قصر ... و ... ما قطع و ما

آدم و وقف قصر برای آن نامیده اند که در حالت وقف مد داده می شود و وقف اتمام مثل علیهن و رب مستقیم

و الارض ... و ... و مانند اینها و وقف اتمام برای آن می گویند که در ... و ... وقف

... بعض ... لاحظ ... می شود و جمهور ... اتمام برای آن گویند که در حالت وقف

... از حرکت مسموع نیست و وقف اضافه ... از ... کرده اند ... کرده اند

مثل ... فاتقون و ارجعون و اطیعون و حافظات فلا تفضحون و لا تخزون و تستعجلون و کذبون

...اتی یحضرون و لا یظلمون و تکذبون و مانند آنها خصائص هشتم در بیان وقف منزل برای

...ده والله تعالی اعلم [illegible] در تعداد وقفات منزل اختلاف است بقول بعضی شانزده

است و بروایتی [illegible] و وقف منزل آنست که مشهور [illegible] صلوات الله علیه قرآن ر

حضرت اصفی الاصفیاء و اتقی الاتقیاء [illegible] انبیا صلی الله علیه و آله و سلم خوانده

[illegible] منقطع شود و بناچه [illegible] موضع [illegible] بعزیمت قرائت یکی از آن مواضع قوله تعالی

من ولی ولا نصیر [illegible] بعد ربی الذین آتیناهم الکتاب است دویم قوله تعالی یعلمون [illegible] که بعد

[illegible] الحق من ربک فلا تکونن من الممترین فی آیه سیوم قوله تعالی ولا هم یحزنون [illegible] که بعد

الذین یاکلون الربوا آمده است چهارم در سوره حج قوله تعالی والصلوة [illegible] که بعد [illegible]

[illegible] و همچنین علامت وقف [illegible] اما استادان اول است برای وقف [illegible] رحیم در سوره

[illegible] شود [illegible] ششم [illegible] هم انهم اصحاب النار [illegible] کسانی

[illegible] تحقیق کرده اند [illegible] موضع دیگر برایشان زیاده کرده اند هفتم در سوره مایده اولیا

هشتم در سوره انعام [illegible] همچون [illegible] بروایت [illegible] نموده اند یک موضع دیگر [illegible]

[illegible] در سوره اعراف است و در غرائب القرآن [illegible] جا شمرده لیکن [illegible]

در مایده اولیاء و در اعراف [illegible] و در [illegible] اصحاب النار و در

[illegible] و در [illegible] هم در بیان وقف نبی بدانکه وقف نبی

صلی الله علیه وسلم میتواند که قطع باشد بجهار بیان و بایدلکه چند جایست در

سوره [illegible] حجر استادان این فن منصوب بوقف نبی صلی الله علیه وسلم

تا هیجده موضع است اول در سوره بقره قوله تعالی فاستبقوا الخیرات

دوم نیز در سوره بقره من لعنه الله سیوم در سوره آل عمران

ربنا [illegible] تاویله چهارم در سوره مائده قوله تعالی من اجل ذلک

پنجم نیز در سوره مائده قوله تعالی فاستبقوا الخیرات (37) ششم نیز در سوره مائده

قوله تعالی ما المسیح الا هفتم در سوره یونس علیه السلام قوله تعالی عند ربهم

و نزد بعضی قوله تعالی قل ای و ربی انه لحق هشتم در سوره رعد قوله

والذین استجابوا لربهم الحسنی نهم در سوره القدر قوله تعالی [illegible] الغرب نیز

نزد بعضی نسخه قوله تعالی من کل امر دهم در سوره [illegible]

کذا فی درة الفرید اگر در غیر این مواضع وقف کند بر انکه مخالف پیغمبر علیه السلام

عظیم [illegible] نیست و به ترک [illegible] خوف عصیان است واجب در [illegible] الفرائد

[illegible] نزد بعضی این مواضع [illegible] مخالف [illegible] موضع در بقره

یکی فاستبقوا الخیرات دیگر من خیر یعلمه الله موضع در آل عمران تاویله الا الله

شش موضع در مائده یکی من النادمین دیگر فاستبقوا الخیرات دیگر قد علمتم و [illegible]

[illegible] ... ودر آل عمران ... الناس ... ودر ... انه الحق ودر یوسف یکجا

[illegible] ... ودر هود یکجا ولیعذب الله الا القتال ودر ... یکجا

حلفا ودر لقمان یکجا لا تشرک بالله ودر حم مومن یکجا

ودر نازعات یکجا فحشر فنادی ودر قدر یکجا من کل امر ودر نصر یکجا [illegible]

در بیان وقف معانقه نزد متاخرین این را وقف مراقبه و

مبادله نیز گویند و معانقه در لغت ... ردن یکدیگر اندر آغوش و بغل گیری کردن

دو کس را گویند و در اصطلاح قرا عبارتست از دو محل وقف که پهلوی هم دیگر

واقع شود این نوع وقف را معانقه برای آن نامیده اند که آن دو محل گو

گویا که با یکدیگر دست ... [illegible] ... گفته اند یعنی که اگر از یکی گذرد دیگری نگذارد

بدانکه معانقه ... نزد متاخرین که موافق تفسیر ذکر کرده اند هر ده

موضع است از آنجمله در سوره بقره سه موضع قوله تعالی لا ریب فیه وقوله تعالی ...

ومن الذین اشرکوا وقوله تعالی ... لعلکم تتفکرون ... در سوره الانفال یکموضع قوله تعالی

محرمة ... [illegible] ... الا وجدان یوقف علی ...

در سوره مایده یکموضع قوله ... [illegible] ... من اجل ذلک وگفته اند که

ذلک را جواز للانه وقف النبی صلی الله علیه واله وسلم ودر سوره اعراف

شرح ...

سه موضع قوله تعالی تابهم لذلک و وقف بر تابهم اصح است و قوله تعالی ... تشبیه
نعم تقف بر یعنی آخر مکوست و قوله تعالی من الجن و ما مسنی السوء و وقف بر جن
سوره هود یک موضع قوله من قبل هذا فاصبر و وقف فاصبر ... است
و در سوره ... یک موضع قوله تعالی ... و در سوره قصص یک موضع قوله تعالی
... اصحاب الایکه ... و وقف بر موضع ... و در سوره ... الا قلیلا
منهم و در سوره مومن یک موضع قوله تعالی سیدخلون ... و در سوره دخان یک موضع
38
... طعام الاثیم کالمهل و در سوره فتح یک موضع قوله تعالی فی التوراة والانجیل
... و وقف بر انجیل ... و در سوره ممتحنه یک موضع قوله تعالی ولا اولادکم یوم القیمة
و در سوره انشقاق یک موضع قوله تعالی ان لن یحور بلی و در سوره ... قوله تعالی من کل
امر سلام و در سوره ... میگویند و قیل لا یوقف ... امر و الله علی السلام
... علی امر و لا علی السلام ... علی ... علی سلام عمل بر قول ... کرد
از جمله وقف نبی صلی الله علیه وسلم ... نظم کلام ... مواقف
... لسطی ... و ... و ... با تصویب
... ... از ... رحمت ... از ... فی ...
... در بیان وقف معانقه نزد متقدمین ... معانقه نزد ...

شمرده موضع وقف لازم ... یک موضع مذکور است و منشأ خرابی منقول ...

آن ثبت کرده ... رعد ... است موافق تفسیر ...

یک موضع ... و آمنوا و در سوره آل عمران یک موضع ان المؤ...

سوره مایده یک موضع ولم تؤمن قلوبهم ومن الذین هادوا و در سوره ...

یک موضع ... کالذی هم یعجبوا فیها ... سوره توبه یک موضع منافقون ومن اهل

المدینة مردوا علی النفاق و گفته اند که ... وقف کنند بر ...

کنند بر المدینة و بر علی النفاق و کسی ... وصل کند بر منافقون ...

علی النفاق و در سوره ابراهیم علیه السلام یک موضع وثمود الذین من بعدهم

... ثلاثة ... موضع واحدة کذلک و عبادة ... علی العرش و در سوره

... یک موضع ... ذکری و در سوره احزاب یک موضع عورة ...

و در سوره زخرف یک موضع حم والکتاب المبین و در سوره ...

حم والکتاب المبین و در سوره محمد علیه الصلوة والسلام یک موضع ...

ذلکم ... و در سوره الطلاق یک موضع یا اولی الالباب الذین آمنوا ...

... یک موضع ... و در سوره مدثر یک موضع اصحاب الیمین فی جنات ...

در جنات ... اولی ... وقف ...

شماره ...

عبارت [illegible] شیخ است که در وقف آن [illegible] [illegible]

[illegible] النبی صلی الله علیه وسلم [illegible] است که [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

اولیا و دوم در سوره انا لمبعوثون [illegible] و چهارم در سوره [illegible] فاسقا و لا یستوون و پنجم

مواضع در سوره یس [illegible] [illegible] رسول الله صلی الله علیه وسلم نزد بعضی بر کلی

نیز وقف غفران [illegible] است [illegible] نوشته اند [illegible] [illegible]

[illegible] و در سوره الزمر میگوید و آن [illegible] می نماید به هر دو عمل کرده شود یعنی اگر بر مسلم

وقف کرده شود بر معنی تا هر کدام که احق باشد در عمل آید و دوم در سوره ملک و نقیض بر

در بیان وقف غفران [illegible] در کلام [illegible] علما و اهل سنت (39)

جماعت [illegible] علیهم الرحمة والغفران [illegible] ملاحظه نموده اند

[illegible] که اند چنانچه این قلیل البضاعت در قسمت تحریر می آرد که در [illegible]

کردن بسیار [illegible] مواضع واقع [illegible] ملاحظه تمام [illegible]

[illegible] در این [illegible] غفران [illegible] علما در

آن موضع [illegible] کرده اند چنانچه [illegible] باتفاق شیخ الاسلام

کافه انام شمس الائمة الحلوانی [illegible] که آن وقف [illegible]

مده است که لیست تو بابت آن معنی نه جا صید و ذکر نشنی

لازم اطلاع و ورود دین محمد صلی الله علیه وآله وسلم صحیح روایت شده شیخ

علیه الرحمه کی به معنی ما شرعی در سر حلقه اهل سنت جماعت است فعلی باب

رسالهای نوشته و بیان نموده که است و بعضی از علمای دیگر نقیضه اسم کسی دیگه

مواضع عمدا رعف کند و حال آنکه قواعد تجوید و اعراب هیدا سند تدارک علماء

نموده اند که در نماز و غیر نماز و در کجا بجای است نماز وی فاسد گردد و ذکر در چاره

عبارت آنهم گردد و حکم بکفر بنا بر تعمد آن مواضع اینست چنانچه در سوره

ست موضع قوله تعالی علی ملک سلیمان وما کفر سلیمان وقوله تعالی ورح

علیهم وقالوا اتخذ الله ولدا وقوله تعالی بما تعملون بصیرا وقالوا

لن یدخل الجنة و در آل عمران ست موضع قوله تعالی انتم لا تعلمون ما کان

ابراهیم یهودیا وقوله تعالی لقد سمع الله قول الذین قالوا ان الله

فقیر ونحن اغنیاء وقوله تعالی ویتفکرون فی خلق السموات والارض ربنا

ما خلقت هذا باطلا و در نساء دو موضع قوله تعالی سبحانه ان

یکون له ولدا وقوله تعالی یوصیکم الله فی اولادکم و در مائده

هفت موضع قوله تعالی وقالت الیهود والنصاری نحن ابناء الله

وقوله تعالی من بخارهم

و قوله تعالى ... الى السرى ... الله ...

لا تتخذوا اليهود والنصارى اولياء و قوله تعالى لعنوا

بما قالوا ... وقوله تعالى ... اليهود يد الله مغلولة

و قوله تعالى و ما ... من الله ... قوله تعالى ... للناس ... الى

من دون الله ... موضع قوله تعالى ... تشهدون ان مع الله آلهة

اخرى قوله تعالى بديع السموات والارض انى يكون له ولد و قوله تعالى

اتل ما حرم ربكم عليكم الا تشركوا بالله شيئا ... قد

افترينا على الله كذبا ان عدنا في ملتكم ... سوره ... موضع قوله تعالى

٣٦

60

وقالت اليهود عزير ابن الله و قوله تعالى و قالت النصارى المسيح

ابن الله و قوله تعالى و جعلوا الذين كذبوا على الله ... يونس عليه السلام

الا ان اولياء الله لا خوف عليهم ... موضع قوله تعالى قل لا

اقول لكم ... و قوله تعالى ... اعلم الغيب و قوله تعالى ... ولا اقول

انى ملك ... يوسف عليه السلام ... موضع قوله ... لفي ضلال مبين

يوسف او اطرحوه ارضا يخل لكم ... قوله تعالى همت به وهم بها لولا

ان رأى برهان ربه ... سوره ... موضع قوله ... نفعا ولا ضرا قل هل

[illegible] وقوله تعالى [illegible] من [illegible] والنور

وجعلوا لله شركاء خلقوا كخلقه و در ابراهيم پنج موضع

قوله تعالى [illegible] افي الله شك فاطر السموات والارض وقوله

ما انا بمصرخكم وما انتم بمصرخي وقوله تعالى انى كفرت بما اشركتمون

من قبل وقوله تعالى ولا تحسبن الله غافلا وقوله تعالى فلا تحسبن

الله مخلف وعده رسله و در حجر يك موضع قوله تعالى يا ايها الذي نزل عليه

الذكر انك لمجنون و در نحل دو موضع قوله تعالى وقال الله لا تتخذوا

الهين اثنين وقوله تعالى ان الله لا يهدي القوم الكافرين

و در بني اسرائيل يك موضع قوله تعالى افاصفاكم ربكم بالبنين واتخذ من الملائكة

اناثا و در كهف يك موضع قوله تعالى وينذر الذين قالوا اتخذ الله ولدا

و در مريم يك موضع قوله تعالى عند الرحمن عهدا وقالوا اتخذ الرحمن ولدا

[illegible] يك موضع قوله تعالى [illegible] هذا [illegible] و در انبياء يك موضع قوله تعالى

[illegible] الله ما تعبدون و در نور يك موضع قوله تعالى من شجرة مباركة

زيتونة لا شرقية و در فرقان يك موضع قوله تعالى اسجدوا للرحمن قالوا

وما الرحمن و در شعرا يك موضع قوله تعالى قال فرعون وما رب العالمين و در قصص

يك موضع

با جميع علم مسند

... وايي

تا كان يدعو

قوله تعالى ... ما ... كن ابى ...

يقولون ... بالله ... و در ... يك موضع قوله تعالى وعجبوا ان

فقال الكافرون هذا ساحر كذاب و در زمر يك موضع قوله تعالى

الله من قبل و قيل ... و در ... يك موضع

... هامان و قارون فقالوا ساحر كذاب و ... [illegible]

ذرونى اقتل موسى و قوله تعالى لا تكونوا بالله ... [illegible]

... و در ... يك موضع قوله تعالى ولكن ظلمتم ... [illegible]

... يك موضع قوله تعالى قل الكافرات ... [illegible]

... و در فتح يك موضع قوله تعالى محمد رسول الله والذين معه

... و در طور يك موضع قوله تعالى يتنازعون فيها كأسا

لغوا فيها و در ... يك موضع قوله تعالى ... [illegible]

... و در حشر يك موضع قوله تعالى اذ قال ... [illegible]

در ... قوله تعالى ... استغفر ... [illegible]

و در قلم يك موضع قوله ... لما سمعوا ... و يقولون ... [illegible]

قوله تعالی را [illegible] تفسیر

[illegible] بغالب

بعید ما [illegible]

[illegible] ی

[illegible] ب و [illegible] [illegible] ودر [illegible]

[illegible]

[illegible] در کلام و [illegible] موضع [illegible] قوله تعالی لکافرون لا اعبد ب

ل [illegible] تعالی ما لا اعبد [illegible] انا عابد [illegible] خلاص [illegible] ملکم

[illegible] حفظ [illegible] [illegible] کم [illegible] امثال [illegible] ابا حون

[illegible] اهل سنت [illegible] ثقاة علم قرائة [illegible] قدر [illegible] تصحیح آورده اند ما [illegible]

[illegible] مقدار [illegible] بر ذکر [illegible] چند مواضع [illegible] در بیان [illegible]

[illegible] در مشکوة آورده است عن ابن عباس رضی الله عنه قال النبی علیه الله

الصلوة و السلام اقرؤوا القرآن بلحون العرب و اصواتها و ایاکم و لحون اهل الکتاب

و لحون اهل الفسق [illegible] بخوانید قرآن را با آهنگهای عرب و با [illegible]

[illegible] آهنگهای یهود و نصاری و اهل [illegible] فانه سیجیئ بعدی قوم یرجعون بالقرآن

ترجیع الغناء و الرهبانیة و النوح لا یجاوز حناجرهم ترجمه پس بدرستی که [illegible]

[illegible] بعد من قومی که تکرار کنند قرآن را مانند تکرار کفتن اهل سرود و اهل [illegible]

[illegible] نصاری [illegible] و اهل نوحه [illegible] قرآن از کلوی ایشان [illegible]

[illegible] مفتونة قلوبهم و قلوب الذین یعجبهم شأنهم ترجمه [illegible] خواهند [illegible]

[illegible]

[illegible] بعد [illegible] التشهد از جمله [illegible]

تحسين الصوت بالقرآن و تشبيه با حاديث النبي [illegible]

[illegible] الصوت [illegible] تحسين [illegible]

[illegible] قال النبي صلى الله عليه وآله وسلم زينوا القرآن باصواتكم و در شرح

[illegible] زينوا القرآن بالصوت فان حلية القرآن الصوت الحسن

الصوت بالقرآن ان يرى السامع ان يخشى الله [illegible] القراءة [illegible]

[illegible] واصواتها وهو على لحن الفصيح [illegible] الذي لا يشتبه حرف [illegible]

ولا يدخله زيادة ولا نقصان ولا تحريف و يجتنب [illegible] اهل الفسق [illegible]

فانه غشيته عليه وعلى من يستمع اليه كذا في لسان [illegible] البيت

[illegible] بدانكه لحن در قرآن حرام است بالاتفاق جميع علما و لحن در لغت [illegible]

گردانيدن [illegible] در اعراب و در اصطلاح قراء لحن دو قسم است لحن خفي و جلي [illegible]

[illegible] ابن عباس و مجاهد روايت است لحن در قرآن دو است جلي عبارت از

خطا در اعراب است و خفي عبارت از [illegible] هر حرفي چنانچه حق [illegible]

از تجويد [illegible] ميگويد كه لحن جلي خطا در اعراب است و در خطای كلمه

و زياده كردن حرفی بر اصل كلمه و كم كردن حرفی [illegible] را نقص

زبان عمر ملحون ... محمد حرف ... [illegible] ... [illegible]

[illegible] العمر از انکه باعث اعراب شد یا باعث بر آوردن حروف از محل [illegible]

— [illegible] ... [illegible] عمیق ... یافت و در مجمع سلطانی میگوید

[illegible] باب الجمعة ... [illegible] شود ... [illegible] رش شاه شود و در قاضیخان

[illegible] نوشته باللحان بان غیر الکلمة تفسد صلوته والکلام انما فی حرف

المد واللین وهی الیاء والواو والالف لا تفسد الا اذا فحش و در مطالب

[illegible] اللحان بتغیر نظم القرآن وتجاوز حد التنزیل مکروه شد

الکراهة [illegible] جماعة من السلف و در خلاصه [illegible] قراءة قرآن باللحان

[illegible] غیر الصلوة [illegible] عامة المشایخ کرهوا ذلک وکره الاستماع ایضا [illegible]

[illegible] آورده [illegible] ان باللحان معصیة والتالی والسامع اثمان و در ذخیره

من المشایخ من قال یجوز اذا سلم من تغیر الکلم والحروف [illegible]

النغمة فقد یجوز   در مجالس قراءة بود که مجالس قراءة بسیار است چنانکه

در [illegible] آورده است وهی کبیرة [illegible] نزد قراء مشهور [illegible]

را [illegible] باید نمود [illegible] تمکین [illegible] و گذارد [illegible]

[illegible] از مخرجش بجمیع صفات [illegible] آنچه تجوید [illegible]

مخا [illegible] الدلیل

و لصلاة

و بعدا خواندن که

منقولات ملاصدرا

و وقوف از روی لزوم و تجوید طلبی نقل از او قول شیخ [illegible]

بتوفیق واز روی تامل و عدم تامل ولو چی لفظه آمد [illegible] توفیق [illegible]

و زاده دیگری در اثنا خواندن تبیین و آن ادای حروف و حرکات [illegible]

[illegible] ملتبس شود بعضی به بعضی تا سامع را الحصه [illegible] و آن قائم [illegible] حرکات

[illegible] اشباع و اختلاس بر وجهی که قبول کنند ادراک [illegible] و [illegible]

[illegible] و آن خواندن قرآن است با اماله کبری و صغری یعنی بین بین تحقیق

وجه لازم بودن است [illegible] در ادای حروف و کلمات [illegible] منقول [illegible]

تفکر و آن خواندن قرآن است بتفکر و تدبر و متوجه بودن [illegible] خواندن در [illegible]

[illegible] و معانی آیات تحسین و آن خواندن قرآن است با آواز با [illegible] و خوش [illegible]

[illegible] تغییر حروف و [illegible] و حرکات و سکنات بر وجهی [illegible] مخلوط نشود بصوت

بلکه اجتناب از روی لازم دانند و [illegible] آن [illegible] خوانند [illegible]

بردادن

در تجوید

… المواهب فی القراءة

بسم … رب سهل … اللهم اجعلنا من الذین یتلون کتاب الله حق

تلاوته … قراءة لا تعد ولا تحصی بود بنابر کثرة چندی را آورده شد

آنچه مقصد است علم باید دانست که تجوید در لغت نیکو کردن است و در اصطلاح قراء استعمال

… تجوید … که بعضی شتابی کردن از تلفظ حرف اول جانب حرف دیگر قبل

از آن … و آن مظهرات را اخفا کردن و ادغام خواندن است بموضع …

… خواندن … و آن مشدد خوش است حروف مخصوص

… و آن لحن است با تغنی و آواز کردن است مثل … مطلق …

آواز … بر بعضی حروف با حرکات از قدر زیاده و تغلیظ است در …

تشدید و آن سخت کردن آواز است در … قراءة و … است

حرف و … است باید که … از مکان …

… و ترجیح … توقیف و آن وقف کردن است در …

مقصود [illegible] بیته استاد

[illegible] از نفس زدن [illegible] کلمه وکلام صریح

کلمه وکلام [illegible] چون [illegible] آورد نیست بطریق [illegible]

کلمات ومواضع [illegible] ترتیل [illegible] آنکه [illegible]

و مبالغه [illegible] است در [illegible] تشدید [illegible]

واو [illegible] بفتح الف و [illegible] کسره یا تنقیص یعنی

حرف و [illegible]

محرج [illegible] چنانچه بعضی از بنی تمیم [illegible] قلقله [illegible]

مخففات را مظهرات [illegible] مفخم را مرقق [illegible] و ساکن را متحرک [illegible]

[illegible]

[illegible]

(۴۴) در بیان استعاذه بدانکه

[illegible] است اما افتتاح قراءة قرآن با آن سزاوار است

[illegible] نقل [illegible] از تفسیر [illegible] که ان الاستعاذه لیست

من القرآن ولکنها ادب ادب الله تعالی بها نبیه لقوله فاستعذ

بالله یعنی استعاذه پیش از تلاوت قرآن [illegible]

متعوذ باللّه [illegible]
بیان استعاذه [illegible] قرائت القرآن [illegible]
که استعاذه قبل از قرائت [illegible]
[illegible] تعوذ [illegible] لیکن [illegible] فاستعذ بالله [illegible]
[illegible] الرجیم [illegible] آورده است که الاستعاذه [illegible] قرائة القرآن [illegible]
[illegible] [illegible] الاستعاذة [illegible]
[illegible] استعاذه برای قرائت قرآن خواه در نماز خواه در غیر نماز [illegible]
[illegible] در نماز [illegible]
[illegible] از شیطان پس [illegible] دیگر [illegible]
[illegible] الکفایات [illegible]
[illegible] عالم علیه الصلوة والسلام [illegible]
[illegible] امام حسن علیه [illegible]
[illegible] اعوذ بالله [illegible] میان [illegible]
[illegible] آورده [illegible]
[illegible] قرائة [illegible] بقرائة و تعلیم و تعلم [illegible]
[illegible] استعاذه [illegible]
[illegible] استعاذه [illegible]

اعوذ بالله

اعوذ بالله بجهة حمزه و خلف اختیار کرده اند امام ... و ...

... شیخ شاطبی علیه الرحمه اورده در بیت ... و فصل ...

فی کالمسدوی ... و این ...

للقراء فاستعذ جهرا من الشیطان بالله مسجلا ...

... این بیت که ... خوانده اگر ... باشد در ...

عبارت است و در ... السلاوة می آرد که در نماز ...

رد امام شافعی رحمه الله دو قول است ... در ... اختلاف الفاظ

مانند اکثری گفته اند که اعوذ بالله من الشیطان الرجیم باید خواند این قول

... عاصم و کسائی رحمهم الله و بعضی اعوذ بالله العظیم من الشیطان

... اکثر ... کرده اند و بعضی اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

... از عاصم و کسائی نیز خوانده اند و بعضی گفته اند اعوذ بالله

من الشیطان الرجیم و این قراءة ابو عمرو و بصری است و بعضی اعوذ بالله

السمیع العلیم من الشیطان الرجیم منقول است و این قراءة ابن عامر و شامی است

و بعضی نستعیذ بالله من الشیطان الرجیم ان الله هو السمیع العلیم خوانده اند

و قراءة امام حمزه و کوفی است و بعضی استعیذ بالله ... و نیز از امام حمزه ...

آورده‌اند و اختیار کرده است صاحب هدایه از جمله مشایخ [illegible] و در

[illegible] او [illegible] در ظاهر [illegible] القرآن [illegible] ده و دیگر [illegible]

[illegible] مشکو [illegible] للاستعاذة علی [illegible] الوجوه [illegible] الا [illegible]

[illegible] بیت [illegible] الا [illegible]

[illegible] نقص حاجة [illegible] اعوذ بالله من الشیطان الرجیم ان الله

[illegible]

[illegible] عراق و شام [illegible] و بعضی [illegible]

ان الله هو السمیع العلیم نیز خوانده‌اند [illegible] اعوذ بالله من الشیطان الرجیم ان الله

نیز خوانده‌اند [illegible] العلیم خوانده‌اند و بعضی اعوذ بالله من الله العظیم

[illegible] سلطانه [illegible] من الشیطان الرجیم خوانده و روایت کرده‌اند از ابو داود [illegible]

[illegible] علیه و آله و سلم و بعضی اعوذ بالله القادر من الشیطان الغادر [illegible]

و [illegible] ابو الحسن [illegible] از حمزه بروایت خلف اعوذ بالله من الشیطان [illegible]

الفاحش نیز خوانده از [illegible] اعوذ بالله [illegible]

و بعضی اعوذ بالله من الشیطان الرجیم الخبیث الخبیث والرجس النجس

[illegible] ابو القاسم الشاطبی [illegible] لفظ [illegible]

[illegible] من [illegible] فی [illegible] القرآن

[illegible] فی الاستعاذة من [illegible]

[illegible] و عامه فقهاء کابی حنیفه و الشافعی و احمد [illegible]

اهل ادا اعوذ بالله من الشيطان الرجيم است زيرا كه ليست ... ولزيانه كريمه

نيست ديگر آنانكه در احاديث صحيحه از نقيسم آمده چنانچه در تفسير ... آورده و ...

بخاري بقراءة امام عاصم اعاده كرده است روايت كرده كه مرد ...

بيزير خلف ... اعوذ بالله السميع العليم من الشيطان الرجيم الف

وليكن بگو اعوذ بالله من الشيطان الرجيم ... من ... الله ...

صلى الله عليه وسلم ... جبرئيل و ميكائيل ...

... فرموده كه اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بايد خواند ...

فايده بدانكه در كار عشره وغيره ميگويند قاري مخير است ميان آنكه استعاذه وقف كند

وصل كند استعاذه را بالجهر وي كه بسمله با ... ديگر قرآن ... كلام ...

... كه اولى در وقف است زيرا كه در مصحف ... كلمات ...

... در بيان بسم الله ... بسم الله الرحمن الرحيم

(46)

... است ... جمهور برانند مستحب است ... قاري ...

... اول بسمله گويد ... آغاز قراءة قرآن بنام ...

سوره و در بعضي كتب ... كه در ابتداي سوره مخير است ميان بسمله ...

سوره فاتحه ... بسمله گويد خواه ابتدا كند خواه وصل كند ... اعوذ

زيرا كه ... وكوفه بسمله را آيه فاتحه گفته اند در اول سوره توبه

اتفاق ... بسمله نگويد سوره ابتدا يا وصلها ...

چون بعضی رضی الله عنه بعث ... سوال کرد از ابی که هر سوره بسمله فرموده اند

این سوره برائت نفرموده اند ... ام الکتاب ... آمین فلان ... و دلالت

... و این سوره برای جدا کردن ... قران ... لقاه ...

... فرمان ... فاقتلوا المشرکین حیث ... وجدتموهم وقاتلوا المشرکین

... هر کس ... الا کفا ... ضال دارد

... نقل ... رضی الله تعالی عنهم ... نصران ...

سوره ...

... برای همین در اول این سورت بسمله ننوشته اند

... عایشه ... عبدالله ابن ...

... از امیر المومنین عثمان بن عفان رضی الله عنه سوال کردم

در اول سوره برائت بسم الله ننوشته جواب داد اول سوره که در مدینه

... انفال ... و آخر سورت برائه ... سوره نازل شد

... علیه و آله الصلوة والسلام ما را کفی ...

... سورت برائه نازل شد ... علیه و آله الصلوة والسلام ...

... فرموده ما را نفرمود در این سوره ... بسم ... قصه سوره برائت

... و میان ایشان ... هر سوره

ان بخوانند با فاصله میان دو سوره و بغیر و بعضی ذکر والقراءة از

بسمله با بخواند واگر وصل با نقال که بسمله آیت لما دخل من الفاتحه

در اوساط سورت نیز در جمیع قراء است قاری میان آنکه لب

کتب بر استعاذه کما فی التیسیر ...

... الرحمن الرحیم ... و قول صحابه

دربیان اختلاف بسمله میان السورتین بدانکه چون قاری سوره را ختم کرد

... ابتدا کند بسوره دیگر در میان همه قراء سبعه بسمله نقل و ...

... اوردن البسمله و اینه بین السورتین دو وجهاست ...

الثانی وقفا ... و عند الباقین لمن ...

... وجه است میان دو سوره نزد ابو عمرو ... و نزد ...

... حمزه و ورش ... و جایز است ... ابن کثیر ... عاصم

من الفاتحه من کل سوره ...

... بسمله ... و لعله ... بسم الله

... بسوره دیگر است و بعضی جزو آیه اول لفاتحه ...

... التسمیه ... الفصل و الترکیه ... فاتحه ...

ابو جعفر رحمه الله نیز از آن آمده است ... سبعه و
[illegible] میان دو سوره ... فاتحه است و نه جز سوره [illegible]
بخواند خواه فاطمه ... است کذا فی قلائد المرجان
[illegible] بخوانند الفصل ... بسمله و سکته کافی [illegible]
[illegible] میان ... مطلقین و بین ... و بین [illegible]
ناصر ... وصل و سکته نیز مستحسن داشته اند و امام مالک و ... اصحاب
بین مذهب اختیار کرده اند بسم الله الرحمن الرحیم قرآن [illegible] و امام ابو عمرو [illegible]
[illegible] بین السورتین ... قول است بسمله خواندن [illegible]
سوره ... بسمله ... وصل و قطع بین السورتین ... روایه ... سکته
بین السورتین در روایت دیگر و مراد از وصل اینجا عدم [illegible]
[illegible] است و مختار فی مذهب ... ابو عمرو و ابن عامر
من غیر قطع و ابن مجاهد ... وصل بین السورتین [illegible]
[illegible] روایه سکته کذا فی النشر ... در حالت قصر خوانده [illegible]
[illegible] است و لا یعتد الطوال و التوسط مع السکته [illegible]
[illegible] قول اول را اختیار کرده مستحسن ... اند [illegible]

بخود شروع [illegible] الحمد رب العالمین باید که لام تعریف را از وقف اظهار تام

ادا کنند و همچنان میم را نیز با ثبات [illegible] ساکنه و تحریک تلفظ نماید و همان حمد [illegible]

شده و منفصل از و قرئت نشود [illegible] قاعده [illegible] در [illegible] بیان [illegible]

مفخم ادا باید کرد [illegible] از جهت [illegible] قبل تشدید لام [illegible] ادا کنند که کم از زیاده تلفظ [illegible]

تشدید او همان حرف را گویند [illegible] اول [illegible]

[illegible] تشدید [illegible] لام تعریف [illegible]

[illegible] رب العالمین را مفخم باید خواند از جهت [illegible]

[illegible] لام تعریف که بعد وی است [illegible] سکون [illegible] و تحریک ادا [illegible]

[illegible] نرم و باریکتر ادا نماید و فتح لام موافق قاعده [illegible] ادا کنند [illegible]

[illegible] که بعد میم [illegible] ملاحظه تمام بی غنه ادا نماید از جهت [illegible] آن میان [illegible]

[illegible] خواند البته لغنه ادا میکرد [illegible] بر نون عالمین با وجود [illegible] وقف [illegible]

صفة بموصوف [illegible] لا نوشته اند [illegible] وقف [illegible] اعاده [illegible]

الرحمن الرحیم لام [illegible] با ادغام تمام ادا کرده [illegible]

[illegible] که بعد میم است با یک [illegible] ادا [illegible]

[illegible] حرف [illegible] تمام غنه ادا کرد و بر میم الرحیم [illegible]

[illegible] وقف [illegible] اتصال صفة بموصوف لهذا اینجا آیه لا نیز نوشته

و امام عاصم کوفی را امام است مجموعا اند بالله با اثبات الف [illegible] میم

[illegible] با الکابکم میم خوانده اند و مفعول را حذف کرده اند [illegible] چه توصیف [illegible] الخ

[illegible] منازل [illegible] الذین خوانده بود و قیاس [illegible] الف [illegible] کسر و ابو عمرو این عار [illegible] را ند

[illegible] الف [illegible] الف [illegible] بسم خط [illegible] شد ملکا بضم میم خوانده

بعد بیان تقدیر حذف [illegible] و امام ابو [illegible] در حالت وصل میم الرحیم را در میم ملک [illegible] خوانده

[illegible] عام کرده باید یک الفی در الفی و [illegible] الفی خوانده است و این نوع را

کسره گویند [illegible] نیز خوانده است و باقی قرار در هر حال باظهار خوانده اند و در

الدین [illegible] حرکت نزد جمیع قرار وقف سکون و روم هر دو [illegible]

[illegible] در باب وقف بیان کرده شد قوله تعالی ایاک نعبد و ایاک نستعین

فتح واو را [illegible] ادا کرده [illegible] همزه [illegible] بخوانند و چندان [illegible]

[illegible] سخت و باریک [illegible] روشن گوید [illegible] گوید که جیم [illegible] و الف

[illegible] خوانند و حرکت کاف ضعیف تر گوید و حرکت نون را قوی تر گوید و [illegible]

[illegible] مثل [illegible] نخوانند امام ابو اللیث علیه الرحمه

الله [illegible] کاف [illegible]

[illegible] المستقیم [illegible]

[illegible]

وجه دوم بسمله بین السورتین مخصوص دو فصل اول فصل
حسابک بدانکه احفظک الله تعالی که بسمله در صورت قراءت خوانا
وجه اول ... بر سوره دیگر جایز است و جماعت ائمه ... و دیگر
بسمله غیر مقرر است که تکرار بسمله اول آخر سوره را با بسمله وصل کند و بسمله
با اول سوره دوم وصل کند ... بسمله الله الرحمن الرحیم الم وجه دوم آنکه
... وقف کند بر آخر ... بسمله وقف ... العالمین بسم الله
وجه سوم ... بر آخر سوره اول وقف کند بسمله را با اول سوره دوم
... الضالین بسم الله الرحمن الرحیم الم وجه چهارم ... غیر ... آن
... والضالین بسم الله الرحمن الرحیم الم ... احتمال دارد ... بسم الله ... سوره
باشد این حکم قابل ... بسمله ... این سوره آمده است برای ... کرده
(49)
... بسمله بر سوره خواند وصل ... با ده سوره اولی است ... بسمله
بسمله در ده سوره با وصل خوان فاتحه انعام و کهف ... ای جوان
... قرأنا چون فرمودی ز حرف دیگر بیا و در نه سوره بسمله با وصل ...
... اشارتی ... در تعلم آمده بسمله در نه سوره ... وصل خوان ای ... دارای
... چون ... قسم قال و باعث ... ما تبکا ... علم ... ست
در بیان اختلافات قراء سبعه در سوره فاتحه ... بدانکه ... دیگر
... سوره دیگر از قرآن واجب است و یاد ... از قرآن ... تجوید ... فرض عین است
باید کردن جمیع فرض کفایت است فی الهدیة ... کلمه ... و
حروف صحیح و صفات ... چنانکه گفته ... آوردن ... ای ... مشتمل ... هفت
با الاتفاق ... آیه بر نون ... بسم تمام ... در تعیین آیه اختلاف است چنانکه اما

بسم الله الرحمن الرحيم [illegible] اين هفتم از فاتحه دانسته صراط الذين [illegible] الى ولا الضالين [illegible]
[illegible] و بصره [illegible] منزل [illegible] هفت [illegible] بسم الله
هفت آيه است صراط الذين انعمت عليهم [illegible] غير المغضوب عليهم ولا الضالين
[illegible] مستقيم علامت [illegible] عليهم علامت [illegible]
[illegible] علامت [illegible]
[illegible] در فضلت [illegible] ارباب [illegible] العبادة آورده است كه سبب نزول
اين سوره مروى است از ابن عباس رضى الله عنه كه روزى رسول صلى الله عليه وآله وسلم [illegible]
[illegible] بودند ناگاه از جانب شام هفت قافله با خيمه ها [illegible] لطيفه و [illegible]
[illegible] صلى الله عليه وآله وسلم در آمد [illegible] تمنا كردند و مى گفتند كاش [illegible] اموال [illegible]
حق تعالى [illegible] اين سوره [illegible] فرستاد [illegible] رسول خود [illegible]
داده ام [illegible] آن هفت قافله هفت آيه [illegible] در بيان توحيد و عبادت
[illegible] است و اين سوره را سبع المثانى گويند زيرا كه دو بار نازل شده است يك بار [illegible]
[illegible] و بار ديگر به مدينه منوره [illegible] قبله شدن كعبه [illegible]
[illegible] و بعضى بدان رفته اند [illegible] و در مدارک مى گويد كه سبع المثانى [illegible]
[illegible] خوانده [illegible] و در [illegible] مى گويد كه اين سوره را ام القرآن و سوره [illegible]
[illegible] و سوره الحمد و الشكر و سوره الصلوة و سوره الاساس نيز گويند و سوره الكافيه [illegible]
سوره [illegible] و سوره الرقيه و سوره [illegible] و سوره المناجات و سوره النور و سوره التفويض و سوره السؤال
[illegible] سوره التعليم [illegible] ام الكتاب و فاتحة القرآن و قرآن العظيم نيز گويند و گفته اند كه كثرت اسما [illegible]

بورب مکسور با کاف مانک را بیا امیز دهند گیو کوید یا بار احمت را لعالمین امیز دهند یعنی با رالمغضوب

را بعین و مثل آن یعنی بعلی و امثال آن در قرآن بسیار وارد شده باید که در این مواضع احتراز کرده

گفته حبذا حبذا تلفظ کند و در نستعین و معصوم الاخرت نزد جمیع قرا و در وقف یعلمون

و روم و در اشمام هست عبارت است قوله تعالی اهدنا الصراط المستقیم صراط الذین انعمت علیهم قنبل از روایت

ابن کثیر است لفظ صراط را در هر دو موضع بسین میخوانده و این لغت ثابت است و اصل صراط با سین است

چون که از سرطت است سراط بمعنی بلع یعنی فرو بردن لقمه و بمعنی طریق گشته است از جهت فرو بردن رهرو

راه و قراء باقیه که نافع و ابو عمرو و کسایی و عاصم و ابن عامر و بزی که راوی فلان ابن کثیر است بصاد میخوانند

55

زیرا که از سین عله در خروج و صفیره و مستفله و منفتحه [illegible] طا مجهوره و شدیده و مستعلیه و مطبقه

[illegible] است و در فصاحت بیرون [illegible] طلب مناسبه کرده سین را با صاد که مهموسه و رخوه و صفیره و مطبقه و مستعلیه

است قلب کرده اند بواسطه اشتراک سین و صاد در مخرج و بعضی صفات و اشتراک صاد با طا

در صفات و این لغت قریش است و در سین لغت [illegible] با قاف باشد و امام حمزه بروایت خلف

در هر دو لفظ الصراط و صراط معرف باشد یا منکر و بروایت خلاد در لفظ اول که معرف بلام

با اشمام زای خوانده است و این نوع اشمام را خلط حرف بحرف گفته اند یعنی صاد را با زا خلط کرده

تلفظ کرده که نه صاد صریح باشد و نه زا صریح بلکه حرفی ثالث [illegible]

[illegible] و در منکر مثل باقی قرا بصاد خالص خوانده است و در مستقیم با وجود تمامی ائمه تحکیک

[illegible] کرده است از جهت [illegible] بدل و نون انت [illegible] با اظهار تمامی [illegible] کسره و تحریک

اداکنند زیرا که بعد وی حرف حلق است و بعد علیهم با وجود تمامی آیه وقف کنند و حمزه

قراء اهل اسمعیل معتقدند به صواب اگرچه بعضی وقف کرده اند و امام حمزه لفظ علیهم را در هر سه

موضع از هر جا که باشد به ضم ها خوانده است وقفا و وصلا چرا که ضمه اصل است بدلیل اجماع قراء بر ضم

بیان [illegible] اما چون [illegible] غیر لازم باشد نشده است و چیزی که لازم باشد در حکم چندان اعتماد

از جهت [illegible] این لغت اهل حجاز و فصحای یمن است و قراء باقیه کسر ها خوانده است از جهت تجانس

یا و این لغت قیس و بنی تمیم و بنی سعد که اخوان پیغمبر ما صلی الله علیه و آله و سلم بودند

غیر المغضوب علیهم و لا الضالین باید که سکون میم علیهم را باظهار تمام ادا نماید زیرا که بعد وی حرف

[illegible] است و امام ابن کثیر بهر دو روایت و نافع در یک روایت لفظ علیهم را در همه

مواضع بلکه هر جا که بیاید در حالت وصل میم را ضمه داده با اشباع ضمه بواو خوانده اند و این

لغت در اکثر عرب است و قراء باقیه باسکان میم خوانده اند و این از جهت تخفیف و این لغت

[illegible] نسبت با آنکه خوانده اند یک آیه بد و قراء بمنزله آیه [illegible] چنانچه [illegible]

[illegible] است و در شرعة الاسلام میگوید که خواندن قرآن بیکی از قراء سبعه باک ندارد که

نبی صلی الله علیه و آله و سلم فرموده انزل القرآن علی سبعة احرف ای بسبع لغات

نحو التفخیم والترقیق والهمزة والتلیین والمد والقصر والامالة وغیرها [illegible] و معنی مراد [illegible]

بر عباد خود در قرائت تا بخوانند بهر کدام که [illegible] باشد بر لسان ایشان پس اختیار یکی از آن [illegible]

[illegible] باشد [illegible] است [illegible] رسول صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده اند [illegible] از جماعة نقلا متواترا [illegible]

کرد ابن الشیبانی و در مطالب المؤمنین آورده که باتفاق جمیع علما تلاوت قرآن بقراءة
سبعه جایز است در زمان عثمان رضی الله عنه که مروی است از نبی صلی الله علیه وآله وسلم انزل
القرآن علی سبعة احرف کلها شاف وکاف یعنی نازل کرده شده است قرآن را بر هفت
قراءة که هر یکی از آنها در خواندن برابر است و معتقد است که قراءة سبعه نقل
شده است بنوعی ما نقل متواتر که هر که منکر شود یکی از این سبعه را کافر گردد و در تهذیب
آورده است که روایتی خارج از سبعه اگرچه مروی است از رسول صلی الله علیه وآله وسلم

51

لم ینقل متواتر فی غیر سبعة فالقراءة ای او احد الاحادیث یعنی آنرا کلام الله تعالی
منکر شدن کافر نمی شود اگر روایت شاذ داشته باشد جایز است
سبب شهرت قراءة سبعه قراء سبعه این است که بعد از خلفای راشدین از بعضی
مردم در خواندن قرآن غلط واقع میشد پس باتفاق اکابران زمان چنان افتاد که
از ماهران قرآن در شهری که مصحف امیر المؤمنین عثمان رضی الله عنه
باشد آورده آن تعلیم نماید مسلم باشد والا غیر مسلم پس امام نافع را در مدینه مطهره و امام
ابن کثیر را در مکه معظمه و امام ابو عمرو را در بصره و امام ابن عامر را در شام و امام
عاصم و امام حمزه و امام کسائی را در کوفه فرستاده قرار دادند که هر یک
که از حضرت رسالت پناه صلی الله علیه وآله وسلم الی التابعین بواسطه استادان رسیده

نوع [illegible] در بیان [illegible] امام عاصم در [illegible] دیار آنست که حضرت امام اعظم
شاگرد امام عاصم [illegible] است [illegible] بسیار نزد [illegible] رضی الله عنه چنانچه در صلوة مسعودی
آورده است

در بیان رموز قراء سبعه مشتمل بر هشت فصل است

بدانکه رواة بطریق امام شاطبی رحمة الله علیه بر آنکه رموز بر دو قسم است رموز موحده و رموز
مشترکه رموز موحده آن است که برای هر امام اشارتی است بیک حرف علیحده چنان
حرفی می زند در مصراع اول ازین سبب ابج هز حطی کلم نصع فضق رست
لکن امام حروف مفرد متصلا احاطی یافته که مصراع مذکور مشتمل است بر هفت
کلمه هر کلمه مرکب است از سه حرف که حرف اولی از آن کلمات منسوب است از امامی و حروف
بقیه از رواة بنابرین حروف اولی را از آن کلمات بلون مختلف می نویسند چنانچه در پیش
نام [illegible] تمثیل داده اند [illegible] نسخه [illegible] این است

امام ابن عامر	امام ابو عمرو	امام ابن کثیر	امام نافع
هشام ابن ذکوان	دوری سوسی	بزی قنبل	قالون ورش
	امام کسائی	امام حمزه	امام عاصم
	ابو الحارث دوری	خلف خلاد	شعبه حفص

رموز مشترکه بر دو نوع است رموز مفرده مرکبه رموز مفرده آن است که اشارت است با
یک حرف

بیت هر حرف یا کلمه متعدده خوانند علامت اجماع کوفیان است [illegible] علامت

اتفاق کل است سوای امام نافع و علامت اجماع کوفیان است با شامی و

علامت اتصال کوفیان است با مکی و علامت انضمام کوفیان است با مدنی و

علامت اشتراک است امام حمزه یا امام کسائی [illegible] و رمز که الف است کی اشاره

باشد که حرف کلمه بقراء متعدده خوانند چنانچه رمز ست رمز

بت رمز ب رمز ست رمز [illegible]

52

رمز ست رمز ت در بیان سایر تجاوید

واوات آن [illegible] خواندن به تجوید که عبارت از بیرون آوردن هر حرف [illegible]

صفات ذاتی مثل اطباق و استعلاء و غیر اینها و صفات عرضی مثل [illegible]

وقف و وصل و اشمام و روم و ادغام و اظهار و اخفا و مد و قصر و غیر که

کتاب ذکر کرده شد واجب و لازم است بر خواننده قرآن زیرا که قرآن بایشان [illegible]

نازل شده است و همچنین از حضرت بواسطه استادان ثقه بما رسیده پس تارک

آن عاصی و آثم است اگر قادر بتعلیم باشد و ناخوانده [illegible] ولیکن [illegible] اند [illegible] چنانچه

در فتاوی نوازل آورده است که ابو القاسم [illegible] الهندی الذی لا یفصح بالقراءة

[illegible] امامت قرائه یعنی هندی که فصیح نباشد بقراءة قرآن [illegible]

بدعت گشته فدا از خواندن این او در رفتار وی کرده میگویند که تلاوت قرآن در بعض ما
لحن شد ولعل آن حرص بسیار روا است [illegible] قرآن را بالحن تغنی ترک کند [illegible]
عام سبب آنکه نماز [illegible] علی است و بعید قراءه قرآن لها [illegible] از [illegible]
[illegible] تجوید [illegible] لا حظ کردن بعضی جا از تجوید و سعت که نماز جائز
است از تعلید [illegible] امامت [illegible] لیس فرموده اند [illegible] در نهج الفصاحه میگو
[illegible] هرجا جز تشدید لها حروف قرآنی جائز نیست او را آنکه امامت [illegible] که
در وسیله السعادات او رده است که [illegible] حروف و رعایت قواعد قرآنی
[illegible] لازم است [illegible] عمر [illegible] در تعلیم آن [illegible] والله [illegible]
[illegible] فاما [illegible] وفیه التقدیر لیس باید که حروف قرآنی را [illegible]
[illegible] تصحیح [illegible] در [illegible] ملبست ترتیل [illegible] کند که خواند
[illegible] ترتیل بهتر است از دو وقف بی ترتیل [illegible] از رسول صلی
علیه و آله وسلم [illegible] در روز قیامت صاحب قرآن را که در بهشت داخل نمود [illegible]
[illegible] میخواندی در دنیا که در [illegible]
[illegible] قرآنی [illegible] آیت را با [illegible]
[illegible] قرآن را [illegible]
والله [illegible]

فضیلت علما بند حرمت حیث کسی که قرآن را بتعریب بخواند بهر حرفی

بیست حسنه میدهد و در اتقان آورده است [illegible] از حضرت

عمر رضی الله عنه کسی که بخواند قرآن را بتعریب [illegible] او را نزد

خدا ایست [illegible] از حضرت ابو بکر صدیق [illegible] منقول است که تعریب

آیه از قرآن دوست‌تر است بمن از یاد کردن او چون روز

[illegible] بیش از [illegible] تلاوة قرآن باد و بود [illegible] فصل و

[illegible] لطف [illegible] بشری بیانه مستقبل قبلت

در مکان پاک [illegible] اولی تر است و اول از [illegible]

[illegible] کردن النبی [illegible] جانب ملک العلام آورده بصدق

[illegible] لطف و کرم [illegible] مراتب [illegible]

[illegible] تصور کرده عجز و انکسار ابتدا [illegible] نماید

[illegible] ما لا کلام تلاوت کنند [illegible] خواند [illegible] که گویا خدا

[illegible] باید که مروی است از رسول صلی الله علیه و سلم اگر

که خدای تعالی با تو سخن [illegible] قرآن [illegible] که تو با خدای عز و جل

سخن [illegible] باید که [illegible] نظر [illegible] هیچ [illegible]

و ... بعضی از تعلیم ... در ... شرح الغزنوی ... و ذکر ... این ...
... بیاید ... بهتر ... بود و در ... الفقه ... که ...
تا ... خواندن ... افضل است ... خواندن که رسول صلی الله علیه وسلم
افضل عبادة امتی قراءة القرآن نظرا و نیز در ... است که قراءة القرآن
در غیر مصحف ... و در مصحف ... هزار ... کذا فی الشرعه
و باید که در وقت تلاوة تکلم نکند که مکروه است و همچنین خنده زدن و نگاه
... کردن در اثنای آن و اگر ... آیة ... قرآن ... امساک ... و اگر ...
... نگذارد تا آنکه تمام ... ... از مصحف ...
... گردانند و از ... میخوانند چون ... مصحف را ...
... بالای ... آن را ... که الفضل
... در خبر است اقرؤا القرآن ما ائتلفت علیه قلوبکم و اذا اختلفتم
فقوموا کذا فی ... عثمان و حذیفة رضی الله عنهما لو طهرت
القلوب لم تشبع من تلاوة القرآن کذا فی قوت القلوب باید که
... در نماز خواند ... رسول صلی الله علیه وآله وسلم فرموده است
که خواندن قرآن در نماز افضل است از غیر نماز و خواندن غیر نماز افضل
... از ...

از [illegible] و [illegible] بهتر است از حمد و [illegible] بهتر است از صوم و [illegible]

و باید که [illegible] قرآن که [illegible] طاعت است [illegible]

[illegible] مقصود از وی آن است که حدود قرآن و [illegible]

و [illegible] محجوب [illegible] نیکوتر است [illegible] اوقات [illegible] روز [illegible]

نماز صبح است و در اتقان میگوید بهترین ایام یوم [illegible] است [illegible] آن [illegible]

[illegible] بهترین اعشار عشر آخر از رمضان [illegible]

و باید که قرآن با آواز [illegible] بخواند [illegible] تمام خواند [illegible]

[illegible] و لا تخافت بها [illegible] این [illegible] و قال [illegible]

[illegible] حنفی [illegible] و امام [illegible] تاکید [illegible]

میگویند [illegible] آن میانه آواز خواندن [illegible] که [illegible]

[illegible] رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم [illegible] فرموده است [illegible]

[illegible] همچنین بود که [illegible] قرآن را [illegible] همچنین [illegible]

[illegible] اوراد [illegible] که [illegible]

باید [illegible] الله [illegible] فرموده است که ابکوا فان

لم تبکوا فتباکوا [illegible]

[illegible] آیات الله [illegible]

بیند بگوید در این زمان قرآن و ذکر بسیار کرده باید تا نگفت بکلمه مند

[illegible] فرمایند چه خوانده می‌شود قرآن و وجه [illegible] معانی

[illegible] بسیار میکردند و اتقان نقل کرده از عبد الله ابن عمر که تحقیق

[illegible] و سلم میفرمود که [illegible] بشما [illegible] راکه اگر

[illegible] بشما اگر [illegible] یاد [illegible] شد و گفته اند صحابه

نبی صلی الله علیه [illegible] دیگر [illegible] بوده‌اند از خدای تعالی عز و جل و در حین

تلاوت قرآن بسیار گریه میکردند و هرگاه که [illegible] قرآن میکرد [illegible]

[illegible] طلبیدند از حق جل و علا نزد آیه رحمت [illegible] آیه

[illegible] این نهج مسنون است و مشاهده کرده شد [illegible]

[illegible] و عوف بن مالک [illegible] امام حسن عسکری رضی الله عنه در تفسیر خود فرموده

[illegible] دفع میکند از شنوندگان قرآن بلاها دنیا را و از خوانندگان قرآن

بلاهای آخرت را و در شرعة الاسلام مسطور است که شنیدن و خواندن قرآن مستحب

[illegible] صلی الله علیه و آله و سلم فرموده است [illegible]

[illegible] آیه قرآنی شروع کرده [illegible] واجب و لازم است که با ادب نشسته

[illegible] تمام [illegible] فرموده اذا قرئ القرآن فاستمعوا له

والصواب [illegible]

عوا لعلکم ترحمون و اگر سماع او را استماع ممکن نباشد بنظر بر عهده قاری است

باشد و مختصر آنکه در تحقیق که مشغله میکنند و نه بر عهده سامعین

نه منع خوانند و ممکن نیست قرآن نوشته را استماع قرآن در ... گناه بر ایشان

... سراجیه آمده است که بعض ... بالای بام قرآن

میخوانند که کار ... در فضایل تلاوت قرآن و صلوات ...

در فضایل قرآن هر چند لا تعد و لا تحصی بود اما بر ... حدیث ... بر

... مسلم ... و باسم التوفیق که در خبر است که کسی که بخواند قرآن را

... آنچه در آن است بپوشانند در روز قیامت مادر و پدر او را

... که دنیا و ما فیها ... برابر آن نیاید و در ... الخیرات ...

قال النبی صلی الله علیه و سلم ان ... له ... اقرأ ...

... و ... اشعار و ... الغربا و ... علی حبیب الرحمان

... که مروی است از امامه رضی الله عنه که رسول خدا صلی الله علیه

و سلم فرمود ... بخوانید قرآن را که ... شفیع خواهد شد مر خواننده

خود را و در تفسیر ... هر ... که بخواند در هر شبی از ...

... آمرزیده شود ... ماه رمضان ...

حمد الله بخواند بخوف برادر از غافلان در کفایه شعبی میگوید که لفظی منعقد
نعت الله که میخواند در هر شب ... حمد آنچه از قرآن ... محفوظ دارد

دار الیهم ... مروی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود
کسانیکه جمع شوند در یک خانه از خانهای خدا برای خواندن قرآن میفرستد
بر ایشان ... سکینه رحمت با ملایکه بسیار در ترجمة الاسلام ... مرد
که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم کسی که یاد کرد قرآن را پس میخواند ...
شود بجنب آسمان ... ولیکن ... هیچ بوی ... نمیشود یعنی ...
همین قدر فرق میماند در حدیث دیگر چنان آمده که ... القرآن ...
... الیهم که ... و نیز مروی است از رسول صلی الله علیه ...
... یاد کرده قرآن را کم کرده ... عذاب ... او اگرچه ...
... المشکوة و مسلم است بگوئید قرآن هر روز ... که قرآن ...
نازل شده است در ملفوظ شیخ فرید الدین منقول است هر که قرآن یاد کرد
... گفتی اول سوره یوسف یاد کیرد که هر که سوره یوسف یاد گیرد برکت آن
حق تعالی او را تمام قرآن ... یاد گیرد فراموشش نکند
رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم میفرماید که ... کرده است ... کند ...
امر ...

مثه من بینی شده باشم [illegible] گناهی بزرگتر از آن که کسی آیتی قرآن یاد گ

[رفته فرا]موش کند و نیز در خبر است که هر آیتی از قرآن که فراموش شده باشد

در [illegible] از نامه وی فرو [illegible] و در روز قیامت قرآن بر وی خصمی کند و در حدیث

واقع است هر کس که قرآن بخواند و فراموش کند یا نخواند بیاید او را در روز

قیامت بینی بریده و [illegible] است اگر گوید که حق آیة را فراموش کرده ام بلکه گو

[illegible] مرا فراموش کرده است کذا فی [illegible] و نیز در خبر است کسی که یک

در [illegible] او [illegible] از قرآن [illegible] است [illegible] در مسایل متفرقه که تعلق

[illegible] گفتن بر قاری در حین تلاوت قرآن [illegible] است والسلام

[illegible] که جا میشود و در جواب [illegible] اختلاف است [illegible] بعضی جواب [illegible]

[illegible] در ظاهر [illegible] است [illegible] بعضی [illegible] که جواب

[illegible] قرآن را میخوانند [illegible] دادن [illegible]

[illegible] که مستمع [illegible] تلاوة امساک کند و [illegible] بشنود

[illegible] شنیدن [illegible] افضل است [illegible]

[illegible] خواهد است [illegible] قرآن [illegible] الصلوة والسلام

[illegible] سجده تلاوة گفتن بر [illegible] واجب است

نخواند اگر چه بر طهارت باشد الا آنکه محتاج شود قاری را تنفس [illegible] در وقت

برای تجدید نفس ایستاده شود اما از اندیشه عالم است یا نادر بیاید [illegible]

علی [illegible] جنده [illegible] ذکر چیزی اندکی مکروه است خواندن قرآن بر قبور مکروه

نقل از [illegible] احیاء [illegible] الحمد لله مکروه نیست و فضیلت بر قول امام است

[illegible] امین از فوائد نقل میکند که قراءت خفیه باشد یا جهریه باید در حمام باشد یا مغتسل

یا در موضعی که آب پلیدی جمع میشود مکروه است اما خارج از حمام در [illegible]

نمیکنند بلکه می‌نشینند و پارچه‌های پوشیده بقول امام اعظم مکروه نیست بقول امام محمد

مکروه است در محیط آورده است که خواندن قرآن در حالت اضطجاع باک ندارد

[illegible] فرموده است الذین یذکرون الله قیاما و قعودا و علی جنوبهم لیکن باید

جهت قراءت پای را از [illegible] کشیده [illegible] کرده [illegible] و تمامی [illegible]

[illegible] پنهان کند [illegible] آورده قراءت بکند در قنیه آورده است که خواندن

قرآن در حالت رکوع و سجود باک ندارد در صورتی که موضع نجاست نباشد والا مکروه است

[illegible] مسعودی میگوید که قرآن در راه خواندن شاید یا نه شیخ الاسلام

[illegible] الدین رضی الله تعالی عنه گفته که از صحابه رضی الله عنهم [illegible] است [illegible]

[illegible] دیگر [illegible] خواندن [illegible] نرم خواندن [illegible]

عون الدين گفته است رحمة الله عليه اگر در بازار شهادت ... ترجم خوانده و اگر در ... ۱۱

ملتقط ... و در ملتقط میگوید که قراءة در طریق و در بازار مکروه است

و در عتبیه میگوید که خواندن قرآن در بازار یا در موضع لهو و لغو مکروه است

و در عالمگیریه میگوید ... قومی را برای ختم کرد ... سیپاره خوان گویند

... بعضی مشایخ مکروه است بسبب ترک استماع و در صلاة مسعودی ...

... که یکدیگر را نشنود مکروه نباشد (57) و در ذخیره میگوید که مکروه است پا دراز

کردن ... که مکروه است پا دراز کردن بسوی مصحف و کتب فقه و در مطالب

... کردن آنکه سجده را در اثناء تلاوت ترک کند مکروه است

... مصحف نهادن بر بالین سر ... برای محافظت ...

و اگر قصد ... مکروه است و در تتمه میگوید که مصحف ...

... و بر کرسی نهادن مستحب است ... و بسوی او پا دراز ...

مکروه است از سفیان ثوری ... که مصحف را حمایل ساختن مکروه است

بوسه دادن مصحف سنت است ... حضرت عثمان ...

... هر صبح مصحف را بوسه ... و در اتقان ...

... قواعد ... که ایستاده شدن برای ... بدعت است ... در صدر اول

نکنی جواب آن است انجه امام نووی در تبیان گفته که مستحب است بجهة تعظیم

بر بالای مصحف [illegible] تحلیه کردن مصحف را بنقره ازجهة اکرام واجلال

جائزست علی الصحیح   در خالی میگوید که حاح کردن و نگار کردن مصحف

بذهب باک نیست   [illegible] میگوید که بر مولی تعلیم [illegible] از قران مقدار ما یجوز

الصلاة واجب است   در قاضیخان میگوید که ما بین حیض و [illegible]

که تعلیم کند قرآن را آیة آیة اما اگر حرفا حرفا تعلیم کند باک نیست   در شرح

الاسلام آورده است که در خبر است که کسی که بخواند شخصی را آیة از کتاب الله

[illegible] مولا آن شخص است یعنی صاحب حق [illegible] تواضع کند [illegible]

[illegible] دعا کند مر او را علانیة مر آن معلم را و هیچکس را بروی فوقیت

[illegible] مر او را و مخالفة نکند بلکه [illegible] چون [illegible] و جواب [illegible] نگوید

[illegible] نداند از مال خود از وی که حق معلم مقدم است بر حق مادر و پدر [illegible] امیر

مسلمانان و اگر پیش معلم رود در خانه او را نکوبد بلکه منتظر نشیند تا آنکه بیرون آید

[illegible] ولو انهم صبروا حتی تخرج الیهم لکان خیرا لهم   و در روضة [illegible]

[illegible] آورده است که [illegible] راه کرد [illegible] تعلیم [illegible] ادب [illegible]

[illegible] الی [illegible] من انا [illegible] لا تعلمو [illegible] ان و الادب   و در تحفة [illegible]

[illegible]

بنا بر ... از مصحف اشرف ... اعلی ... نکند ... از

... در ... اسلام آویخت کراهة

... است که پیغامبر خدای صلی الله علیه و آله و سلم منع کرد

قرآن ... علم در ... میگوید که اجرت گرفتن بر تعلیم قرآن در این

زمانه اجازه است در جامع الفتاوی میگوید که معلم را ... که

... اند هرچند پدرش اذن داده باشد و اگر چوب میزند گناه میشود

در قنیه میگوید که معلم را جایز نیست فرستادن کودک را برای کار ... اگر

برای ... جایز است و در ذخیره میگوید اگر مصحف

58

... پاره پاره شود باید که در پرچه پاک ... و در زمین دفن کنند

و در سنت ختم قرآن ... آنکه پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم

... و ... در خبر است هر کسی که قرآن را خواند باز ...

... خواهد شد او را در روز حشر مقطوع الانف ... رسول علیه

الصلوة والسلام فرموده است یا اهل القرآن لا توسدوا القرآن و اتلوه حق

تلاوته ... الليل والنهار و افشوه ... ما فيه لعلکم تفلحون

... قرآن مداومت نماید ... میگوید که امیر المؤمنین

ابو بکر صدیق رضی الله تعالی عنه ... هر که یک ختم قرآن کند بعد

[illegible] قرآن است ... ختم قرآن کند دو ...

دو یعنی مدة ختم سلف را اختلاف است با آنچه در کتب [illegible]

است که قرآن را در چهل شب ختم کردن مستحب است و در هر سالی یکبار ختم کردن

سنت است که آنحضرت علیه الصلوة والسلام در سال یک ختم کرده اند

مگر در سالی که وفات یافته اند دو بار خوانده اند شیخ ابو اللیث در بستان

گفته که سزاوار است قاری را ختم کردن در سال دو بار اگر نتواند زیاده از آن

باشد که روایت کرده است حسن ابن زیاد از ابو حنیفه که هر کسی [illegible] قرآن را

در هر سال دو بار پس تحقیق ادا کرده است حق قرآن را و جمهور بر آنند که در چهل

روز باید خواند و اگر زیاده از این مدة بگذرد مانع [illegible] نسیان [illegible] شد مکروه است

چنانکه روایت کرده عبد الله ابن عمر رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم را [illegible] پرسید که در

چند روز ختم باید کرد آنحضرت در جواب فرموده که در چهل روز کذا فی الاتقان

و در مشکوة مذکور است که رسول علیه الصلوة والسلام عبد الله ابن العمر را [illegible]

[illegible] ماه [illegible] ختم کن [illegible] عرض کرد که من زیاده از آن

طاقت دارم امر کرد که [illegible] یکبار [illegible]

[illegible]

مقرر [illegible] که بعضی [illegible] ختم کرده اند و بعضی در سه [illegible] و [illegible]

[illegible] و بعضی در هفت شب و بعضی در شش و بعضی در پنج و بعضی در چهار و بعضی

در سه شب و بعضی در یک شب و بعضی در یک روز و یا در یک شب ختم [illegible]

کم از سه روز ختم کردن از ادب بعید است که آن حضرت علیه وآله الصلوة والسلام [illegible]

لم یفقه من قرأ القرآن فی اقل من ثلث و امام غزالی در کتب احیا [illegible]

که [illegible] این است که ختم در شب باشد و [illegible] در نهار [illegible] که ختم [illegible]

و [illegible] گفته [illegible] از ان و ختم نهار [illegible] شب [illegible]

ختم [illegible] قاری در وقت اختتام قرآن [illegible] اکثر [illegible]

است [illegible] از ختم اول [illegible] مستحب است که [illegible] همون [illegible]

تا [illegible] که [illegible] افضل الاعمال الحال المرتحل ای الخاتم المفتتح کذا فی الشرح

اتقان [illegible] است که ابن عباس رضی الله نقل کرده است از ابی بن کعب [illegible]

صلی الله علیه وآله وسلم [illegible] قل اعوذ برب الناس بعد از ان شروع میکرد

الحمد [illegible] البقرة تا اولئک هم المفلحون بعد از ان دعا [illegible]

[illegible] که وقت ختم [illegible] الله احمد [illegible] یقول بعض [illegible]

[illegible] الوا [illegible] بعد [illegible] ختم خواندن باک ندارد

(59)

و مستحب است نزد اهل عراق و این مصر برای جبر نقصانی که در قرائت قرآن در نماز

[illegible] واقع شده باشد [illegible] بخوانند [illegible] العباد [illegible] و چون ختم

سوره ها [illegible] در آخر و اللیل یا والضحی تا آخر قل اعوذ برب الناس تکبیر گفتن

[illegible] از امام شافعی که گفته است ترکت التکبیر فقد ترکت سنة من

سنن نبیک [illegible] لفظ تکبیر اهل ادا را اختلاف است نزد بعضی الله اکبر گویند

و نزد بعضی لا اله الا الله و الله اکبر گویند [illegible] و بعضی تحمید نیز خوانند باین روش لا اله

الا الله و الله اکبر و لله الحمد [illegible] در آخر [illegible] که [illegible] ختم نماز

جز نماز [illegible] باید در وقت [illegible] در نماز باشد که مستحب است [illegible]

و الا در اول شب یا در اول [illegible] بعد از نماز بامداد اختتام نماید و در [illegible]

[illegible] مستحب این است که [illegible] اول شب یا در آخر شب جمعه [illegible] کرده

[illegible] ختم کند بعد از اتمام دست به دعا بر داشته بخشوع [illegible] و خشوع [illegible]

[illegible] به درگاه حق شده بخواهد هر خواهشی را از مرغوبات که رسول علیه و اله الصلوة

[illegible] از ختم [illegible] دعا [illegible] است که [illegible] در حدیث است هر که قرآن

ختم کرده دعا میکند [illegible] فرشته به دعای او آمین گویند و [illegible] که

در ختم [illegible] خوانده [illegible] که مسنون [illegible] عمل [illegible] اللهم

ارحمنی

وارحمني بالقرآن واجعله لي اماما ونورا وهدى ورحمة اللهم ذكرني
وعلمني منه ما جهلت وارزقني تلاوته آناء الليل واطراف النهار واجعله لي حجة يا رب
العالمين ... يا ودود يا رب اغفر لي وارحمني دعا میکند ودر ... که
از ختم صلوة نیز خوانده باشد که در حدیث ابو هریره منقول است من قرأ ...
وحمد الرب وصلی علی النبي واستغفر له فقد طلب الخیر من مکانه واکثر از اهل ...
و ... ختم میکرده اند ختم هفته بطریقی ... یکی را ختم فمی بشوق گویند ودیگری را
ختم ... گویند طریق ختم فمی بشوق این است که روز جمعه ... از اول سوره
فاتحه تا آخر ... و در روز شنبه از اول سوره مائده تا آخر توبه و در روز یکشنبه از اول
سوره ... تا آخر ... و روز دوشنبه از اول سوره بنی اسرائیل تا آخر فرقان
و روز سه شنبه از اول سوره شعرا تا آخر یس و روز چهارشنبه از اول سوره والصافات
تا آخر حجرات و روز پنجشنبه از اول سوره ق تا آخر قل اعوذ برب الناس بخوانند و در
اسرار الفاتحه میگوید که این طریق ختم را فمی بشوق ... انبیا علیه الصلوة
والسلام ... اند و در ... اخبار آورده است که ...
... اعوذ بالله من الشیطان الرجیم ... من همزات الشیاطین
اعوذ بک رب ان یحضرون و قل اعوذ برب الناس ... سوره فاتحه بخواند و بعد از آن

(60)

این دعا بخواند صدق الله تعالی و بلّغ رسوله النبی الکریم اللهم

... لنا فیه الحمد لله رب العالمین و استغفر الله الذی لا اله الا هو

الحی القیوم و طریق ختم احزاب اینست که روز جمعه از اول سوره بقره

بخوانند و در روز شنبه از اول سوره انعام تا آخر سوره براة و در روز یکشنبه

از اول سوره یونس تا آخر سوره مریم و روز دوشنبه از اول سوره طه تا آخر سوره

قصص و روز سه شنبه از اول سوره عنکبوت تا آخر سوره ص و چهارشنبه از

سوره زمر تا آخر سوره رحمن و در روز پنجشنبه از اول سوره الواقعه تا آخر کلام الله و اکثر

ختم در شب جمعه شده مشهور است که حضرت عثمان رضی الله عنه نیز شروع بعد

احزاب میکرد لیکن در روز شنبه از انعام تا آخر هود میخواندند و در یکشنبه از

یوسف تا آخر مریم باقی را همان قسم میخواندند و شروع در شب جمعه میکردند و ختم

در یوم الخمیس و در یک الفقه نیز ختم کرده است و از ... الله ان عباس رضی الله

تعالی عنه منقول است هرکه را خدای تعالی حاجتی باشد و یا غمی و ... رنجی و از دست

ظالم ... ده شود باید هر مهمی که پیش آید با ... ختم احزاب بطریق اول شروع

نماید و در اثنای تلاوت هر ... بخواند اللهم لک ... و الیک

المشتکی انت المستعان و بک المستغاث و علیک التکلان و لا حول و لا قوة

الا بالله العلی العظیم

الا یا الله العلی العظیم و چون ختم تمام شود بعد گفته نماز گذارد و دو رکعت ادا

سوره الم نشرح اندر [illegible] دوم سوره الناس بعده این دعا [illegible] بخواند دعای

یا من حل به العقدة و ازل به الشدة [illegible] حسن السرور و [illegible] المعهود

وارزقنی [illegible] للطلب ونفسی باس المنشد بحکمک یا ارحم الراحمین اللهم و

من شر الاعادی واحمنی من کرب العادی ولا تبتلنی بمحظور [illegible]

[illegible] سرور واجعلنی [illegible] حصنا واقیا ومن لطف کفایتک [illegible]

باقیا وردعنی [illegible]

[illegible] الشفا [illegible] گوید صلی الله علی خیر خلقه

محمد وسلم وآله اجمعین (61) در ادعیه مزید حفظ در مفتاح الجنان نقل

از [illegible] منقول است که آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم روزی بعلی علیه الصلوة

والسلام [illegible] فرمودند که یا علی پنج چیز [illegible] اول بول کردن

[illegible] بول کردن [illegible] در آب ایستاده و بول کردن [illegible]

[illegible] پوشش [illegible] [illegible] الخلق [illegible]

[illegible] علیه وآله وسلم فرمود [illegible] زیاده میشود [illegible]

در بابت ... ان القصد ان حفظ شود در احیاء العلوم میگوید از حضرت

... امام منقول است که حفظ را سه چیز زیاد میکند و نعوذ الکم

میکند ... قرآن و صوم و مسواک در کنز العباد نقل میکنند از ... امیر

که هر که بوقت خفتن این دو آیة بخواند البته قرآن محفوظ او شود

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم والهکم اله واحد لا اله الا هو الرحمن الرحیم ان فی

خلق السموات والارض واختلاف اللیل والنهار والفلک التی تجری فی البحر

بما ینفع الناس ... وما انزل الله من السماء من ماء فاحیا به الارض بعد موتها وبث

فیها من کل دابة وتصریف الریاح والسحاب المسخر بین السماء والارض

لآیات لقوم یعقلون دیگر هر که در شب دوشنبه ... نماز حفظ چهار رکعت نماز

بکند در هر رکعتی فاتحه یک بار و اخلاص و معوذتین هر یک ... بار و چون

از نماز فارغ شود شصت بار استغفار گوید و ده بار درود بخواند بعد از آن

ده بار بگوید لا اله الا الله وحده لا شریک له له الملک وله الحمد وهو علی کل شیء قدیر

... از حفظ ... هر که ... فراموش نکند و ... ان الرازی صلیت

... الصلوة مخففة ... وقت بامداد ...

بار بخواند و هر بار در آخر آیة دعائی که می آید بخواند تا چهل روز ...

بکوشد

زیاده کنند و دیگر از معاجین مردی بست که بجای خود مذکور شد علیه وآله وسلم

جوز بستد بر کف دست مالد چون آیة الکرسی تا هفت و بلسد [illegible]

تا [illegible] از وی بشی از طبع وی خنیا فرو نهد که هرچه بخواند یاد گیرد و بشنود یاد

[illegible] زیاده شدن حفظ آمله بلیله هم وکندر روی بلیله هم وزن

بلیله هم سائیده با روغن ستور و آبدن معجون کند بسد [illegible] بخورد و وعده [illegible]

خورد حفظ زیاده شود و هرچه در نظر افتد یاد [illegible] گرفت دید مصطفی و تبارک [illegible]

بجهار [illegible] دارا یاد گیرد بکرم ورحمه الله تعالی وبحرمة الحبیب صلی الله

علیه وسلم واله اجمعین طیبین الطاهرین والملائکة المقربین الحمد لله رب العالمین

بلغ هذا النقل بعون الملک الاجل بمقابلة الاصل اللهم [illegible] وجمیع الطالبین

من المستفیدین من هذا العلم الشریف نصیبا برحمتک یا ارحم الراحمین وصلی

علی خیر خلقه محمد واله اجمعین اللهم اغفر ذنوبه دکلها تمام شد [illegible]

مفتاح الاثر [illegible] مجید القرآن [illegible] بتعداد سنه [illegible] هجرة النبی [illegible] صلی الله

وسلم [illegible] سنه [illegible] جلوس محمدشاه بادشاه غازی خلد الله ملکه و سلطانه

من اوله الی آخره بخط اضعف العباد محمد [illegible] تمام شد

برکت [illegible] سرکار [illegible] خاطر میر سید [illegible] مصطفی خان [illegible]

مسکین [illegible]

بنویسد ... مع ... بیل یا ... کرد ... موضع ... و آن ... مع آیه این است ...
بسم الله ... و کلا آتینا حکما و علما یا حی یا قیوم یا رب موسی ... و رب
... رب محمد صلی الله علیه و آله و سلم کرمنی بالفهم و ارزقنی ... الله ...
اما جاءت افیض حاجتی فی الخیرات بحقک علی جمیع خلقک ... بیا ...
... کرا فراموشت بسیار شده باید که این آیه را ... باخود دارد آیه
ولا تمدن عینیک الی ما متعنا به ازواجا منهم زهرة الحیوة الدنیا لنفتنهم فیه
ورزق ربک خیر و ابقی وامر اهلک بالصلوة و اصطبر علیها لا نسئلک رزقا
نحن نرزقک والعاقبة للتقوی و در منافع القرآن میگوید که مروی است از امام
جعفر صادق علیه السلام ... السلام هر که سوره یس را با ... زعفران بنویسد
... بشوید ... سه روز ناشتا بخورد و بعضی روایت هفت روز آمده است حفظ
... که هر چه بشنود یاد ماند و غالب آید با هر که مناظره کند و در
... هر ... نماید دیگر سوره فاتحه را ... بر آورند ... نیز ... و ...
بشوید ... طبع او کند ... هفت روز ناشتا بخورد کند ذی طبع ...
... هر چه بشنود ... نماید ... خاصیت این آیه ای ... سم
حفظ را زیاده کند و یقین را قوی نماید و علم را در دل ثابت دارد و ...

مسکن خود و همراه او باد اخضیا نزوه اند که کر خوانند دعا و طمع دارم
زانکه این هنرها شکسته کارم ۶۲ در حبشی لرد ایرد نشر دید
... مستطاب ابو المنصور خان بهادر صفدر جنگ در بلده اخترنگر
سمت ترویج و اتمام پذیرفت ۶۹

(۶۲)

قاعده ادغام یعنی نون ساکن [illegible] در شش حرف [illegible] ادغام می کنند

[illegible] در کلمه [illegible] خواه در کلمتین [illegible] ادغام [illegible] نزد جمله قراء اما در [illegible]

و لام ادغام [illegible] مثل مَن يَّقُولُ لَكُمْ [illegible] من ربك

[illegible] در یا و در میم و در واو [illegible] ادغام [illegible]

من نور [illegible] قال [illegible]

[illegible] مهادا و الجبال [illegible] عذابا

[illegible] ادغام [illegible] و

[illegible] قنوان و صنوان [illegible] قاعده ادغام

[illegible] و حرف [illegible] خواه [illegible] خواه در کلمتین و حرف اول

(64)

[illegible] و ثانی متحرک اول را در ثانی ادغام [illegible] منهم

[illegible] بل لجوا [illegible] الکم [illegible]

[illegible] ابوجهه [illegible]

[illegible] و [illegible]

و [illegible] امنوا و عملوا

و کلوا و اشربوا ادغام [illegible] در [illegible]

لذی یکذب فذلک الذی ... بیشتر در اصفهان

جابر بن ربیعه العباس ادغام قرب مخرج دو حرف قریب المخرج هم است خواه

یک کلمه خواه در دو کلمه حرف اول ساکن باشد و ثانی متحرک اول را ادغام

قد تبین چنانچه عبدتم چنانچه عصل تم چنانچه احطت چنانچه اذ ظلموا

چنانچه الم نخلقکم چنانچه یدرکک چنانچه آمنت طائفة بنی و اسرائیل

طائفة چنانچه بود و لدت علیهم ... با ... ادغام نماید در

... ادغام ... مخصوص اظهار است چنانچه اذ دخلوا او اذ صرفنا او اذ

شغفنا و اذ جعلنا و اذ سمعتموه قد جعلنا

تقلب با غنه یعنی به باء نون ساکن و تنوین آید و بعد ... میم بدل کنند

نون ساکن و تنوین را چنانچه من بعد و انبئهم باسمائهم

... کلمه خواه کلمتین ... قاعده اخفا با غنه کنند ... باقی

التاء و الثاء و الجیم و الدال و الذال ... الزاء ... ن والزین والصاد

والضاد والطاء والظاء ... والفاء والقاف ... فی مثل ...

جنات تجری ... ثابت و انت ... انتم منتم ... علیه

قولا ثقیلا ... منه ... جار ... صبر جمیل ...

... رسول ... والذين وان تتم ... ما سبط

اعتب مثل ... مثل فان زعمتم ...

ان سألتم مثل شين ... شكلها ان شكرتم وعفو ...

مثل الصاد ان صبرتم و ... مثل ...

... مثل طا ان ... مثل ظا ... ظلموا مثل فا انفسهم

... فيه مثل قاف ... مثل كاف ... كفروا ...

... خواه در ... باشد خواه در كلمتين ...

درميان لام ساكن وميم ساكن لام ساكن ... ادغام واظهار ...

... ساكن باشد ... لام متحرك واقع شود ... واقع شود ... لام ...

... ادغام ... بايد خواند چنانچه بل لجوا وبل ... تكومون و

65

... چنانچه بل ربكم ولام تعريف ... ولام التعريف

... مثل ...

... والنبي مثل تا ... انتم ... التقلبات

... والخ ... مثل ذال عن الذ ... الكريم

... مثل ... جا ... مثل سين ...

شماء مثل شین الشاکرین الشمس مثل صاد الصادقین مثل ضاد

مثل ضاد الضالین مثل طاء الطاغین مثل ظاء الظالمین

الم واللذان مثل نون النوس و در چهار ده حروف این لام

بعد اظهار است همزه با جیم حا خا عین غین فا قاف کاف میم واو

یا چنانچه الان خففا چنانچه بالبر چنانچه الجحیم چنانچه

چنانچه بالخیر چنانچه العالمین چنانچه الغافلین چنانچه الفتنه

چنانچه النعیم چنانچه الکره چنانچه المال چنانچه الولد چنانچه الهالکین

چنانچه الیوم و نزد اظهار لام ساکن چنانچه جعلنا انزلنا ارسلنا انکلنا قل

فالتقمه اطیع الله و هل تعلم و هل نوس ما بعد میم ساکن

سه حالت دارد ادغام و اخفا و اظهار اگر ما بعد میم ساکن میم متحرک آید ادغام

باید خواند چنانچه منهم من کلم الله چنانچه لکم میعاد و اگر ما بعد

حرف با آید اخفا باید چنانچه و ما هم بمؤمنین

اظهار باید خواند چنانچه الحمد لله چنانچه علیهم المغضوب

علی هذا القیاس باید خواند در بیان ترقیق و تفخیم یعنی

باید خواند بسم الله که در حالت

به تفخیم بخوانند چنانچه الله اللهم و الله رسول الله و اگر ما قبل لام مذکور کسره باشد

بترقیق خوانند چنانچه فی سبیل الله و بسم الله و عن الله [illegible]

[illegible] یا مفتوح باشد یا مضموم به تفخیم باید خواند چنانچه ربک و رسل

و اگر مکسور باشد بترقیق باید خواند چنانچه رجال و [illegible] و اگر [illegible]

ما قبل او [illegible] اگر ما قبل او مفتوح یا مضموم [illegible] باید خواند چنانچه ارسل و [illegible]

و اگر ما قبل او مکسور باشد بترقیق باید خواند چنانچه فرعون [illegible] علیهم العذاب و اگر

[illegible] بعد او از حروف استعلا واقع شود [illegible]

[illegible] مرصاد الا بالمرصاد چنانچه قرطاس و فرقة و در کلمه فرق

بعضی تفخیم میخوانند برای آنکه ما بعد راء قاف حرف استعلاء واقع شده است و بعضی

بترقیق میخوانند برای آنکه راء ساکن میان دو کسره واقع شده است [illegible]

[illegible] و اگر [illegible] که ما قبل کسره عارضی واقع شود آنجا نیز باید خواند

چنانچه [illegible] ارجعی [illegible] ام ارتابوا [illegible]

[illegible] و وقف [illegible] اعتبار ما قبل [illegible] و اگر ما قبل او مفتوح یا مضموم

باید خواند چنانچه [illegible] الصدور [illegible] و اگر ما قبل کسره

بترقیق باید خواند چنانچه [illegible] و [illegible] باید خواند زیرا که

ماقبل او یا ساکن باشد ... گویا که مابین [illegible]

باریک خوانند قاعده حروف استعلا هفت اند و آن هفت اینست

خص ضغط قظ هر جا که در قرآن حرف استعلا واقع شود به حالت تفخیم باید خواند

ایشان را گویند که بوقت ادای اینها زبان بالا میرود و باقی حروف مستفله اند و اینها

را مستفله گویند که بوقت ادای اینها زبان در دهن پست شود [illegible] حروف

مستفله هم باریک باید خواند و حروف قلقله پنج اند قطب جد قلقله را

گویا که نیم باریک وقف جنبش دارند و حروف شدیده هشت اند یعنی سخت اجد

قط بکت ازین هر دو حروف قاف و طا سخت تر اند و مخرج جیم و دال و با و

کاف و تا سخت باریک اند که در باب مخارج بیان اینها کرده شد [illegible] حروف

میانه اند یعنی سخت و نرم مابین باریک تر اند لن عمر و باقی حروف

رخوه اند یعنی نرم باریک این حروف این هستند ثا خ ذ ز

[illegible] ع ف [illegible] باب [illegible] در بیان مدات [illegible]

حروف مد سه اند الف و واو ساکن و یا ساکن اگر الف [illegible] ماقبل او فتح

باشد و او [illegible] الحاله میکنند چنانچه وما [illegible]

[illegible] واو ساکن و ماقبل او ضم باشد و ماقبل یا [illegible]

مد با بخوانند چنانچه امنوا ایمانا الا ... احمد والوان یا ... ما فیه ...

... مد و ... همزه بعد الف ... بخوانند چنانچه فی الفسا مد ... الا

... مد در کلمه اول باشد همزه در کلمه دیگر این مد را مد منفصل میگویند و اگر دو ...

در یک کلمه آید این را مد متصل گویند قاعده مد نوع ... سوره ... بر سر سوره ...

در ... و مد بجائز نامند و طوال ... نام عاصم ... الف ست چنانچه الم چنانچه

کهیعص چنانچه ص چنانچه یس چنانچه حم چنانچه ق چنانچه ن و مد

منفصل و متصل نزد امام عاصم چهار الف و مد ... الف ست ... مد لازم ...

مد غیر گویند این ست چنانچه ولا الضالین چنانچه اتحاجونی و دابه

و صافات چنانچه حاصة تد منقلب ... الف ست نزد امام عاصم و امام ... مد

... قرآن ... واقع شد ... ست ... الذی ... آلان ...

(67)

... دانستن درازی مد ... ست ... الف ... الف ...

... مقدار ... آهسته ... الف ست ... انگشتان ...

... الف ... ست ... این ست چنانچه امنوا ...

متصل چنانچه اولیاء ... الا ... و ... شاء و سوء و

سائر ... الا و مد منفصل ... انا انزلناه ... اسمه احمد و ما ا

وَءَأَنْتَ وَمَا أَنْتُمْ وَأَلَا أَنْتُمْ وَإِلَى أَشْ‌حِلِفِيْنَ عِيْ بِهَا الْعِيْرُ تَاجِدْ

در وقف این ست چنانچه يَوْمِ الدِّيْنِ وَنَسْتَعِيْنُ وَيُوقِنُونَ و

يُوقِنُونَ وَكَافِرُونَ وَبَصِيْرٌ وَخَبِيْرٌ هر این باید بجهت

مدات را مد و قصر عارض گویند یعنی بازداشتن این مد سبب وقف

است و مد لین وقف این است چنانچه خَيْرٌ وَضَيْفٌ وَعَيْنٌ و خوف و

درین صورت طول این مدات وقف اگر دم دراز است الفی میکند و اگر دم کوتاه

کند توسط و مطلق کنند و اگر دم اینکست قصر یک الفی کنند ... در بیان وقف

الوقف جزم یعنی حروف موقوف علیه را ساکن باید خواند یعنی حرف که وقف باشد

بر آن وقف باید کرد بر آنچه اعراب ما قبل آن حرف موقوف علیه است و دو وقف دیگر

یکی را روم گویند و دوم را اشمام از این بیان نیاوردیم برای آنکه طول میکشد

در رموز وقف این است ... حافظ ما این نظم را نوشتیم تا ترا در وقف باید نمود

هم وقف لازم است ... که کند ... کفر ... اندر ... ط چو وقف مطلق آمد ...

... لیک ...

... لیک بکند ...

وقف ... الیه ... اگر ... وقف ... کند

نی بخوانند . تا ف [illegible] آنرا که [illegible] بشد [illegible]

[illegible] علامت [illegible] اسامی حروف قمریه در [illegible]

ابن کثیر نام در بصره ابو عمرو علاء [illegible] نافع در مدینه ابن عامر در شام عاصم [illegible]

کسائی از کوفه تمام است حروف [illegible] آنها [illegible]

ابج دهوز [illegible] شب [illegible] کلم

[illegible] فضق [illegible] رست

مخرج همزه و ها یکیست و مخرج عین و حا یکیست مخرج خا و غین یکیست مخرج جیم

و شین و یا یکیست مخرج زا و سین و صاد یکیست مخرج [illegible] تنها یکیست مخرج فا تنها یکیست

و مخرج [illegible] تنها یکیست و مخرج کاف تنها یکیست و مخرج [illegible] تنها یکیست

[illegible] الف و مخرج [illegible] حروف [illegible]

[illegible] مخرج دال و طا و تا یکیست مخرج ظا و ذال و ثا یکی

[illegible] لام و نون یکیست [illegible] با و میم یکیست [illegible] تمام شد بعون الله [illegible]

[illegible] زبان و تحقیق الله [illegible] فی الداریں که عدد حروف تهجی بیست و نه

[illegible] و الف [illegible] مخارج زیرا که هر [illegible] از الله [illegible] داخل [illegible]

و الف [illegible] که همزه را [illegible] و الذی [illegible] نحو [illegible]

[illegible] و لیست و نه [illegible] فرست و جمع [illegible] حرفی مخرج [illegible] که [illegible]

[illegible] اختیار فرموده اند مخرج حروف را [illegible]

[illegible] که آن [illegible] مخرج الف و واو و یا [illegible]

[illegible] که مخارج حروف [illegible] چهارده است چنانکه [illegible] مخرج لام و نون [illegible]

[illegible] ارشدک الله [illegible] حروف معجم در دو آیه جمع آمده از کتاب خدای عز و جل یکی

در آل عمران [illegible] انزل علیکم من بعد الغم امنة نعاسا [illegible]

[illegible] فقال الشیخ فی کتابه المنهاج فی ذکر حروف التهجی [illegible] تسعة و عشرون

و قیل ثمانیة و عشرون [illegible] الاصول و المتفرعة منها خمسة ماخوذة فی القراءة و فی کلام

همزة بین بین و نون المخفاة [illegible] و الف بالامالة

[illegible] و ما سوی ذلک من الحروف المستعملة

المستعملة فی العربیة انما هی فی کلام العجم [illegible] مخارج [illegible] ثلاثة

الحلق و [illegible] و الشفتان محل المخرج و [illegible] عن الخیشوم [illegible]

فاقصى الحلق من الهمزة والهاء والالف واوسطه مخرج الحاء والعين المهملتين وادناه

للفم مخرج الخاء والغين المعجمتين واقصى اللسان وما فوقه من الحنك مخرج القاف

ودون القاف من اللسان واسفل مما يلي مخرج القاف مخرج الكاف ووسط اللسان وما يحاذيه من وسط الحنك

للجيم والشين والياء المجاب غير المدية واقصى حافة اللسان بينها [illegible]

من الاضراس للضاد المعجمة فلها مخرجان في حافة اللسان الى طرفه [illegible]

من الحنك فوق الضاحك والناب والرباعية والثنية مخرج اللام ودونه مخرج النون

دونه مخرج الراء [illegible] الاصل واذا رقق [illegible] وما بين طرف اللسان واصول

الثنايا للطاء والدال والتاء وما بين الثنايا وطرف اللسان للظاء والذال والثاء

[illegible] الزاي والسين والصاد [illegible] بين طرف اللسان والثنايا و

ما بين طرف اللسان واطراف الثنايا العليا للفاء وما بين الشفتين للواو

والباء الموحدة والميم وتبيين المذكورات [illegible] لان [illegible]

المتوفى [illegible] نقل من كتاب الايمان في قواعد القرآن تم تم

بسم الله الرحمن الرحیم

جمله متاخرین هفت رمز وقف بیان کرده اند شان آن هفت این حرف است [illegible]

م عبارت است از انکه قبل [illegible] وقف جایز باشد و وقف اولی عبارت است از که [illegible]

اگر [illegible] سکته بتمام [illegible] و در اکثر مصاحف صورت [illegible] ایمعی وقف است

[illegible] اما متاخرین [illegible] بیس [illegible] نفسیر [illegible]

عبارت است از انکه بعضی گفته اند وقف [illegible] عبارت است از [illegible] وصل [illegible]

[illegible] وصل [illegible] عبارت است از [illegible] وقف [illegible]

[illegible] همان طور است [illegible] دیگر در مصاحف می نویسند در غیر وقف آن این [illegible]

[illegible] میان کوفیان و بصریان [illegible]

عدد آیات سوره [illegible] هر دو موافق باشند در پنج آیت علامت [illegible] می نویسند و در

[illegible] علامت [illegible] و اگر مخالف باشند از برای [illegible] دور [illegible] نویسند

[illegible] برای بصریان [illegible] می نویسند [illegible] بصریان [illegible]

[illegible] بصریان [illegible] دیگر در اکثر [illegible] صورت [illegible]

[illegible] اصل می نویسند [illegible] در بیاض [illegible] در اصل می نویسند اما علامت عشر [illegible]

عبارت است از رکوع [illegible] واخر [illegible] مباحث و وجه [illegible]

الف کید رقت قراءت ... زائد الف که در ان موضع رکوع بود دیگر که فدا

٦٩

خواهد بخوان سال دیگر تراویح ختم کنند بر دو بیست در سه شب شهر رمضان باید که از رکوع

... رکوع آخر خوانند در هر رکعت و این موافق ترتیب باب شب شهر رمضان المبارک

... ابدالآباد ... و هو ... اتت ...

فی البقرة و بما ... یحیون فی آل عمران ... اتین ... فی المائدة ...

نصونا ان اتیکم عذاب الله او اتتکم ... ان اتاکم عذابه بغتة او جهرة

الانعام وقالوا علی قوم یعکفون فی الاعراف ... المؤتفکات اتتهم اذا ما اتوک

... فی التوبة وعلیها ... ان اتاکم عذابه بیاتا ... یونس ... الرعد ...

فی الحجر ناقة ... وانهم کلاهما فی النحل واذ اوی ... الی الکهف

حتی اذا اتیا اهل قریة کلاهما فی الکهف فاتت به قومها فی مریم فلما اتاها ... فی طه

... واتینا ... فی الانبیاء ...

... بل اتیناهم بالحق کلاهما فی ... ولقد اتوا علی القریة فی الفرقان حتی اذا

اتوا علی واد النمل وکل اتوه کلاهما فی النمل فلما اتاها نودی من شاطئ الواد

ما اتاهم من نذیر کلاهما فی القصص واثاروا الارض فی الروم وما اتاهم من نذیر من قبلک

فی سورة السجدة وفاتهم العذاب من حیث لا یشعرون فی الزمر وانهم ... واتتهم

عدو لهم ولا سماءه في سورة المؤمن واستثناء المتقين في سورة فصلت وأثارة من علم

في الأحقاف وثابت على الأصل في الذين كلاهما في سورة الأرباب في فاتقوا الله

[illegible] في [illegible] حتى أتانا اليقين تجد الله [illegible] في ما [illegible] بين

[illegible] بواو واحد [illegible] [illegible]

[illegible] النون [illegible] فاد [illegible] انما [illegible]

[illegible] في [illegible] موضعان في [illegible] أينما تولوا فثم وجه الله وفي النحل أينما

[illegible] بجهة [illegible] القطع والوصل في ثلثة مواضع في الشعراء

[illegible] أين ما [illegible] أينما ثقفوا في الأحزاب وأينما تكونوا

الموت [illegible] الثلثة المواضع نحو فاستبقوا الخيرات أينما تكونوا أينما

[illegible] أينما كنتم تشركون وأينما كنتم [illegible] في المرسلين موصول

في البراءة مقطوع والموضعان ألن نجعل لكم موعدا وسورة الكهف ألن نجمع

في سورة القيمة [illegible] في المواضع الأربع موصول في البواقي مقطوع [illegible]

[illegible] لكيلا تحزنوا على ما فاتكم في آل عمران ولكيلا تأسوا على ما فاتكم في سورة

[illegible] لكيلا يعلم من بعد علم شيئا في سورة الحج ولكيلا يكون على المؤمنين حرج في سورة

[illegible] في الموضعين مقطوع وفي البواقي موصول في الموضعان وانصرفوا عن [illegible] في سورة

من وقف على ... في سورة النجم ... الله ... مقطوعة ...

اربع مواضع ونبه على محلها في المواضع الاربع نحو فمال هذا الكتاب في سورة الكهف وما

ل هذا الرسول في سورة الفرقان وما ل الذين كفروا في سورة المعارج وما ل هؤلاء القوم

في سورة النساء ... فيقف ابن كثير وابو عمرو ... على اللام ابتدا

... وبعضهم ... والوقف على بعضها ... [illegible] ... معصوم ...

الموضع ونبه على موصول والموضعان يوم هم بارزون في سورة غافر ويوم هم

... في سورة الذاريات ... فيحيي ... حرف اللام ... [illegible]

ولات حين ... ابو عبيدة وغلطوه ... [illegible]

... كما الحقت ... الوقف ... [illegible]

لات يا لنا ... [illegible]

ال ياسين ... [illegible]

... كالوهم او وزنوهم في سورة المطففين ... [illegible]

... في سورة ... [illegible] ... الوعيد

في رسم المصحف ... [illegible]

الصلوة والزكوة ... [illegible] ... الحروف ...

الى ... [illegible]

تعوذه وفي سورة النور الى النجوى الا في سورة المجادلة وقراءة اقتلتم اللذين في النجم

مع الذال الا ان [illegible] فان اضيف شيء من هذه الالفاظ رسمت بالالف [illegible]

[illegible] التي والفظ الذي مفردا او مثنى او مجموعا والفظ والليل اذا [illegible]

عليها [illegible] في المصاحف بلام واحدة لئلا يجتمع المثلان اختصارا

[illegible] والالف المنقلبة من الياء [illegible] الكلمة [illegible]

للرسم بالياء نحو تشقى ويخشى والثرى [illegible] وشبهها غير لفظ من عصاني [illegible]

[illegible] في الحج [illegible] والى اقصا المدينة في القصص ويس [illegible]

[illegible] في سورة النجم واللفظ الذي جاء في [illegible] العليا

الدنيا [illegible] هذه المواضع رسمت [illegible] الالف الا [illegible]

احدهما الالف منقلبة من الياء او الياء [illegible]

الا [illegible] في [illegible] الموقوف [illegible]

في [illegible] في المصاحف [illegible] في بعض المصاحف [illegible] وفي بعض [illegible]

[illegible] اذا اتصل [illegible] ياء [illegible] الالف الذي [illegible]

[illegible] في الرسم [illegible] الذي [illegible] الياء [illegible]

[illegible] في بعض مصاحف العراق اللفظ الذي [illegible]

بحذف الياء مرسوم بالياء اتباعا للفظ به كذا اتفقت في بعض المصاحف العراقية
بحذف الالف عند القياس وقد قرئ بالياء ... ويلقى ... الى ابي عمرو
باتفاق جميع هذه الالفاظ مرسومة في المصاحف بالياء على مراد الامالة ... وجاء
بالياء بعد الجيم واللام بغير الالف بعد الجيم وكذلك ... بالياء بعد الطاء
... ان ... هذا الرسم الالفاظ الثلاثة ... لفظ ...
... اوسكن ولفظ المتقون ودى ... وطحى وسجى وزكى وكذلك ...
الالفاظ السبعة مرسومة بالياء والله اعلم ... ان ... ان لا يقولوا على الله
في سورة ... ان لا اقول على الله في الاعراف ايضا الا ... من ... الا
في سورة التوبة ان لا اله الا هو في سورة هود ان لا تعبدوا الا الله في هود ايضا ان لا
... في سورة يس ان لا تشرك ... في سورة الحج ان لا ... في
... وان لا تعلوا على الله في الدخان ان لا يشركن بالله شيئا في الممتحنة
... المواضع العشرة مقطوع ان لا الا ان لا اله الا انت في الانبياء ... في بعض المصاحف
... موصول ... نحو ... هل لكم من ما ملكت ايمانكم في الروم
من ما ملكت ايمانكم في النساء ... مقطوعان بالاتفاق ... في المنافقين مختلف
... موصول ... بالاتفاق حيث جاء واذا وقع لفظ من مع اسم ظاهر نحو

[illegible] مقطوع بالاتفاق [illegible] وأما أم من مقطوع في [illegible]

نح أم من يأتي آمنا يوم القيمة في سورة فصلت أم من يكون عليهم وكيلا في سورة النساء

أم من خلقنا في سورة والصافات أم من أسس بنيانه في سورة براءة وما سوى هذه الأربعة في كل القرآن

[illegible] وأما فلما عتوا عن ما نهوا عنه في سورة الأعراف [illegible] بالنون [illegible]

موصول وأما [illegible] فهو موصول في جميع القرآن [illegible]

[illegible] فعلن في أنفسهن من معروف في سورة البقرة ليبلوكم فيما آتاكم في [illegible]

[illegible] قل لا أجد فيما أوحي إلي محرما في سورة الأنعام أيضا فيما أفضتم في سورة النور

فيما [illegible] فيما هم فيه يختلفون في سورة الز[illegible] [illegible]

فيما [illegible] في سورة الواقعة [illegible] رزقناكم في الروم [illegible]

[illegible] في الشعراء مقطوع [illegible]

في الحج ولقمان فهما مقطوع [illegible] واعلموا أنما غنمتم في الأنفال وإنما عند الله

فيهما [illegible] وحيث ما في البقرة [illegible] وحيث [illegible]

[illegible] فيها كلها موصول [illegible]

[illegible] في سورة الأنعام مقطوع دون الذي في سورة [illegible] ومال هذا الكتاب في الكهف

ومال هذا الرسول في الفرقان ومال الذين كفروا في المعارج فمال هؤلاء القوم في النساء

بج بقطع اللام [illegible] واشتكم من حملة [illegible] [illegible] مما يعدوا الا الذين

[illegible] بكلمة التي فيها انى [illegible] لهم في سورة الملك كلما القى [illegible] في الاعراف كلما جاء

[illegible] الاعراف كلما جاءت واسقط في سورة المؤمنون في هذه المواضع الاربعة [illegible] في وصل

وليبعثن [illegible] [illegible] في البقرة وليبعثن [illegible] تعملون [illegible] ايمانكم [illegible]

ون [illegible] [illegible] بعلوه لبئس ما [illegible] ايضا فيها و [illegible] يلون الذين [illegible]

[illegible] تصيان [illegible] محمد بن عيسى [illegible] ذلك [illegible] قطع [illegible] ايا مركم به ايمانكم في [illegible]

[illegible] بالوصل [illegible] [illegible] في البقرة [illegible] اختلفوا في من [illegible] في الاحد

الموصول [illegible] [illegible] والنبي

(73)

لك [illegible] وهو الذي [illegible] [illegible] حرف النداء نحو يا ايها الناس [illegible] الذي [illegible]

[illegible] الثانية [illegible] مرسوم في سورة البقرة [illegible] عليه انهم كتبوا [illegible]

[illegible] يوم [illegible] [illegible] وما اشبه ذلك بغير الف [illegible] التي مسجد الله [illegible]

[illegible] ولد [illegible] مسكين [illegible] [illegible] الخالق [illegible] علم [illegible] [illegible]

[illegible] الله [illegible] [illegible] اضللنا [illegible] بعض الف [illegible] ذلك [illegible] [illegible]

[illegible] الذي [illegible] خير الفاصلين [illegible] علما [illegible] في [illegible]

[illegible] في المؤمن للشيطن [illegible] [illegible] بحذف الياء و الالف [illegible]

الاول ما الالف كذلك الضمة اي تخليص السكت يسمى المختصر معنى الكسر في عن

لب الالف فان الالف فيه مثبتة في الرسم عند الشيخ علم الدين رحمه الله

... كما جاء ايضا اثبتها حتى يلقوا في الزخرف والمعارج والطور يلقوا في السورة

... التي فيه برلنا والالف محذوفة قوله بارك فيها في سورة السجدة ...

الالف بالاتفاق وكل ما جاء في اسماء العدد نحو الثلث ... من ...

... فهم في الصافات ... في سورة الثلث ترابا ...

وآباؤنا في النمل كنت ترابا في النبا ايه المؤمنون في سورة النور ايه ...

الرحمن ... في سورة الزخرف مرسوم بغير الالف بعد الهاء ...

ضمة الهاء وحكى ... انه سمع بني اسد يقولون ايه الرجل بضم الهاء ...

... على قراءة ابن عامر ... محذوف الالف الا في الرعد ...

اجل كتاب في الرعد الاولى ... معلوم في سورة الحجر واتل ما اوحي اليك من

الا في الكهف لكلمات القرآن وكذا مبين الاولى في النمل ...

... رسم بغير الالف الاوليين من الثلاثة في سورة يونس ...

... على ان الثابت هو الاخير والثالث الاوليين ...

الثالث الالف بالاتفاق والاول والثالث مختلف فيه ... بغير الالف ...

وجعلنا ما ... قرانا عربيا ... ومن سورة ان جعلناه قرانا عربيا

... بغير الف ... في مصحف العراق ... فيها بالالف ... الا في ...

... بالالف للدوري عن نافع ان لفظ ... في جميع القرآن بالالف ...

... وما اشبهه ذلك من الاسماء الاعجمية ... كثر استعماله طالوت وجالوت ...

... سليمان وهارون وقارون ... في حذف الف ...

... داود ... فاحذروا من الحذف ...

... اسرائيل ... الهمزة لكن ...

... وكل جمع كثر ... كالكلمات البينات ... ونحو الصلحين

... الخائفين وسوى المهموز نحو الصائمين ...

... في اثبات الالف وحذفها وفي ...

الصافات والصائمات فقد كثر الحذف من ... والمروي عنهم ...

... حذف العين عن جمع المونث السالم ... الصفت الفلكت ...

... نحو ... الجمعان مرسوم بالف واحد وكان ... من الروية ...

... اي ... الياء الفا لتحركه وانفتاح ما قبلها فصار ... فاذا التقى ...

... من اللفظ فلما حذفت من اللفظ حذفت من خط ...

... فجاءتا في قول العاصي اذا جاءتا [illegible] ليست بمثلي [illegible] في الرسم

انه جمع [illegible] بالف واحدة لكان [illegible] بين ان [illegible] بعد التثنية [illegible]

افرد بالتوحيد [illegible] بالتثنية لان هذا اللفظ يحتمل ان يكون مثنية [illegible] جاء

احدهما عين الكلمة المنقلبة من الياء والالف في التثنية بحذف احدهما لاجتماعهما

[illegible] ثم الذي في الحقيقة لان الهمزة بينهما بحاجز قوي لخفائه فكانه [illegible]

[illegible] عنان بطريق الحكم بحذف احدهما والخلاف جاء في

الكتب [illegible] رسم بالالف الواحدة [illegible] واحتج الى [illegible]

الوقف وثلاثة [illegible] في يونس ملجأ وما [illegible] مكتوب بالف واحد

على قاعدة جاء لكن الالف الثانية في جاء بعد الهمزة للتثنية

[illegible] فهما [illegible] خطأ [illegible] الكتب بالف واحدة حيث جاء [illegible] بعد ياء الذي [illegible]

مرسوم بالف بعدها ياء وهما في النجم الاول ما كذب الفؤاد ما رأى والثاني من الموضعين

هو [illegible] لقد رأى من آيات ربه الكبرى اما ثانيهما وهو لقد رآه نزلة اخرى

الف واحدة [illegible] في القرآن [illegible] في سورة الاسراء وفي سورة فصلت كتب بالنون

الالف وحذف السوآى في سورة الروم مرسوم بالف بعد الواو [illegible] بعد الله [illegible]

[illegible] الف صورة الهمزة لانها من جنس حركتها [illegible] الاسم كل لفظة [illegible]

ومن هنا [illegible] ووقع كذا في سورة الحاقة [illegible]

من الو

[illegible] باب [illegible] الاول [illegible] وآخره

[illegible] المصحف [illegible] الحذف [illegible] اختلاف [illegible] ثبت [illegible] في [illegible]

[illegible] المواضع كلها في المصاحف العراقية [illegible]

[illegible] [illegible] بالهمزة [illegible] واتوا [illegible] الوصل

[illegible] بالواو [illegible] في [illegible]

[illegible] الالف [illegible] بعد الواو الاولى

[illegible] [illegible]

[illegible] في [illegible]

[illegible] الالفا [illegible] من بعد الواو والواحد [illegible] الواوي [illegible]

[illegible] فان الالف [illegible] في جميعه [illegible]

[illegible] عنهم [illegible] وا [illegible] في [illegible] واوصي [illegible]

[illegible] الواقع [illegible] في المصحف [illegible] الشاطبي [illegible]

امام مد

سوم قراءت نافع هست الف در شریع بالواو تعالون

در شریع علی هست و ابن کثیر رد ولیس بر بر و فنیل [illegible]

وصل [illegible]

شش [illegible] دال کر ابو عمرو هست در ضرس [illegible] حاشر راولیس دور در وسوسی [illegible]

مد

هفتم [illegible] ابن عامر کاف در ضرس [illegible] لام شد [illegible]

امام نور

[illegible] عاصم است در [illegible] اد بود [illegible] صاد بوید

[illegible]

[illegible] ساکن حمزه هست و رمز او فا شد [illegible] ضیاد [illegible] خفی

[illegible]

[illegible] شرکه [illegible] سین الوی [illegible] و [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] علی [illegible]

[illegible] قرآن [illegible]

[illegible] مجموعه [illegible]

[illegible] القرآن [illegible]

[illegible] النبی صلی الله علیه وسلم [illegible]

[illegible] السوره [illegible]

[illegible] سجده [illegible] القرآن [illegible]

[illegible]

عنوان مذکوره

جزء از انصاف قرآن مدین ترتیب اقوم

... الله سیؤتیهم ان الذین عند الله ...

الله لا اله الا هو الحی القیوم ... ان کان

و ... اذ ... اهلک ...

... کثیرا ... قل من یدری ...

... امن یعلم ... انما ...

... اول سوره طه ...

من الله ... من ...

... قالوا انؤمن ...

ثم واذا صا[illegible] منهم وقال الذين

[illegible] ولقد سبقت [illegible] ويا قوم ما لي

[illegible] انا ارسلناك شاهدا [illegible]

[illegible] سورة الصف [illegible] سورة الجن [illegible]

[illegible] تمود الرؤيا

[illegible] سيقول لبيس [illegible] واذا طلقتم النساء

[illegible] اذ قال الله يا عيسى وما جعل الله [illegible]

[illegible] خير حرمت عليكم [illegible] يا ايها الذين

[illegible] واذ قال الله يا عيسى [illegible] واذ [illegible]

[illegible] ونادى اصحاب الاعراف [illegible]

بما يجرون سورة الكهف

ثلث واتل عليهم نبأ نوح ثلثه

قالوا آمنا بالله قال الشيطان سلام ولقد آتينا

ثلث واذا الذين وقال عبادي ثلث

الذين يكفرون ثلث انه من يأت

الذين ان مكنا حتى اذا فتحنا ثلث

وضعوا ثلث فلما ودخل المدينة

بأنبياء بينات الملك

الذي ان هذا من ربنا

انما الهكم الله فاذا ما

٢٩

ثلث لا اقسم للفقراء ثلث ما العالمين

(18)

الى [illegible] الى ثلث سورة لا اقسم

[illegible] العزيز [illegible] المطففين [illegible]

[illegible] قرآن [illegible] الم

[illegible] الكافرين [illegible]

[illegible] علينا [illegible] الشعراء [illegible]

الله قول الله

و [illegible] یس [illegible]

در [illegible] نازل شده و [illegible] آیه و [illegible] و هشتاد [illegible]

وشش [illegible] حرف است واز حضرت رسول [illegible] نقلست که هر چیز

را دلی هست و دل قرآن سوره یس است پس هر که سوره یس را [illegible]

خدا یکبار بخواند و بنویسد خواص [illegible] در نامه اعمال او [illegible]

و در آخرت [illegible] و در آسمانها [illegible] حسنه و محو میکند از نامه

اعمال او دو هزار سیئه [illegible] و مرض دار [illegible]

[illegible] نمود

[illegible] و آسان [illegible]

[illegible] قبض روح او [illegible]

[illegible] و هر که سوره یس [illegible]

[illegible] اهل قبور [illegible]

[illegible] در نامه اعمال او [illegible]

[illegible] این سوره [illegible]

[illegible] این سوره مبارکه [illegible]

ده هزار و چهارصد و هشتاد و هشت حرف است فضیلت آن چنانچه

اهل سنت اینست که هرکه این سوره مبارک را بخواند این ... رفیق

... که با حضرت رسول در بیعت الرضوان محمد و با بیعت کرده ...

موافق اخبار امامیه فضیلت این سوره مبارکه اینست که حضرت امام

جعفر صادق علیه السلام فرمودند که ... خود را

از بلاها ببرکت تلاوت سوره انا فتحنا ... [illegible]

هرکه این سوره را تلاوت نماید ... منادی ندا کند

همه خلایق بشنوند ... [illegible]

در بهشت ... [illegible]

محمد ... [illegible] ... این سوره مبارک

... و هشتاد و هشت آیه است و ... [illegible]

... در اخبار اهل سنت مذکور است که

... سوره اینست که هرکه آنرا بخواند حق تعالی بر ضعیفی او رحم کند و توفیق

... شکر نعمتهای الهی را بتقدیم رساند و در طریق ... [illegible]

دوازده بار تلاوت سوره الرحمن را در دنیا آورید حضرت [illegible]

که هر چیز را عروسی است و عروس قرآن سوره الرحمن است [illegible]

این سوره را تلاوت نماید خدا تعالی او را به بهشت داخل کند و در بهشت جای

خواهند گردید سوره اذا وقعت [illegible] این سوره میان

واقعه است در مکه نازل شده است و این سوره را سوره واقعه میگویند

از جهت آنکه مذکور واقعه قیامت در این سوره مذکور است و نود و شش

آیه است و سیصد و هفتاد و هشت کلمه و هزار و هفتصد و سه حرف است

و خاصیت این سوره در طلب اهل سعادت بهشت که هر که این

سوره را بخواند او را از جمله مردم غافل ننویسند و در اخبار آمده

از حضرت امام جعفر صادق روایت شده که هر که در شب جمعه این

سوره را بخواند خدا خلایق او را دوست دارند و در [illegible]

فقر و فاقه [illegible] در دنیا [illegible] و در روز قیامت

از رفقای حضرت امیر المومنین علی ابن ابی طالب

باشد و هر که در شب پیش از خواب سوره واقعه را تلاوت

نماید در قیامت روی او مثل ماه باشد در شب چهاردهم

این سوره مبارکه [illegible]

در مکه نازل شده و بیست و هشت آیه و دویست و

کلمه و هشتصد و [illegible] حرف است و خاصیت آن در اخبار

آمده است که هر کس سوره قل اوحی را تلاوت کند

[illegible] باو چشم جنیان نرسد و از جادو و مکر ایشان

محفوظ باشد [illegible] این سوره

مزمل [illegible] مکیه [illegible] و بیست آیه و دویست و

هشتاد و پنج کلمه و هشتصد [illegible] و هشت حرف و خاصیت

آن مطابق بیان اهل سنت آنست که هر کس سوره مزمل را

بخواند فرج کند خداوند از تنگی و سختی دنیا و آخرت را و در طریق

امامیه از حضرت امام جعفر صادق روایت شده که هر کس [illegible]

در نماز عشا یا نماز شب تلاوت کند این سوره را [illegible]

باشد در روز قیامت پاکیزه در دنیا زندگانی کند و [illegible] بمیرد مغفور

نقل کرده اند که حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله وسلم در ابتدای نبوت

[illegible] خود را [illegible] و خدیجه [illegible]

مشتمل ان [illegible] صدیق که [illegible]

[illegible] نصف ان در [illegible] یعقوب [illegible] یوسف و نصف دیگر [illegible]

[illegible] یا علم یا تعلیم یا [illegible]

[illegible] آورده [illegible] دیگر [illegible]

[illegible] معلوم [illegible] سعد [illegible] آنحضرت [illegible]

[illegible] کده است [illegible]

بر وانذرت [illegible] یوسف علیه السلام [illegible]

این سوره یکصد و یازده آیه است [illegible] کلم [illegible]

و [illegible] حرف [illegible] خاصیت سوره [illegible]

[illegible] بخواند حق تعالی [illegible] قیامت

[illegible]

[illegible] مفسرین [illegible] سبب نزول این سوره مبارکه [illegible]

[illegible]

یعقوب [illegible] شام به مصر انتقال کردند خدا تعالی این سوره مبارکه [illegible]

[illegible] این سوره مبارکه [illegible]

عن ما یتساءلون [illegible] که [illegible] عن را در میم ادغام کرده یعنی چون [illegible]

ما را از برای تخفیف حذف کرده‌اند عم شده است و [illegible] میم عم [illegible]

[illegible] تمام میکنند و این سوره را سوره نبا میگویند بعضی [illegible]

[illegible] سوره در مکه نازل شده و چهل آیه و یکصد و هفتاد و [illegible] کلمه و [illegible] حرف

[illegible] ثواب خواندن این است که هر که این سوره را بخواند [illegible]

[illegible] در قیامت [illegible] از حضرت صادق روایت شده

که هر که این سوره را تلاوت کند [illegible] زیارت بیت الله او را [illegible]

سبب نزول [illegible] این است که چون حضرت رسول دعوت نبوت

[illegible] را ظاهر [illegible] و از قیامت مردمان را ترسانید و کفار قریش

اختلاف کردند با یکدیگر بالخصوص رسول یا از اهل ایمان می‌پرسیدند که

قیامت کدام روز است و چه وقت روز است بعضی [illegible] روز قیامت

[illegible] و جمع [illegible] در آن وقت آیه مبارکه نازل شد که چه

کفار قریش سوال میکنند از چه چیز را سوال میکنند یعنی روز قیامت که [illegible]

آن روز بسیار [illegible] عظیم و می‌پرسند و اختلاف در وقوع آن روز میکنند

بعضی باور دارند و بعضی باور ندارند آن روز را و چنین نیست که کفار [illegible]

[illegible]

[illegible] وقت مرگ حقیقت آن روز ظاهر شود [illegible]

معاینه ببینند بطلان اعتقادات خود را و معلوم کنند که قیامت

[illegible] را اما مراد از نبأ عظیم علی [illegible]

[illegible] اختلاف کردند [illegible] خلیفه

و بعضی خلیفه چهارم [illegible]

از امیر المؤمنین علی ابن ابی طالب [illegible]

[illegible]

[illegible] حضرت [illegible]

انبیا مشغول [illegible] چون حضرت امیر [illegible] از اصحاب [illegible] و شرایع و علم را

[illegible] حضرت را نبأ العظیم [illegible] بزرگوار [illegible]

منزلت [illegible] والله یعلم ۱۲

[illegible] سوره [illegible] النازعات است و در مکه نازل شده [illegible]

[illegible] کلمه [illegible] حرف [illegible]

اخبار [illegible] آنست که هر که سوره را بخواند [illegible]

[illegible] داخل بهشت میکنند [illegible] اخبار

شنود و مرد مکر

هرکه این سوره را تلاوت کند ... گناه کاران نوشته

... محشور ... ثواب ... و مکر ... ۲

سورة العبس این سوره مبارکه عبس است در ابتدای سوره

عبس و تولی مذکور است در مکه نازل شده چهل و دو آیه و یکصد

و ... کلمه و ... و خاصیت آن موافق اخبار

... هرکه این سوره را بخواند در روز قیامت خندان

و ... باشد و در طریق امام ... صادق علیه السلام منقول است

که این سوره عبس و تولی و سوره اذا الشمس کورت را تلاوت کند

... و ... نبیند و ... در این سوره مبارکه

... که عبد الله ام مکتوم ... این سوره مبارکه را

... روز قیامت

... در مکه نازل شده ... آیه ...

... بالصدود ... و خاصیت آن موافق مذهب

... این است که هرکه سوره را بخواند حق تعالی او را ...

... و رسوائی را روزی که ... نامه اعمال

نوک

[illegible] که مطلع [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

این است که [illegible] سوره [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] منفعت است که [illegible] [illegible] کنند [illegible]

[illegible]

[illegible] [illegible] از [illegible] [illegible]

این سوره مبارکه [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible]

که هر که [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

و در طریق [illegible] از حضرت [illegible] علیه السلام منقول است روایت شده

که هر که در نمازهای [illegible] این سوره را تلاوت کنند [illegible] او را [illegible] [illegible]

از بیست و پنج این کردانیم و صدان بدو ... و بگیرند سبب نزول
این سوره این سبب بود که مردی در مدینه بود که دو سنگ وزن داشت
یا بیشتر بود خرید میکرد و از سنگ کم وزن جنس بمردم میفروخت
یاد کرد و این سوره مبارکه فرستاد ۱۲
مبارکه انشقاق مکی است شق شدن و شکافته شدن :
... نازل گشته بیست و پنج آیه است و یکصد و ... کلمه
و ... حرف ... فضیلت آن در ... اهل سنت ...
هرکه این سوره را بخواند ... روز قیامت نامه
اعمال او را از پس پشت او بدست چپ او دهند و در طریق ...
که هرکه این سوره را بخواند منظور نظر رحمت الله گردد ۱۲ سوره ...
البروج این سوره مبارکه بروج ... جمع برج فرستاده ...
... بیست و دو آیه ... و یکصد و ... کلمه و چهار صد و سی حرف
و فضیلت آن در طریق ... است که هرکه این را تلاوت کند
حق تعالی بعدد هر جمعه و عرفه که در دنیا باشد ثواب از برای او بنویسد و در اخبار
از امامیه مذکور است که هرکه این سوره را بخواند در نماز خفتن حق تعالی
او را در روز قیامت با پیغمبران مرسل محشور گرداند سوره الطارق

و ... ... والا
که ... یادی و ازد شود و ستاره ... تا ...
که ... در این آیه ... ستاره ... درخت ...
مقابل ... صبح یا ... عموم ستاره‌ها یا سیاره یا ماه و ...
سیاره ... ... یا سیاره ... و ...
سوره ... که در مکه نازل شده ... ... ستاره ...
... دو صد و ... و ... حرف ...
... این ... که ... ... الجوا ...
... ... و نوشته شود ...
که ... ... و اصح این ...
... ...
... باشد و ... ...
رسول صلی الله علیه و آله ... ابو طالب ... ...
تا گاه ستاره ... ... و شعاع عظیم ... این ...
ابوطالب ... و بحضرت رسول گفت ...

چون که [illegible] است الا است و این صفت را به السبب

یعنی را از آسمان دور میکنند در آن وقت به جهنم

[illegible] والله اعلم [illegible] الاعلا

سوره مبارکه اعلی است بعضی آن ترجمه شد و در مکه نازل

نوزده آیه است و هفتاد و دو کلمه دو صد و هفتاد حرف است

فضل او [illegible] سوره این است که چون نماز فرض شد

فرستاد تا اهل ایمان در سجده

[illegible] و نبیکه آیه فسبح باسم ربک العظیم

فرمود که در رکوع سبحان ربی العظیم

[illegible] است که بگوای محمد سبحان ربی الاعلی

[illegible] این است که هر که

و از حق تعالی چند صحیفه که با براهیم پیغمبر بموسی

و پیغمبر آخر الزمان فرستاده است ده حسنه نامه اعمال او

بنویسد و در آخرت را ثواب دهد بکند که هر که این سوره

[illegible] آن استقدر [illegible] حفظ [illegible] دقایق که [illegible]

چنانچه منقول است که هر کس سوره والشمس و ضحیها

و اذا یغشیها و سوره والضحی و الم نشرح را بسیار بخواند

[illegible] روز [illegible] در [illegible] صحیح [illegible] او [illegible] که [illegible]

[illegible] او گواهی دهد [illegible] او [illegible] [illegible]

[illegible] و السموات [illegible] [illegible]

[illegible] از آتش دوزخ امان داده [illegible]

و را به بهشت [illegible] [illegible]

گوارا با نعمتهای بهشت

این سوره مبارکه واللیل است و در مکه نازل شده

است و یک بیست و هفتاد کلمه و سیصد و [illegible] حرف است و فضیلت

[illegible] اقوال اهل [illegible] است که هر که این سوره

[illegible] قرائت [illegible] و در [illegible] [illegible]

[illegible] کند او [illegible] آمده [illegible]

[illegible] است که هر که این سوره را تلاوت کند جمیع امور دنیوی

و آخرتی او سهل و آسان شود و در روز قیامت [illegible] باشد [illegible]

و [illegible] محشور کند والله یعلم ۱۲

این سوره مبارکه والضحی [illegible] در مکه

[illegible] آیه است و چهل کلمه و یکصد و نود و دو حرف است و [illegible]

[illegible] اخبار اهل سنت و امامیه این است که هر که این را بخواند

در روز قیامت بخدمت حضرت رسول مشرف گردد و [illegible]

آن حضرت [illegible] خوشنود و خرسند باشد ۱۲ و الم نشرح

[illegible] این سوره مبارکه والتین [illegible] آیه و [illegible]

[illegible] یکصد و نه [illegible] و نه حرف است و در مکه نازل شده

[illegible] اهل سنت [illegible] است که هر که این [illegible]

[illegible] مادامیکه زنده باشد

ثواب [illegible] این سوره [illegible] است که [illegible] فرماید

[illegible] سجده بخواند حق تعالی [illegible]

[illegible] غیر [illegible] عطا فرماید ۱۲

[illegible] مبارکه در مکه نازل

[illegible] و دو کلمه و [illegible] حرف است و [illegible]

این سوره [illegible] اهل سنت [illegible] است که هر که این سوره

[illegible] را بخواند چنان است که جمیع سورها [illegible] را خوانده

یعنی ثواب تمام سورهٔ مفصل را در [illegible] نامه [illegible] بنویسند

[illegible]

بکند و در عمار و احسب بنشستی نشهد

رسانید که از اهل بهشت شوی از در بکی

الغاشیه این سوره غاشیه

شد معنی سوره الست که مقدمات قیامت احوال

اهل محشر در این سوره مذکور است و در این سوره و ...

بیست و شش آیه و ... و ... کلمه و ... حروف است

و خاصیت آن موافق اخبار ... است

سوره بخواند از حق تعالی حساب ...

... مذکور است که هر که این سوره ...

و ... تلاوت نماید ...

... باشد و در روز قیامت او را از عذاب

کرداند والفجر ولیال عشر این سوره

... آن ترجمه شد و در مکه نازل گشته و سی

آیه و ... کلمه و ... صد و نود و نه حروف است

... والبلد

بسم الله الرحمن الرحیم

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] و [illegible] ...

... روزی [illegible] از برای او در روز قیامت

... مذکور است که هر که این سوره را بخواند در نماز ...

... در روز دنیا ... حشر او با امام حسین باشد و ...

... درجه باشد ۱۲

... از ترجمه معلوم است و در مکه نازل گشته ... و یک حرف است ...

... است که هر که این سوره ...

... امامیه مذکور است که هر که ...

... واجب در دنیا ...

... که او را ...

... است ... و صلی ... رفیق ...

و ... مبارکه والشمس است ...

... در مکه نازل گشته و پانزده آیه و پنجاه ... کلمه و دویست ...

... و خاصیت آن در اخبار ...

... سوره را بخواند ثواب ... چون ثواب ... که ...

... ۱۸۰

طریق امامیه مذکور است که هر که بعد شب ..
تلاوت نماید اگر دران روز بمیرد داخل ..
شود ثواب شهید دهد و ثواب مانند کسی باشد
که حضرت رسول را دیده شمشیر زده باشد
این سوره مبارکه
آیت در مکه نازل شده و پنج آیه و سی کلمه و یکصد و دوازده
حرف است و خاصیت آن موافق اخبار نبویه این است که
... را بخواند با آواز بلند ... بیشه
گناه بخشیده شود که از ... تلاوت نماید مثل کسی باشد که جهاد
کرده باشد در راه خدا و کسی ... و ... در آن هر شب بخواند
... نامه اعمال او ... رکعات ... مذکور است
... این سوره را بخواند مثل کسی باشد ... ماه رمضان
روزه گرفته و شب قدر را دریافته باشد
این سوره مبارکه
لم یکن ... بینه یعنی حجت روشن در مکه یا مدینه نازل شده و ...
... چهار کلمه ... و ... حرف است و خاصیت ...

...سنت اینست که هرکه این سوره بخواند روز ... مستعد ... حشر
... از قبر ... و در اخبار امامیه مذکور است که هرکه این سوره
... خلاص شود و با ایمان محشور گردد و حساب او بر او آسان گردد ... ۱۲
الم ... این سوره مبارکه زلزال است بمعنی کرزه ...
زمین گردید و هشت آیه و پنجاه و سه کلمه یکصد و چهل و نه حرف است ...
در ... اهل سنت اینست که هرکه این سوره را بخواند از ثواب او مثل ثواب ... باشد
که سوره ... ربع قرآن خوانده باشد و در اقوال امامیه مذکور است که هرکه این سوره را
ملازمت کند ... از آفت زلزله و صاعقه و آفتهای دیگر محفوظ بماند و چون بمیرد ...
... این سوره مبارکه والعادیات ...
... آن ترجمه ... و در مکه نازل گشته و یازده آیه و چهل کلمه و ...
... حرف است و خاصه ... موافق اقوال اهل سنت اینست
... بعدد هر که شب ... آورده باشد در مزدلفه ...
... را جمع ... را انجا ... در نامه اعمال او نویسند
مزدلفه منه الحرام است و این موضعی است نزدیک ... در آنجا مزدلفه ...
... و در اخبار امامیه مذکور است که هرکه این سوره تلاوت ... در روز
با امیر المومنین علی ابن ابی طالب محشور گردد و در بهشت رفقای آنحضرت باشد
القارعه ... این سوره مبارکه قارعه است بمعنی ...
در مکه نازل شد و یازده آیه و سی کلمه و ... و دو حرف است

ست ... اتفاق طریق اهل سنت اینست که هرکه این سوره

را روز جمعه ... بت ... احتمال دارد از صاحب سوره ...

و طبقات امامیه وارد است که هرکه این سوره را تلاوت نماید

از شر و فتنه دجال محافظت نماید و از عذاب دوزخ ایمن

این سوره ... که این ست که ... عبدالمطلب

ست نبی صلعم با یکدیگر بکثرت قوم و قبیله مفاخرت میکردند

... که هرچه ما ... اند و افتراق در میان ما ... و چون مرده

... می شمردند ... بعد ... قبرستان میرفتند و ...

شمار میکردند و بنابر قول جماعت ... میکردند و ...

یاد خدا و فکر دین و ایمان غافل شده بودند در آنحال سوره

... نازل شد در مکه معظمه و این سوره ...

... و یکصد و بیست حرف است و خاصیت آن در اوراق

... هرکه این سوره را بخواند از عذاب ...

... را که [redacted] در دنیا باز کرده

و از او ... که ... آیه از قرآن تلاوت کرده باشد

در طبق امامیه مذکور است که هرکه این سوره را تلاوت نماید

... واجب و حوادث ... او را حق تعالی ثواب پنجاه شهید

باب ... قرائت ... [illegible]

این سوره مبارکه مکیه است و ... ترجمه

... ۳۰ آیه و چهارصد کلمه و ... هشت ...

خاصیت آن در اخبار اهل سنت اینست که هر که این سوره

... خدا ... در اقوال امامیه مذکور است

... در نمازهای واجب و سنت تلاوت نماید در روز قیامه

از روی او ... خندان ... باشند تا داخل

... سوره ویل لکل همزة ...

... ولید بن مغیره ... غیبت حضرت رسول

چون حضرت رسول را میدیدند باشارت ...

... لهذا سوره مبارکه در وصف ... قبیح آن ...

... آیه و ... کلمه و ... حرف است ...

... از اهل سنت اینست که هر که این سوره را بخواند ...

... صحابه ... ثواب برای او بنویسند و در طریق

امامیه مذکور است که هر که این سوره را در فرائض ...

... از ... روز ... سبع ...

محفوظ ماند ۱۲ الم تر کیف فعل ربک باصحاب

... ... مبارکه در مکه نازل شد و پنج آیه و بیست ... علی
الیه و یعنی حرف است و خاصیت آن موافق اهل شریعت
که این سوره را بخواند خدا او را از فرد ... مسیح شد
... در اخبار امامیه ... است که هر که این سوره را در نماز
... بخواند فرشتها و حیوانات و جمادات در حق او
شهادت دهند که او از نماز گذارندگان بود و شهادت همه
در حق او ... و ندا رسد که ای ملائکه او را داخل بهشت کنید ۱۲
... ...